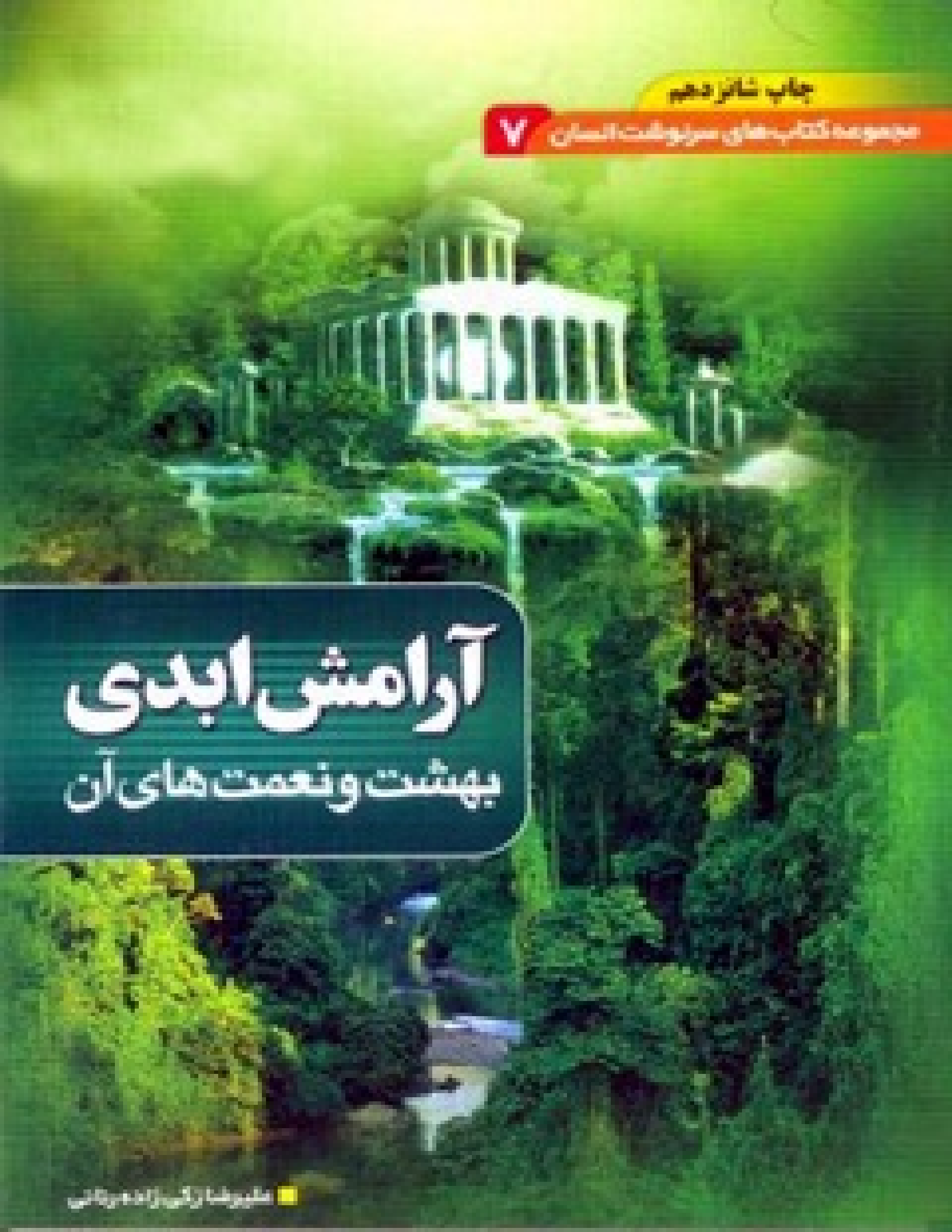

چاپ شانزدهم
مجموعه کتاب‌های سرنوشت انسان
۷
آرامش ابدی
بهشت و نعمت‌های آن
علیرضا زکی‌زاده رفاتی

آرامش ابدی

مشخصات کتاب

سرشناسه : زکی زاده رنانی، علیرضا، 1354 -

عنوان و نام پدیدآور : آرامش ابدی / علیرضا زکی زاده رنانی.

مشخصات نشر : قم: دیوان ’1386.

مشخصات ظاهری : 160 ص.

فروست : مجموعه کتاب های سرنوشت انسان ؛ 6.

شابک : 14000 ریال 978-964-91204-2-3 :

یادداشت : عنوان روی جلد: آرامش ابدی: بهشت و نعمتهای آن.

یادداشت : کتابنامه: ص. [151] - 158؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : آرامش ابدی: بهشت و نعمتهای آن.

موضوع : بهشت (اسلام)

موضوع : زندگی پس از مرگ (اسلام)

رده بندی کنگره : BP 222/65/ز8آ4 1386الف

رده بندی دیویی : 297/44

شماره کتابشناسی ملی : 1512941

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

ص: 7

ص: 8

پیشگفتار:

بهشت و نعمت های آن

چاپ پانزدهم

مجموعه کتاب های سرنوشت انسان 7

بسم الله الرحمن الرحیم

امام علی علیه السلام: الجَنَّهُ دارُ الأَمانِ.

«بهشت سرای امنیّت و آرامش است».

«غررالحکم، حدیث 397»

آرامش ابدی

علیرضا زکی زاده رنانی

تقدیم به:

طاووس اهل بهشت

حضرت مهدی «عج»

پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم:

أَلمَهدِیُّ طاوُوسُ أَهلِ الجَنَّهِ.

«حضرت مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است».

ر.ک: الصراط المستقیم، ج2، ص241؛ کشف الغمَّه، ج3، ص282؛ بحار، ج51، ص91؛ ینابیع الموده، ج2، ص82.

«بسم الله الرحمن الرحیم و الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سید الانبیاء و المرسلین محمد صلی الله علیه و آله و عترته الطاهرین علیهم السلام.

چشم دل باز کن که آن بینی *** آنچه نادیدنی است آن بینی

آنچه بینی دلت همان خواهد*** آنچه خواهد دلت همان بینی

تا به جایی رسی که می نرسد*** پای اوهام و پایه افکار

سخن از بهشت است و زیبایی های آن، از نعم الهی، راه های ورود به آن و خلاصه شنیدنی هاییی که روشنی بخش دیده هر انسانی می باشد.

سخن از مزیت خاصه خداوند متعال نسبت به مومنان، چگونگی پذیرایی آنان در بهشت و دیگر مسائلی که در این نوشتار به فضل خداوند رحمان به رشته تحریر در آمده است.

اگر دل خود را به منظره های زیبایی که در بهشت به آن می رسی مشغول داری، روحت با اشتیاق فراوان به آن سامان پرواز می کند. نهرهایی از شراب گوارا و شیر و عسل با آهنگ هایی دلنشین از درختان آن در کنار قصرهایی پر شکوه و عظمتی از محبت و شور و اشتیاق.

آری، این مطلب زیبا و جذاب باعث شد که نگارنده باری دیگر کمر همت را بسته و به سراغ آیات و روایات فراوان این موضوع برود. آیات و روایات بسیاری که با توجه به گستردگی آن شاید دهها کتاب جداگانه بتوان برایش تالیف نمود.

معمولا از بهشت کمتر گفته شده است و کمتر کتابی است که مستقلا در مورد آن به رشته تحریر در آمده باشد. بیشتر کلام آن در کتب روایتی و تفسیری به چشم می خورد. از این رو پیش از هر چیز به سراغ آیات و روایات مربوطه رفته و مطالب این نوشتار را در چندین فصل تنظیم نمودم.

بخشی از کتاب را نیز به شبهات و مسائل در مورد بهشت اختصاص دادم که برای خود نگارنده جذابیت و اهمیت ویژه ای داشت.

این نوشتار به صورت خلاصه تنظیم شده است و سعی بر آن بوده است که بیشتر مطالب آن به صورت اختصار ذکر شود. ان شاء الله مباحث کامل این نوشتار نیز در آینده ای نزدیک به چاپ خواهد رسید.

در پایان خداوند متعال را شاکرم که موضوع را برای بنده ارزانی داشت و نیز از این که شما خواننده محترم این کتاب را برای مطالعه برگزیدید سپاسگزارم. امید وارم که نگارنده را از دعای پر فیض خود محروم ننمایید.

رّبَّنا تَقَبّل مِنّا اِنّک اَنتَ السَّمِیعُ العَلِیم

علیرضا زکی زاده رنانی

قم المقدسه عشّ آل محمد(ص)- پاییز 1368

ص: 11

ص: 12

فصل اول: کلیاتی پیرامون بهشت

مفهوم جنت(بهشت)

جنّت در اصل به معنای «ستر» و «پوشاندن» می باشد.(1) دو کلمه«جِنّ» و«جنین» نیز به همین معنا می باشند.«جِنّ» را از آن رو جِنّ گویند، چون از دیده ها پوشانده شده و نهان است.(2) و«جنین» را نیز از آن رو جنین گویند که از دیده ها پوشانده شده و پنهان است.(3)

«جنت» را نیز به این اسم مانند، چون درختان آن را می پوشانند.(4)

از این رو جنت به باغ و بستانی گفته می شود که در آن درختان زیادی دیده می شود و همه لذت ها در آن جمع و آماده می باشد؛ از بهترین درختان و میوه ها و همسران نیکو و خادمانی زیبا و خانه هایی فاخر که به یاقوت و زمرد و سنگ های گران قیمتی دیگر تزیین شده است.(5)4.

1- ر.ک: العین، ج6، ص 21؛ الصحاح، ج5، ص293؛ مجمع البحرین، ج1، ص 412.
2- مانند آیه 158، از سوره صافات:«وَجَعَلُوا بَیْنَهُ وَبَیْنَ الْجِنَّهِ نَسَبًا».
3- مانند آیه 32، از سوره نجم: «وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّهٌ فِی بُطُونِ أُمَّهَاتِکُمْ ».
4- ر.ک: مجمع البیان، ج10، ص 438 و640.
5- ر.ک: مجمع البیان، ج9، ص224.

وجود بهشت:

چون این جهان جایگاه پاداش مومنان نمی باشد و بی تردید یکی از چیزهایی که در این دنیا خداوند متعال در وجود هر انسانی نهاده است، میل و خواهش های درونی است. خواهش هایی که لازمه بقاء زندگی دنیایی و ادامه حیات می باشد. ولذا با توجه به این شرایط بسیاری از لذائذ و خوشی ها مقطعی و یا محدود به همین دنیا می باشد.

حال که ناگزیر چنین خواهش هایی وجود دارد و از طرفی دنیایی محدود با شرایطی محدود نیز آن را احاطه کرده است، پس به ناچار باید نعمت ها و خواهش هایی همیشگی و نامحدود نیز برای مومنان در سرایی دیگر وجود داشته باشد.

ولذا اسلام، قبل از هرچیز این ندا را پاسخ گفته و بهشتی ابدی و روشنی بخش را برای هر انسان صالحی وعده داده است. بهشتی که پهنای آن آسمان ها و زمین و نعمت های آن همیشگی و پایدار است.

از این روست که حضرت امیر(ع) می فرماید:«ارزش جان های شما جز بهشت نیست، پس آن را جز به بهشت نفروشید»(1)

و در جایی دیگر فرمودند:«شما که ناگزیر میل و خواهش دارید پس خواهش خود را متوجه بهشتی کنید که به پهنای آسمان ها و زمین است».(2)8.

1- ر.ک.تفسیر صافی، ج2، ص382؛ بحار، ج78،ص 13 ؛ و نیز فرمودند: «هرکس جان خود را به چیزی جز نعمت های بهشت بفروشد، به آن ستم کرده است.»
2- «».ر.ک.غرر الحکم، ح3736؛ میزان الحکمه، ج2ص792، ح2518.

صفت بهشت:

خداوند متعال در مورد بهشت تعبیراتی زیبا درقرآن نام برده است؛ این که حقیقت بهشت و نعمت آن هرچند گفته شود، بازهم عظمت آن مخفی و پوشیده است برای همین قرآن کریم، وصف بهشت را با تعبیراتی همچون«مَثَل» بیان می کند، یعنی این اوصاف شبیه و شبحی از آن می باشد.

خداوند متعال در سوره رعد، آیه35 می فرماید :«مَّثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَآئِمٌ وِظِلُّهَا تِلْکَ عُقْبَى الَّذِینَ اتَّقَواْ وَّعُقْبَى الْكَافِرِینَ النَّارُ ؛ توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده چنین است: آب از زیر درختانش روان است و میوه ها و سایه هایش همیشگی است. این سرانجام کسانی است که پرهیزگارند و سرانجام کافران آتش است.»

و در سوره محمد، آیه15 می فرماید:

«مَثَلُ الْجَنَّهِ الَّتی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فیها أَنْهارٌ مِنْ ماءٍ غَیْرِ آسِنٍ وَ أَنْهارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ یَتَغَیَّرْ طَعْمُهُ وَ أَنْهارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّهٍ لِلشَّارِبینَ وَ أَنْهارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّی وَ لَهُمْ فیها مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ وَ مَغْفِرَهٌ مِنْ رَبِّهِمْ کَمَنْ هُوَ خالِدٌ فِی النَّارِ وَ سُقُوا ماءً حَمیماً فَقَطَّعَ أَمْعاءَهُمْ»

«وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده این است که در آن نهرهایی است از آب هایی تغییر ناپذیر و نهرهایی که از شیری که طعمش دگرگون نمی شود و نهرهایی از شراب که آشامندگان از آن لذت می برند و نهرهایی از عسل مصفا. و در آنجا هرگونه میوه که بخواهند هست».

امام علی (ع) می فرماید:«بهشتی که خدای تعالی به مومنان وعده داده است چشم بینندگان را خیره می کند. در آن درجاتی است یکی برتر از دیگری و منازلی است یکی بالاتر از دیگری. نعمتش از بین

نمی رود و شادیش به پایان نمی رسد، اقامت کننده در آن کوچ نمی کند و جاویدان در آن پیر نمی شود و ساکن آن آسیبی نمی بیند، اهل آن از مرگ در امانند و هراسی به دل راه نمی دهند، زندگی به کام آن هاست، نعمت برایشان پایدار است در جویهایی از آب هایی تغییر ناپذیر و نهرهایی که از شیر که طعمش دگرگون نمی شود و نهرهایی از شراب که آشامندگان از آن لذت می برند»(1)

و در خطبه165 نهج البلاغه فرمودند:«اگر با چشم دل به آنچه که از بهشت برای تو توصیف کرده اند بنگری، از آنچه در دنیاست دل می کنی، هر چند شگفتی آور و زیبا باشد، و از خواهش های نفسانی و خوشی های زندگانی و منظره های آراسته و زیبای آن کناره می گیری، و اگر فکرترا به درختان بهشتی مشغول داری که شاخه هایش همواره به هم می خورند، وریشه های آن در توده های مشک پنهان، و در ساحل جویباران بهشت قرار گرفته آبیاری می گردند، و خوشه هایی از لولو آبدار به شاخه های کوچک و بزرگ درختان آویخته، و میوه های گوناگونی که از درون غلاف ها و پوشش ها سر بیرون کرده اند، سرگردان و حیرت زده می گردی؛ شاخه های پر میوه بهشت که بدون زحمتی خم شده در دسترس قرار می گیرند، تا چیننده آن هرگاه که خواهند برچینند، مهمانداران بهشت گرد ساکنان آن و پیرامون کاخ ها یشان در گردشند و آنان را با عسل های پاکیزه و شراب های گوارا پذیرایی کنند.

آن ها کسانی هستند که همواره از کرامت الهی بهره مندند تا آن گاه که درسرای ثابت خویش فرود آیند و از نقل و انتقال سفرها آسوده گردند.4.

1- ر.ک. بحار، ج75، ص30، ح97؛ میزان الحکمه، ج2،ص814،ح2624.

ای شنونده!اگر دل خود را به منظره های زیبایی که در بهشت به آن می رسی مشغول داری، روح تو با اشتیاق فراوان به آن سامان پرواز خواهد کرد، و از این مجلس من با شتاب به همسایگی اهل قبور خواهی شتافت.

خداوند با لطف خود من شما را از کسانی قرار دهد که با دل و جان برای رسیدن به جایگاه نیکان تلاش می کنند».(1)

امام صادق (ع)نیز فرمودند: کمترین نعمت بهشت چنان است که بویش از فاصله هزار سال به مسافت دنیا به مشام می رسد».(2)

و در روایتی دیگر حضرت فرمودند:«در بهشت درختی است که بادهای بهشت به فرمان خدا وزیدن می گیرند و آن درخت آهنگ هایی می زند که خلایق به زیبایی آن ها رانشنیده اند آن گاه فرمود: این پاداش کسانی است که در دنیا از ترس خدا گوش سپردن به ساز و آواز را ترک کرده باشند». (3)

فراگیر بودن بهشت

آنچه از مجموع روایات می توان به صراحت بیان کرد این است که شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام همگی وارد بهشت الهی خواهند شد، ولیکن درجات آنان با هم فرق می کند، دیگر این که قبل از بهشت کسانی که آلودگی هایی داشته باشند پاک می شوند؛ با فشار قبر، باترس و مراحل دیگری که در قیامت وجود دارد. و لذا اینگونه نیست که فردی شیعه بگوید ، خوب ماکه قرار است بهشت رویم پس فرض گریه بر امام حسین(ع) می کنیم7.

1- دشتی، محمد رحمه الله، ترجمه نهج البلاغه، ص 317.
2- ر.ک: تفسیر قمی، ج2، ص82 ؛ تفسیر صافی، ج3 ، ص 370؛ بحار،ج8 ، ص 120، ح11.
3- ر.ک: تفسیر قمی، ج2، ص170 ؛ تفسیر نور الثقلین، ج4، ص 227، ذح27.

ولی ربا هم می خوریم و کارهای دیگر هم انجام می دهیم. نه، اینگونه نیست، آنجا موقف حساب است و حساب، از اعمال و رفتار سوال می شود، از عبادات و مسائل دیگر اسلامی سوال می شود؛ از این رو وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله بارها می فرمودند:«حساب اعمال خود را کنید، قبل از آن که به حساب اعمال شما برسند».

در مورد فراگیر بودن بهشت امام سجاد(ع) فرمودند:«ای گروه شیعیان ما! بهشت دیر یازود حتما به شما میرسد اما برای رسیدن به درجات آن با هم رقابت کنید».(1)

و نیز امام صادق (ع) فرمودند:«به خدا سوگند احدی از شما به دوزخ نمی رود. پس برای رسیدن به درجات بهشت با هم رقابت کنید و با پارسایی دل دشمن خود را دردمند سازید».(2)2.

1- ر.ک: بحار،74، ص308، ح61؛ میزان الحکمه، ج2، ص820، ح2648.
2- ر. ک:امالی شیخ طوسی، ص 296، ح581؛ وسائل الشیعه، ج15، ص 248، ح 20412.

فصل دوم: اسباب ورد به بهشت الهی

اسباب ورود به بهشت

ص: 19

ص: 20

1- از دیدگاه قرآن کریم:

درباره اوصاف بهشتیان، آیات فراوانی درقرآن کریم وارد شده که در مجمو، صفات و اعمالی که انسان را به بهشت می رساند و او را در آن جایگاه رفیع و والا جای می دهد کاملا مشخص می سازد

این اوصاف عبارتند از:

1- ایمان و عمل صالح:

(وَالَّذِینَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ)(1)

«و آن ها که ایمان آورده ، و کارهای شایسته انجام داده اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند».

2- تقوی:

(تِلْکَ الْجَنَّهُ الَّتِی نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن کَانَ تَقِیًّا)(2)

«این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزگار خود، ارث می دهیم».

3- احسان و نیکو کاری:3.

1- سوره بقره، آیه82 و نیز به آیه 124 سوره نساء رجوع شود
2- سوره مریم، آیه 63.

(فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا وَذَلِکَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِینَ)(1)

«خداوند بخاطر این سخن، به آن ها باغ هایی از بهشت داد که از زیر درختانش، نهر ها جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است جزای نیکوکاران».

4- جهاد و شهادت:

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ)(1)

«خداوند از مومنان، جان ها و اموالشان را خریداری کرده،که(در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛(به این گونه که) در راه خدا پیکار می کنند»

5- ترک هواپرستی:

(وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَی النَّفْسَ عَنِ الْهَوَی فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِیَ الْمَأْوَی)(2)

«و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی باز دارد، قطعا بهشت جایگاه اوست!».

6- پیشگامان در ایمان:

(وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِکَ الْمُقَرَّبُونَ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ)(3)

«و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامانند، آنها مقربانند! در باغهای پر نعمت بهشت (جای دارند)»

7- هجرت و جهاد:

(الَّذِینَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ یُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِیهَا نَعِیمٌ مُقِیمٌ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِیمٌ)(5)2.

1- سوره توبه، آیه111.
2- سوره نازعات، آیه40-41.
3- سوره واقعه، آیه 10 سوره توبه، آیه20-22.

«آیا سیراب کردن حجاج ، و آبادساختن مسجد الحرام را، مانند(عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو،) نزد خداوند مساوی نیستند! و خداوند گروهمان را هدایت نمی کند!آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها پیروز و رستگارند! پروردگارشان آنها را به رحمتی ازناحیه خود، و رضایت(خویش)، و باغهایی از بهشت بشارت می دهد که در آن ، نعمتهای جاودانه دارند؛ همواره و تا ابد در این باغها(و درمیان این نعمتها) خواهند بود؛ زیرا پاداش عظیم نزد خداوند است».

8- صبر و تحمل در برابر شدائد:

(وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا)(1)

«و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر بهشتی را به آن ها پاداش می دهد».

9- ایمان و بقاء در برابر جاده مستقیم:

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)(2)

«کسانی که گفتند:«پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می شوند. آن ها اهل بهشتند و جاودانه در آن می مانند؛ این پاداش اعمالی است که انجام می دادند».

10- اطاعت خدا و رسول:

(وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الأنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)(3)

«وهرکس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (قوانین او را محترم بشمرد،) خداوند وی را در باغ هایی از بهشت وارد می کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن می مانند؛ و این، پیروزی بزرگی است».13

1- سوره دهر، آیه 12.
2- سوره احقاف، آیه13-14.
3- سوره نساء، آیه 13

11-اخلاص:

(وَمَا تُجْزَوْنَ إِلا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِلا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ أُولَئِکَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ فَوَاکِهُ وَهُمْ مُکْرَمُونَ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ)(1)

«و جز به آنچه انجام می دادید کیفر داده نمی شوید، جز بندگان مخلص خدا(که از این کیفرها برکنارند)!برای آنان [= بندگان مخلص] روزی معین و ویژه ای است، میوه ها(ی گوناگون پر ارزش)، و آنهاگرامی داشته می شوند... در باغهای پر نعمت است».

12- صدق و راستی:

(هَذَا یَوْمُ یَنْفَعُ الصَّادِقِینَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا)(2)

«امروز روزی است که راستی راستگویان، به آنها سود می بخشد؛ برای آنها باغهایی از بهشت است که نهرها از زیر)درختان(آن می گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می مانند؛ هم خداوند از آنها خشنود است، و هم آنها از خدا خشنودند؛ این، رستگاری بزرگ است!».

2- از دیدگاه روایات:

در روایات معصومین علیهم السلام نیز عوامل بسیاری جهت راهیابی به بهشت الهی بیان شده است. جهت استفاده بهتر شما خواننده محترم این عوامب بصورت رقم نام برده شد و برخی از آن نیز بوسیله خود حدیث ذکر گردید.

« امام علی علیه السلام: دُخُول الجنَّهِ رَخیصٌ، و دخوُل النّارِ غالٍ».(3)

«بهشت رفتن ارزان است و دوزخ رفتن گران».

عوامل ذکر شده عبارتند از:

1- اطاعت از خداوند متعال:4.

1- سوره صافات، آیه39-43.
2- سوره مائده، آیه 119.
3- ر. ک. بحار، ج75، ص 90، ح75؛ میزان الحکمه، ج1، ص426، ح2544.

رسول خدا صلی الله علیه و آله:لَن یَدخُلَ الجَنَّهَ اِلاّ نَفسٌ مُسلِمَهٌّ(1)

«وارد بهشت نشوید مگر نفسی که در برابر خدا تسلیم باشد».

2- ایمان به خدا و پیامبر:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَن رَضِیَ باالله رَبّاوَ بِالاِسلامِ دیناً و بِمُحَمَدٍ صلی الله علیه و آله نَبِیاَ وَ جَبَت لَهُ الجَنَّهِ.(2)

«هرکس به ربوبیت الهی و دین اسلام و پیامبری من راضی شود، بهشت براو واجب گردد».

3- عمل صالح:

امام باقر علیه السلام: اِنَ العَمَلَ الصَّالِحَ یَذهَبُ اِلَی الجَنَهِ.(3)

«همانا عمل صالح(انسان را) به سوی بهشت می برد».

4- زیادی علم و عمل:

امام علی علیه السلام: اِنَ کَثرَهَ العِلمِ بِهِ سَبَب اِلَی الجَنَهِ.(4)

«همانا زیادی علم و عمل به آن، راهی است به سوی بهشت».

5- ترک شهوات:

امام علی علیه السلام: فَمَنِ اشتاقَ اِلَی الجَنَهِ سَلا عَنِ الشَّهَواتِ.(5)

«پس هار کس که مشتاق بهشت است، باید از شهوات دوری کند».

6- اخلاص در توحید:0.

1- ر.ک: علل الشرایع، ج1، ص 190؛ اقبال الاعمال، ج2، ص 41؛ و از منابع اهل سنت ر.ک: صحیح بخاری، ج4، ص34؛ مسند احمد، ج1، ص 3؛ مسلم، ج1 ، ص 74.

2- ر. ک: المجموع النوری، ج19، ص266؛
3- ر.ک: بحار، ج68، ص185، ذ ح 46؛ میزان الحکه، ج3. ص 2124.
4- ر.ک: تخف العقول، ص199؛ بحار، ج1، ص175ف ح41؛ نهج السعاده، ج7، ص11؛ مستدرک سفینه البحار، ج9، ص65.
5- ر.ک: نهج البلاغه، حکمت31؛ الخصال،ص 231، ح74؛ تحف العقول، ص 165؛ روضه الواعظین، ص 43؛ این روایت از امام سجاد علیه السلام نیز نقل شده است: ر. ک: الکافی،ج2،ص131، ح15؛فقه الرضا(ع)،ص 370.

رسول خداصلی لله علیه و آله: مَن قَالَ لا اِلَه اِلاَّ اللهَ مُخلِصاً فَلَهُ الجَنَه.(1)

«هرکس از روی اخلاص «لااله الا الله» را بگوید، پس بهشت برای اوست».

7- عدالت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: اَلعَدلُ جُنَهُ وَ اقِیهَ وَ جَنَهُ بَاقِیَهً.(2)

«عدالت سپری محکم و بهشتی همیشگی است».

8- تقوا

9- حسن خلق:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: اَکثَرُ مَا تَلِجِ بِهِ اُمَتِی الجَنَّهَ، تَقوَی الله وَ حُسنُ الخُلق.(3)

«امت من بیشتر به سبب دو چیز وارد بهشت می شوند: خداپروایی و خوشرویی».

10- خشیت خداوند

11- ترک جدال:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: ثَلاثٌ مَن لَقِیَ اللهَ عَزوجلّ بِهِنَّ دَخَلَ الجَنَهَ مِن اَیِ باب شاءَ: مَن حَسُنَ خُلقُه، وَ خَشِیَ اللهَ فِی المَغَیِبِ وَ المَحضَرِ، وَ تَرَکَ المِراءَ وِاِن کَانَ مُحِقاً.(4)

«سه چیز است که هرکس با آن ها ، خدای عزوجل را دیدار کند از هر دری که خواهد وارد بهشت شود: کسی که خوشخو باشد و در آشکارا و نهان از خدا بترسد و بحث و ستیزه رارها کند اگر چه حق با او باشد».6.

1- ر.ک: کفایه الاثر، ص 119؛ ذکر اخبار اصبهان، حافظ اصبهانی متوفای 430، ج1، ص 158؛ کنز العمال، ج1، ص50، ح144؛ بحار، ج326، مدینه المعاجز، ج2؛ ص393، ح619.
2- ر.ک: عوالی اللثالی، ج1، ص293، ح177؛ بحار،ج74، ص165، ح2؛ درد الاخبار، ص532
3- ر.ک: الکافی، ج2، ص 79، ح5؛ وسائل الشیعه،ج12، ص 150، ح15911.
4- ر.ک. الکافی، ج2، ص300، ح2؛ مکارم الاخلاق، ص 436؛ منیه المرید، ص 316.

12- سرعت در کارهای نیک:

رسول خدا صلی الله علیه و آله مَنِ اشتاقَ اِلیِ الجَنَهِ سَارَعَ اِلَی الحَسَناتِ.(1)

«هرکه مشتاق بهشت باشد در انجام کارهای خوب بکوشد».

13- مصیبت نکردن:

امام صادق علیه السلام: مَن لَم یَعصِ الله اَدخَلَهُ الله الجَنَهَ.(2)

«هرکس نافرمانی خدا را نکند، خداوند او را وارد بهشت نماید».

14- سخاوت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: اَلجَنهُ دَارُ الاَسخِیاء.(3)

«بهشت سرای سخاوتمندان است».

15 - اطعام نمودن:

امام صادق علیه السلام: مَن اَطعَمَ مُومِناً اَطعَمَهُ الله مِنَ ثِمارِ الجَنَهِ.(4)

«هرکس مومنی را اطعام نماید، خداوند از میوه های بهشتی او را اطعام نماید.»

امام صادق علیه السلام: مِن مُوجِباتِ الجَنَهِ و المَغفِرَه: اِطعامُ الطَعامِ.(5)

«از موجبات دخول در بهشت و مغفرت الهی، اطعام نمودن است».30

1- ر.ک. تحف العقول، ص 281؛ مکارم الاخلاق، ص447؛ ج75، ص139، ح29؛«این روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت«...الی الخیرات» نیز نقل شده است: ر.ک. الکامل، ج3، ص358؛تاریخ بغداد، ج6، ص 298؛ الموضوعات ابن الجوزی، ج3، ص 180؛کنز العمال، ج15، ص864، ح43440؛ الجامع الصغیر،ج2 ص570، ح8442».

2- ر.ک: من لایحضره الفقیه، ج1، ص125، ح296؛ ثواب الاعمال، ص 20؛ الذکری، ص 19.
3- ر.ک: مشکاه الانوار،ص405؛ الکامل، ج4،ص321؛الجامع الصغیر،ج1، ص563، ح3644؛ تذکره الموضوعات فتنی، ص63؛کشف الخفاء، ج1، ص337، ح1083.
4- ر.ک:المحاسن، ج2، ص393، ح42؛المومن حسین بن سعید اهوازی، ص 63؛ المقنع، ص299؛ قرب الاسناد، ص120؛الدعوات، ص230، ح639.
5- ر.ک:المحاسن،ج2،ص389، ح17؛ وسائل الشیعه، ج24،ص326،ح30672؛ بحار،ج71، ص361،ح11؛مستدرک سفینه البحار،ج6، ص534؛میزان الحکمه،ج2،ص1730

16-مجاهدت در راه خدا:

رسول خداصلی الله علیه و آله: الجِهادُ فِی سَبیلِ اللهِ بابٌ مِن اَبواب الجَنَهِ.(1)

«جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است».

رسول خدا صلی الله علیه و آله:الجَنَهُ تَحتَ ظِلالِ السُیوفِ.(2)

«بهشت زیر سایه شمشیرهاست».

رسول خداصلی الله علیه و آله: مَن خُتِمَ لهُ بِجِهادٍ فی سبیلِ اللهِ ولَوقَدرَ فَواقِ الناقهِ دَخلَ الجَنَهَ(3)

«هرکس به اندازه زمان میان دو دوشیدن شتر، جهاد در راه خدانصیبش شود وارد بهشت گردد».

17-علاقه و محبت به دانش و علم:

رسول خداصلی الله علیه و آله:مَن اَحَبَ العِلمَ وَ جَبَت لَه الجَنَه.(4)

«هرکس محبت به علم و دانش داشته باشد، بهشت بر او واجب است».

18- روزه:

رسول خداصلی الله علیه و آله: اِنَ فِی الجَنَهِ باباً یُدعی «الرَّیانَ» لایَدخُلُ مِنه اِلاَّ الصّائِمونَ.(5)9.

1- ر.ک: دعائم الاسلام، ج1، ص343؛ بحار، ج97،ص50،ح24؛ مستدرک الوسائل،ج11،ص16،ح12304(از امام علی علیه السلام)و الدرّالمنثور،ج1، ص245 از رسول خدا(ص).
2- ر.ک:صحیح بخاری، ج3،ص208؛صحیح مسلم،ج5، ص143؛ مسنداحمدج4 ص396.

3- ر.ک:مستدرک الوسائل،ج2، ص122،ح1604؛ میزان الحکمه،ج1، ص800، ح2562.
4- ر.ک:بحار،ج1،ص178،ح60.
5- ر.ک: معانی الاخبار،ص409،ح90؛ المقنعه،ص304؛وسائل الشیعه،ج10،ص404،ح13703؛ و از منابع اهل سنت ر.ک: صحیح بخاری، ج2، ص226؛ مسنداحمد،ج5،ص335؛صحیح ابن حبان،ج8، ص208؛مسند ابی یعلی،ج13، ص525،ح7529.

«بهشت راه دروازه ای است به نام«ریَّان»(سیراب)که جز روزه داران از آن وارد نشوند».

19- نماز جمعه:

مَن صَلَّی الجُمعهِ وَجَبَتَ لَهُ الجَنَّه.(1)

«هرکس نماز جمعه را برپا دارد، بهشت بر او واجب است».

20-اجابت موذن:

اِجابَه المُوَذِّنِ رَحمَهَ وَ ثَوابُهُ الجَنَّه(2)

«اجابت موذن رحمت است و پاداش آن بهشت می باشد».

21-نیکو سخن گفتن:

امام زین العابدین علیه السلام: القَولُ الحَسَن یُثرِی المالَ وَیُدخُلُ الجَنَّه(3)

«نیکو سخن گفتن مال را زیاد کند،(و روزی را رشد می دهد،مرگ را به تاخیر می اندازد)و باعث دخول بهشت شود».

22- صبر در شدائد و مصائب:

امام باقر علیه السلام:اِنَ الجَنَهَ مَحفُوفَه بِالمَکارِهِ وَ الصَبرِ، فَمَن صَبَرَ عَلَی المَکارِهِ فِیِ الدِنیا دَخَلَ الجَنَهَ.(4)

«همانا بهشت در احاطه ناملایمات و بردباری است؛پس، هرکه در دنیا بر ناملایمات صبر کند به بهشت رود».

23-حج و عمره:8.

1- ر.ک:تفسیر قرآن کریم،مرکز حوزه علمیه قم،سوره حمد و بقره،ص381.
2- ر.ک:بحار،ج81،ص154؛مستدرک الوسائل،ج4،ص56.

3- ر.ک: امالی شیخ صدوق،ص49،ح1؛الخصائل،ص317،ح100،وسائل الشیعه،ج12،ص186، ح16038؛بحار، ج68، ص310، ح1؛میزان الحکمه،ج3، ص2743.
4- ر.ک:الکافی،ج2، ص89،ح7؛مسکن الفواد، ص51؛تحف العقول،ص390؛ وسائل الشیعه،ج15،ص309،ح20600؛بحار،ج68، ص72، ح4؛ تفسیر نور الثقلین،ج4،ص206، ح58.

حجُّ البَیتِ و العُمرهِ یُوجِبانِ الجَنَه.(1)

«حج و عمره، بهشت را موجب می شوند».

24- پنهان نمودن عمل خوب:

امام علی علیه السلام مِن کُنُوزِ الجَنَهِ اِخفاءُ العَمَل.(2)

«از گنج های بهشت، پنهان نمودن عمل خوب است».

25- حسن ظن به خداوند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: فَاِنَ حُسنَ الظَّنَّ باللهِ عزّوجلّ ثَمَنُ الجَنَهِ.(3)

26-استفاده از حلال:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَن اَکَلَ مِن کَدَّ یَدِهِ حَلالاً فَتَحَ لَهُ اَبواب الجَنَه.(4)

«هرکه از دسترنج حلال خود استفاده کند، برای او درهای بهشت گشوده شود.»

27-مسجد ساختن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَن بَنی مَسجِداً بَنَی اللهُ لَهُ بَیتاً فِی الجَنَهِ.(5)

«هرکس مسجدی بنا کند، خداوند در بهشت خانه ای برای او بنا کند.»

28- دفاع از مظلوم:7.

1- ر.ک:الانتصار،ص235؛الشرح الکبیر،ج3، ص222؛المغنی،ج3، ص215.
2- ر.ک: المتمحیص الاسکافی، 66، ح153؛تحف العقول، ص200؛ بحار،ج68، ص95.

3- ر.ک: امالی شیخ طوسی، ص380، ح814؛ وسائل الشیعه، ج2، ص 448، ح2615.
4- ر.ک: بحار، ج100، ص10، ح41؛ جامع الاخبار،ص390، ح1086.
5- ر.ک: جامع المقاصد، ج2، ص141؛ مجمع الزوائد، ج2، ص7.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَن اَخَذَ لِلمَظلُومِ مِن الظالِمِ کانَ مَعِی فِی الجَنهِ.(1)

«هرکس داد مظلومی را از ظالم گیرد، با من در بهشت خواهد بود».

29- تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام.

امام صادق علیه السلام: مَن سَبَحَ تَسبِیحُ فاطِمَه اَوجَبَ اللهُ لَهُ الجَنَّهَ.(2)

30- روزه ماه رجب:

امام رضا علیه السلام: مَن صامَ اَوَّلُ یَومٍ مَن رَجَب وَجَبَت لَهُ الجَنَه.(3)

«هرکه روز اول ماه رجب را روزه بدارد، بهشت بر او واجب شود.»

31- روزه ماه شعبان:

رسول خدا صلی الله علیه وآله: مَن صامَ ثَلاثَهُ اَیامٍ مِن شَعبان وَ جَبَت لَه الجَنَه(4)

«هرکه سه روز ازماه شعبان را روزه گیرد، بهشت بر او واجب شود.»

32-پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دیدن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله : مَن یَرانِی فِی مَنامِه وَجَبَت لَهُ الجَنَه(5)

«هرکس مرا در خواب ببیند بهشت بر او واجب شود».1.

1- ر.ک: کنز الفواد، ص56،بحار،ج72، ص359، ح74؛ میزان الحکمه،ج2،ص178.
2- ر.ک:فلاح السائل،ص165؛بحار،ج82،ص332،ح13.
3- ر.ک:عیون اخبارالرضا(ع)، ج2،ص261،ح40؛اقبال الاعمال، ج3،ص191.

4- ر.ک:مصباح المجتهد، ص825؛ اقبال الاعمال،ج3 ص191؛ روضه الواعظین، ص4.3
5- ر.ک: تفسیر قرآن کریم، مرکز حوزه علمیه قم، سوره حمد و بقره، ص381.

33- زیارت ائمه اطهار علیهم السلام.

امام جواد علیه السلام: ما لِمَن اَتی قَبرُ الرِّضا علیه السلام؟ قال: الجَنَه والله.(1)

«چیست برای کسی که قبر حضرت رضا علیه السلام را زیارت کند؟ فرمود به خدا قسم، بهشت است».

امام صادق علیه السلام: مَن زارَ الحُسَینُ بنُ عَلِی علیه السلام یَومَ عاشُوراء وجبت له الجنه.(2)

«هرکس حسین علیه السلام را روز عاشورا زیارت کند، بهشت بر او واجب شود.»

34- زیارت حضرت معصومه علیهاالسلامم

امام جواد علیه السلام: مَن زارَ عَمَّتِی بِقُم فَلَهُ الجَنَّه.(3)

35- مرثیه خوانی برای امام حسین علیه السلام:

امام صادق علیه السلام: مَن اَنشَدَ فِی الحُسَینِ فَاَبکی واحِداً فَلَهُ الجَنَه.(4)

«هرکه برای حسین علیه السلام مرثیه خواند و یک نفر را گریان کند، پس برای او بهشت است».

36- محبت به ائمه اطهار علیهم السلام.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَن ماتَ عَلی حُب آلِ مُحَمَدٍ فَاَنَاکَفِیلُهُ بِالجَنَّه.(5)

«هرکس بر محبت آل محمد بمیرد، من ضامن بهشت اویم».3.

1- ر.ک: المزار المفید ص196؛کامل الزیارات ص509 ح793؛ المزار مشهدی ص 41 ح22.

2- ر.ک:کامل الزیارت، ص 324، ح550؛ تهذیب الاحکام، ج6. ص51، ح121؛ مصباح المجتهد ص 772؛ المزار المشهدی ص352ح4؛ وسائل الشیعه، ج14، ص476، ح19367.
3- ر.ک: کامل الزیارات، ص536، 827؛وسائل الشیعه، ج14، ص576، ح19851.
4- ر.ک:امالی الصدوق، ص205؛کامل الزیارات، ص208؛ وسائل الشیعه، ج14، ص595.
5- ر.ک:فضائل الشیعه، ص4؛مئه منقبه، ص66 المناقب خوارزمی، ص73.

رسول خدا صلی الله عیه و آله: مَن اَحَبَّنِی کانَ مَعِی فِی الجَنَه.(1)

«هرکس مرا دوست بدارد، همراه من در بهشت خواهد بود».

37- شناخت ائمه اطهار علیه السلام.

امام صادق علیه السلام: لایَدخُلُ الجَنَهَ اِلامَن عَرَفَنا وَ عَرفناهُ.(2)

«وارد بهشت نمی شود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم».

38- زیارت مسلمان:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: ما مِن مُسلِمٍ زارَ مُسلِماً ثَوابُهُ الجَنَهِ.(3)

«هیچ مسلمانی نیست که مسلمانی را زیارت کند، بهشت برای او واجب است».

39- حفظ آبروی برادر مسلمان:

رسول خدا صلی الله علیه و آله:مَن رَدَ عَن عِرضِ اَخِیهِ المُسلِمِ وَجَبَت لَهُ الجَنَه.(4)

40- پیروی از قرآن کریم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَن جَعَلَهُ اَمامَهُ قادَهُ اِلَی الجَنَهِ.(5)

«هرکه قرآن را پیروی کند، (قرآن) او را به سوی بهشت کشاند».

41- گریه بر بهشت:2.

1- ر.ک:سبل الهدی و الرشاد، ج11، ص430؛ اعانه الطالبین، ج3، ص415
2- ر.ک: بصائر الدرجات، ص517، ح6؛ الکافی ج1 ص184 ح9؛ تفسیر عیاشی ج2ص19.
3- ر.ک:المومن، ص59؛ الکافی، ج2، ص176، ح3؛ الاختصاص، ص26

4- ر.ک: ثواب الاعمال:145؛ امالی الطوسی ص233 ح414؛ النوادر راوندی، ص101.
5- ر.ک: النوادر راوندی، ص144؛ بحار، ج74، ص134،ح46؛ شجره طوبی، ج2، ص442.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَن بَکی عَلَی الجَنَّه دَخَلَ الجَنَّهَ.(1)

«هرکه بر بهشت گریه کند، داخل بهشت شود».

42- عیادت مریض:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَن عادَ مَرِیضاً تَبَوَّات مِن الجَنَه مَنزِلاً.(2)

«هرکه مریضی را عیادت کند، منزلی در بهشت برای او آماده شود».

43- دروغ گفتن

44-خلف وعده نکردن

45- خیانت نکردن

46- حفظ چشم از حرام

47- عفت داشتن

48- حفظ دست و زبان از گناه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله:«شش چیز را برای من به عهده گیرید، من هم برای شما بهشت را به عهده می گیرم: هرگاه سخن گفتید دروغ مگویید، هرگاه وعده دادید خلف وعده نکنید، هرگاه امین تان دانستید خیانت نورزید، چشمتان را از حرام فرو بندید، شهوت خویش را حفظ کنید و دست و زبان خود را نگه دارید».(3)

49- غضب نکردن

50-غیبت نکردن

51- حسد نورزیدن:

امام صادق علیه السلام: مَن لَم یَغضِب فَلَهُ الجَنَّه، مَن لَم یَغتِب فَلَهُ الجَنَّه. من لم یحسد فله الجنه.(4)8.

1- ر.ک النوادر راوندی، ص107؛ بحار، ج90، ص333، ح23.
2- ر.ک: الکافی، ج2 ص175 ح15؛ و الشرح الکبیر ج2 ص 303؛ نیل الاوطار، ج4، ص47
3- ر.ک:امالی شیخ صدوق، ص90؛ خصال، ج1، ص321؛ بحار، ج74، ص 115.
4- ر.ک: بحار، ج70، ص265، ح 15؛ مستدرک الوسائل، ج12، ص 9ف ح13368.

«هرکه غضب نکند، پس بهشت برای او است؛ هرکه غیبت نکند؛ پس بهشت برای او است؛ هرکه حسادت نکند، پس بهشت برای او است».

52- یتیمی را کفایت نمودن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: یا علی ! مَن کَفی یَتیماً فِی نَفَقَتِهِ بِمالِهِ حَتی یُستَغنِی، وَجَبَت لَهُ الجَنَّه.(1)

«ای علی! هرکه یتیمی را با مال خود کفایت کند و او را بی نیاز گرداند، بهشت بر او واجب می شود».

امام صادق علیه السلام:«وقتی یتیمی گریه کند عرش خدا به اهتزاز در آید، پس خداوند تبارک و تعالی گوید: کیست آن کسی که این بنده مرا، که در سنین خردسالی پدر و مادرش را از دست داده است ، به گریه انداخته است؛ به عزت و جلال و مقام رفیعم قسم ، هیچ بنده مومنی نیست که او را آرامش دهد، مگر اینکه بهشت را برایش واجب گردانم».(2)

53- یکسال اذان گفتن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله:مَن اَذَّنَ فی مصرٍ مِن اَمصارِ المُسلِمین سَنَه وَجَبَت لَهُ الجَنَه.(3)

«هرکس در دیار مسلمانان یکسال اذان گوید، بهشت بر او واجب شود».

54- دختر بزرگ کردن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَن عالَ ابنَتَینِ اَو ثَلاثاً کانَ مَعِی فِی الجَنَه.(4)

«هرکس دو دختر یا سه دختر را بزرگ کند، همراه من در بهشت خواهد بود».

55- سرودن شعر در مورد اهل بیت علیهم السلام:5.

1- ر.ک: السرائرج3 ص621؛ مکارم الاخلاق:444؛ وسائل الشیعه ج16 ص 338 ح21704.
2- ر.ک: الذکری، ص 72؛ منتهی المطلب، ج1، ص466،؛ مجمع الفائده، ج2، ص495.
3- ر.ک: المعتبر، ج2، ص 122؛ تذکره الفقهاء، ج1، ص104؛ نهایه الاحکام، ج1، ص 410
4- ر.ک: صحیح ابن حبان، ج2، ص192؛ المعجم الکبیر، ج22، ص385.

امام صادق علیه السلام: مَن قالَ فِینا بیتُ شِعرٍ، بَنَی اللهُ تَعالی لَهُ بَیتاً فِی الجَنَهِ.(1)

«هرکس در مورد ما، بیت شعری سراید، خداوند خانه ای برا او در بهشت بنا کند».

56- احترام به پدر و مادر

امام باقر علیه السلام: اَربعٌ مَن کنَّ فیه بَنَی اللهُ له بیتاً فِی الجَنَهِ: مَن آوَی الیَتیم، و رَحمَ الضَّعیف، و اشفَقَ علی والدَیهِ، و رفَق بِمملُوکهِ.(1)

«چهار چیز است که هرکس داشته باشد خداوند در بهشت برای او خانه ای بسازد: هرکس یتیم را سرپناه دهد، به ناتوان رحم کند، با پدر و مادرش مهربان باشد و باغلامش مدارا کند».

حضرت مسیح علیه السلام: - لما سئل رجل: یا معلّمَ الخَیرا دُلَّنِی علی عمل انال به الجَّنه؟-: اتَقَ اللهَ فِی سرِّکَ و عَلانیَتِک، و بِر واِلدَیکَ.(2)

«مردی از حضرت مسیح علیه السلام پرسید ای آموزگار خوبی! مرا به کاری راهنمایی کن که به سبب آن به بهشت دست یابم؛ فرمود: در نهان و آشکارت از خدا بترس و به پدر و مادرت نیکی کن».

***

موارد دیگر عوامل و اسباب ورود به بهشت الهی:

در حدیث معراج خداوند متعال به رسول گرامی خود می فرماید:

(3) یا احمد؛ به عزت و جلالم سوگند، هر بنده ای که چهار خصلت را در خود پدید آورد، او را وارد بهشت می سازم و آن چهار خصلت عبارتند از:80

1- ر.ک: ثواب الاعمال، ص161؛ بحار، ج74، ص51.

2- ر.ک:میزان الحکمه، ج2، ص801، ح2561؛ حکمت های حضرت مسیح(ع)، ص80
3- ر.ک: عیون الاخبار الرضا(ع)، ج2، ص15، ح1؛ وسائل الشیعه، ج14، ص 597، ح19891.

1- زبان خود را از بیان آنچه که برای او لازم و مفید نیست حفظ نماید.

2- دل خود را از وسوسه نگاه داشته و اجازه ورود وسوسه های شیطانی را به قلب خویش ندهد.

3- متوجه باشد که من ناظر و مراقب بر همه اعمال و کارهای او می باشم.

4- گرسنگی را موجب چشم روشنی خود بداند»(1)

2- رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَن ضَمِنَ لِی مَا بَینَ لِحیَیه و ما بینَ رِجلَیهِ ضَمِنتُ لهُ الجَنَهَ.(2)

«هرکس به من تضمین دهد که زبان و شهوت خویش را حفظ کند، من بهشت را برای او ضمانت می کنم».

+++

3- رسول خدا صلی الله علیه و آله«من برای کسی که بحث و مجاله را رها کند هرچند حق با او باشد، و برای کسی که دروغ راهرچند به شوخی ترک گوید و برای کسی که خوشخو باشد، خانه ای را در حومه بهشت و خانه ای را در مرکز بهشت و خانه ای را در بالای بهشت ضمانت کنم».(3)

+++

4- امام صادق علیه السلام:«چه کسی چهار چیز را به من تضمین می دهد تامن چهار خانه در بهشت را برای او تضمین کنم؟ انفاق کن و از تنگدستی مترس، سلام را در جهان رواج ده، بحث و جدال را واگذار هرچند حق با تو باشد و بامردم به انصاف رفتارکن».(4)3.

1- ر.ک: ارشاد القلوب، ج1، ص190؛ بحار، ج72، ص20؛ معراج پیامبر(ص)، ص 377.
2- ر.ک: وسائل الشیعه، ج15. ص 251، ح20422؛ صحیح بخاری، ج7، ص184.

3- ر.ک:الخصال، ص144، ح170؛ منیه المرید، ص170؛ سنن نسایی، ج6، ص21.
4- ر.ک: الکافی، ج2، ص144، من لا یحضره الفقیه، ج2، ص62، ح1711؛ الخصال، ص223.

5- رسول خدا صلی الله علیه و آله:«(حفظ) امر برای من عهده دار شوید من بهشت را برای شما عهده دار می شوم: نماز، زکات، امانت داری، شهوت، شکم و زبان را»(1)

6- رسول خدا صلی الله علیه و آله:«هرکس به من تضمین پنج چیز را بدهد من بهشت را برای او ضمانت می کنم. عرض شد: ای رسول خدا! آن پنج چیز کدام است؟ فرمود: خلوص و صفا با کتاب خدا، خلوص و صفا با پیامبر او، خلوصو صفا با دین خدا، خلوص و صفا با جامعه مسلمانان».(2)

+++

7- رسول خدا صلی الله علیه و آله:«در پاسخ از عملی که چیزی میان آن و بهشت مانع نشود، فرمود: خشمگین مشو، چیزی از مردم مخواه و بر مردم آن پسند که بر خودت می پسندی».(3)

+++

8- رسول خدا صلی الله علیه و آله: در پاسخ به این پرسش مردی که: چه کنم تا به بهشت روم؟ فرمود: مشکی نو خریداری کن و با آنقدر مردم را آ بده تا آن را فرسوده و پاره کنی، زمانی که مشک را پاره کرده باشی، به عمل بهشت دست یافته ای».(4)

+++

9- رسول خدا صلی الله علیه و آله: آیا هریک از شما دوست دارد به بهشت رود؟ عرض کردند: آری، ای رسول خدا. فرمود: آرزو را کوتاه کنید، مرگ را در مقابل دیدگان خود قرار دهید و از خدا چنان که شاید شرم دارید».(5)8.

1- رک: المعجم الاوسط، ج5، ص154؛ کنز العمال، ج15، ص893، ح4353.
2- رک: الخصال، ص294، ح60؛ مشکاه الانوار، ص533؛ مستدرک الوسائل، ج12، ص387.

3- رک:امالی شیخ طوسی، ص508، ح1110؛ میزان الحکمه، ج2، ص 796، ح2546.
4- رک: امالی شیخ طوسی، ص310،ح627؛ مجمع الزوائد، ج3، ص132.
5- رک: تنبیه الخوطر، ج1، ص 272، میزان الحکمه، ج2، ص800، ح2558.

10- رسول خدا صلی الله علیه و آله: «درپاسخ به این پرسش بادیه نشینی که چه کند تا به بهشت رود فرمود: سوالی مختصر اما پر اهمیت پرسیدی. بنده آزاد کن و برده رها نما- بادیه نشین پرسید: مگر این دو یکی نیست؟ فرمود: نه، عتق رقبه آن است که خودت به تنهایی بنده آزاد کنی و فکّ رقبه آن است که دربهای آزادی او کمک کنی - به خویشاوند ستمگر مهربانی و نیکی کن، اگر چنین نکردی، پس گرسته ای را سیر کن و تشنه ای را آب ده، به کار خوب فرمان ده و از کار زشت بازدار، اگر این هم نتوانستی زبانت را جز از خیر و خوبی فرو بند».(1)

11- رسول خدا صلی الله علیه و آله: نیز به بادیه نشین فرمود: گرسنه را سیر کن، تشنه را آب ده، به کار نیک فرمان ده و از کار زشت بازدار؛ اگر توان این را نداشتی زبانت را از جز خوبی نگه دار؛ زیرا با این کار بر شیطان چیره آیی»(2)

+++

12- امام علی علیه السلام:«هرکس شش خصلت در او جمع شود به بهشت در آید و از آتش برهد: کسی که خدا را بشناسد و فرمانش برد و شیطان را بشناسد و نافرمانیش کند، حق را بشناسد و پیرویش نماید و باطل را بشناسد و از آن پرهیز و دنیا را بشناسد و دورش افکند و آخرت را بشناسد و آن را بجوید».(3)

+++

13- امام علی علیه السلام: لا یفوز بالجنه الا من حسنت سریرته و خلصت نیته:(4)

«به بهشت دست نیابد مگر کسی که باطنش نیکو و نیتش خالص باشد».

.8+++

1- رک: تفسیر مجمع البیان10: کنز العمال، ح16429؛میزان الحکمه ج2 ص 798.
2- رک: تنبیه الخواطر، ج1، ص105؛ میزان الحکمه، ج2، ص798.

3- رک: میزان الحکمه، ج2 ص 800، ح2560.
4- رک: غرر الحکم، ح10868.

14- امام علی علیه السلام: ان الله سبحانه یدخل بصدق النیه و السریره الصالحه من یشاء من عباده الجنه.(1)

«خدای سبحان به سبب نیت درست و منش پاک(بندگانش) هر کس را خاوهد به بهشت برد».

15- امام علی علیه السلام: اربع من اتی بواحده منهن دخل الجنه: من سقی هامه ظامئه، اشبع کبد جائعه، او کسا جلده عاریه، او اعتق رقبه عانیه.(2)

«چهار کاراست که هرکس یکی از آنها را انجام دهد وارد بهشت شود: هرکس حیوان تشنه ای را آب دهد، یا شکم گرسنه ای را سیر کند، یا بدن برهنه ای را بپوشاند، یا انسان در بندی را آزاد کند».

+++

16- رسول خدا صلی الله علیه و آله :«به یزیدبن اسید فرمود: ای یزید بن اسید! آیا بهشت را دوست داری ؟ پس آنچه برای خود دوست داری برای برادرت دوست بدار».(3)

+++

17- پیامبر در حالی که سوار بر شتر خود بود و قصد رفتن به یکی از جنگها را داشت، بادیه نشینی بیامد و رکاب شتر آن حضرت را گرفت و عرض کرد: ای رسول خدا! به من کاری بیاموز که با انجام دادن آن به بهشت روم؟ حضرت فرمود: هر کاری که دوست داری مردم در حقت بکنند تو با آن ها همان کن و هر کاری که دوست نداری نسبت به تو انجام دهند تو نیز با آن ها چنان مکن. حالا راه را بر شتر بازکن».(4)

+++

1- رک: نهج البلاغه ، حکمت 42.
2- رک: المحاسن، ج1، صص294؛ بحار، ج71، ص360، ح1.
3- رک: کنز العمال، ح43147؛ میزان الحکمه، ج2، ص798، ح2552.

4- رک: الزهد حسین بن سعید، ص21، ح45؛ میزان الحکمه، ج2، ص798، ح2550.

18- رسول خدا صلی الله علیه و آله: فاقصر من الامل، و اجعل الموت نصب علینک، واستح من الله حق الحیاء.(1)

«به ابوذر فرمود» آیا دوست داری به بهشت روی؟(ابوذر گوید) عرض کردم:آری، پدرم فدایت باد. فرمود: پس، آرزو کوتاه کن و مرگ رافراچشم خود دار و از خداوند چنان که شاید شرم دار».

+++

19- امام باقر علیه السلام:«ده چیز است که هرکس با آن ها خدای عزوجل را دیدار کند به بهشت در آید: گواهی دادن به یگانگی خدا، گواهی دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله، اقرار به آنچه خدا فرستاده است، برپاداشتن نماز، پرداختن زکات، روزه ماه رمضان، زیارت خانه خدا، دوستی با دوستان و بیزاری از دشمنان خدا و دوری کردن از هر مست کننده».(2)

20- از امام صادق علیه السلام روایت شده که هرکس برای ده نفر از برادران اواد خود در شب جمعه دعا کند، خداوند بهشت را برای او واجب کند.(3)

21- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: در آسمان هفتم حضرت ابراهیم را دیدم و به من فرمود: ای احمد به امت خود بگو درختان بسیاری در بهشت کاشت کنند که تربت آن پاکیزه است و زمین بهشت واسع است. گفتم چگونه باید کاشت درخت نمود؟ گفت با گفتن لا حول ولا قوه الا بالله گفتن و عقیده داشتن و عمل کردن بدین کلمه توحید کاشت درختی است در بهشت که میوه شیرین دهد.(4)4.

1- رک: امالی شیخ طوسی، ص534، ح1162؛ میزان الحکمه، ج2، ص798، ح2549.
2- رک: الخصال، ص432،ح15؛ وسائل الشیعه، ج1، ص29، ح39.
3- مستدرک الوسائل ج6، ص113، ح9؛ شجره طوبی، ج1، ص116.
4- بحار، ج8، ص149؛ ترجمه المیزان، ج13، ص34.

در روایتی معتبر نیز امام صادق علیه السلام می فرمایند: پیامبر فرمودند: آن شب که به آسمان برده شدم داخل بهشت شدم، در آنجا فرشتگانی را دیدم که خشتی از طلا و خشتی از نقره بر هم می گذارند و گاه از کار دست می کشند. از آنان پرسیدم: چرا گاهی کار می کنید و گاهی از کار دست می کشید: گفتند: تا هزینه به ما برسد . پرسیدم هزینه شما چیست؟ گفتند: این سخن مومن در دنیا که:«سبحان الله و الحمدلله و لا اله لا الله و الله اکبر؛ پاک و منزه است خدا و تمام ستایش ها از آن اوست و خدایی جز الله نیست و خدا بزرگتر از آن است که وصف شود».(1)

جمع بندی:

از مجموع عواملی که ذکر گردید، می توان محور«ایمان اطاعت و تسلیم محض خداوند بودن»، را عامل اساسی ورود به بهشت دانست.(2) چراکه ایمان و اطاعت از خداوند متعال، یعنی ایمان و اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله،(3) و اطاعت از رسول نیز به معنای اجرت دستورات و اوامر ایشان می باشد. همان گونه که خداوند متعال در سوره آل عمران، آیه31 می فرماید:«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ ».

1- دعاهای بسیار و نمازهای مستحبی زیادی که در روایات نام برده شده است که موجب ورود به بهشت الهی می شود که بخشی از آن را می توانید در کتاب دیگر نگارنده،«شنیدنی های شب جمعه»پیدا نمائید.
2- رک: بحار، ج93، ص169؛ درر الاخبار، ص98؛ ترجمه المیزان، ج13، ص36.
3- همانگونه که در رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: لن یدخل الجنه الا نفس مسلمه ؛ وارد بهشت نمی شود مگر نفسی که در برابر خداتسلیم باشد».

فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ؛ بگو اگر شما خداوند را دوست می دارید پس از من(پیامبر) پیروی کنید(که در این صورت) خداوند شما را دوست خواهد داشت».

ص: 43

ص: 44

فصل سوم: چه کسانی وارد بهشت می شوند؟

بهشت بر چه کسانی حرام است؟

ص: 45

بهشت بر چه کسانی حرام است؟(1)

همانگونه که اسباب و عواملی باعث ورود به بهشت الهی می شود، در مقابل عواملی نیز وجود دارد که باعث دخول در آتش شده و بهشت الهی بر آن حرام می گردد.

آن عوامل عبارتند از:

1- شرک به خدا:

إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ .(2)

«هرکس به خدا شرک می ورزد خداوند بهشت را بر او حرام گردانیده و جایگاهش آتش باشد».

2- ظلم و ستم:

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى? يَلِجَ الْجَمَلُ فِى سَمِّ الْخِيَاطِ ? وَكَذَ?لِکَ نَجْزِى الْمُجْرِمِينَ .(3)40

1- به خاطر اهمیت آن، در فصلی جداگانه ذکر گردید.
2- سوره مائده، آیه72.
3- سوره اعراف، آیه40

«درهای آسمان به روی کسانی که آیات ما را تکذیب کرده اند و از آن ها سر بر تافته اند، گشوده نخواهد شد تا آن گاه که شتر از سوراخ سوزن بگذرد(= یعنی محال است)، و مجرمان را اینچنین کیفر می دهیم».

3- ستم به اهل بیت علیهم السلام:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: حرمت الجنه علی من ظلم اهل بیتی و قاتلتهم و لمعین علیهم و من سبهم، اولئک لا خلاق لهم فی الاخره و لا یکلمهم الله یوم القیامه و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم.(1)

«بهشت حرام شده است بر کسی که ستم به اهل بیت من نماید، ایشان را به قتل رساند، یاری دهنده ستم بر ایشان باشد و بر کسی که ایشان را ناسزا گوید، اینان هیچ بهره ای در آخرت ندارند و خداوند با ایشان سخن نگوید و برایشان عذاب دردناکی فراهم است».

4- سخن چینی

5- می گساری

6- بی غیرتی:

امام کاظم علیه السلام : حرمت الجنه علی ثلاثه: النمام، و مدمن الخمر، و الدیوث و هوالفاخر.(2)

«بهشت بر سه کس حرام شده است: سخن چین، میگسار و مرد بی غیرت یعنی فاسق».

6- منّت گذاشتن(برخدا)

7- غیبت کردن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله : تحرم الجنه علی ثلاثه: علی المنان، وعلی المغتاب، و علی مدمن الخمر.(3)

«بهشت بر سه کس حرام است: منت گذارنده (بر خدا)، غیبت کننده و میگسار».9.

1- ر.ک: مسند زید بن علی، ص463؛ عیون الاخبارالرضا(ع)، ج1، ص37، ح65.
2- ر.ک: مسائل علی بن جعفر، ص349؛ ثواب الاعمال، ص270.
3- ر.ک : الزهد، حسین بن سعید، ص9؛ وسائل الشیعه، ج12، ص281، ح16309.

8- بخل(خسیسی):

رسول خدا صلی الله علیه و آله: یقول الله عزوجل : حرمت الجنه علی المنان، و البخیل، و القتات.(1)

«خدای عزوجل می فرماید: بهشت بر منت گذارنده(بر خدا) و بخیل و سخن چین حرام است».

9- قطع صله رحم

10- پیرمرد زناکار

11- تکبر

12- فتنه انگیزی

13- سیر نشدن از دنیا:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: اخبر نی جبرئیل ان ریح الجنه یوجد من مسیره الف عام، ما یجدها عاق، و لا قاطع رحم، و لا شیخ زان، و لا جار ازاره خیلاء، ولا فتان، و لا منان، و لا جعظری قال : قلت: فما الجعظری؟ قال: الذی لا یشبع من الدنیا.(2)

«جبرئیل به من اطلاع داد که بوی بهشت از فاصله هزارسال به مشام می رسد ولیکن فرزند ناخلف و کسی که از خویشاوندان ببرد و پیرمرد زناکار و کسی که از روی تکبر دامن کشان راه رود و فتنه انگیز و منت گذارنده و جعظری ، بوی بهشت را استشمام نمی کنند. پرسیدم: جعظری کیست؟ فرمود: آنکه از دنیا سیر نمی شود».

14- نپذیرفتن ولایت اهل بیت علیهم السلام.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: لما اسری بی الی السماء اوحی الی ربی جل جلاله : یا محمد!لو ان عبدا عبدنی حتی ینقطع و یصیر کالشن البابی ، ثم اتاتی جاحدا لولا یتهم ما اسکنته جنتی.(3)ه.

1- ر.ک: من لا یحضر، ج4، ص17؛ مکارم الاخلاق، ص432؛ الجواهر السنیه، ص142.
2- ر.ک: معانی الاخبار، ص330؛ وسائل الشیعه، ج15، ص347، ح20703.
3- ر.ک: عیون الاخبار الرضا(ع)، ج1، ص58؛ معراج پیامبر(ص)، اثر نگارنده.

«آن شب که به آسمان برده شدم پروردگارم جل جلاله، به من وحی فرمود: ای محمد! اگر بنده ام مرا چنان عبادت کند که همچون مشک پوسیده گردد و سپس نزد من آید در حالی که ولایت ایشان(محمدو علی و فاطمه و حسن وحسین علیهم السلام) را نپذیرفته باشد او را به بهشت خود در نیاورم»(1).

15- خیانتکاری و حیله گری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: ثلاثه لا یدخلون الجنه ابدا: الدیوث، و الرجله من النساء، و مدمن الخمر.(2)

«سه کس اند که هرگز بهشت نمی روند: مرد بی غیرت ، زن مرد نما و دائم الخمر»

17- رد کردن فرمان الهی

18- حق مومنی را نپرداختن:

امام صادق علیه السلام: ان الله تبارک و تعالی علی نفسه ان لا یسکن جنته اصنافا ثلاثه: راد علی الله عزوجل ، او راد علی امام هدی، او من حبس حق امری مومن.(3)

«خدای تبارک و تعالی به خود سوگند یاد کرده که سه گروه را به بهشت خود جای ندهد: کسی که فرمان خدای عزوجل را رد کند، یا کسی که از فرمان امام هدایتگر سر بر تابد و یا کسی که حق مومنی را نپردازد».

19- زورگویی5.

1- ر.ک: عیون الحکم و المواعظ ص540؛ مشکاه الانوارص313؛ مسند احمد ج1ص7.
2- ر.ک: الغدیر، ج10، ص183؛ میزان الحکمه، ج2. ص 806، ح2590.
3- ر.ک: الخصال، ص151، ح185؛ بحار، ج2.ص187، ح15.

20- بدرفتاری: رسول خدا صلی الله علیه و آله: لایدخل الجنه جبار و لا بخیل و لا سی الملکه.(1)

«زورگو، بخیل و بدرفتار به بهشت نمی روند».

21- خیانت سرپرستی ملت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: من استرعی رعیه فغشها حرم الله علیه الجنه.(2)

«هرکس سرپرست ملتی شود و به آن ها خیانت و دغل ورزد خداون بهشت را بر او حرام گرداند».

22- عاق والدین:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: لا یدخل الجنه عاق و لا مدمن خمر.(3)

1- ر.ک: میزان الحکمه، ج2، ص806، ح2594.
2- ر.ک: تنبیه الخواطر، ج2، ص227؛ میزان الحکمه، ج2، ص806، ح2594.
3- ر.ک: السنن الکبری، ج3، ص175،ح4915؛ مسنداحمد، ج2، ص203، المصنف ابن ابی شیبه، ص510؛ سنن دارمی، ج2، ص112؛ کنز العمال، 43776

«فرزند ناخلف و آدم میگسار به بهشت نمی روند».

فصل چهارم: درهای هشتگانه بهشت

دروازه های بهشت:

ص: 51

ص: 52

روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام در مورد درهای بهشت و توصیف آن نقل شده است که برای استفاده بهتر نخست چند روایت در مورد دروازه های بهشت نقل نموده و سپس نوشته های این درهای زیبا را مرور می نمائیم.

خداوند متعال در مورد این دهرا می فرماید: جنات عدن مفتحه لهم الابواب؛ بهشت های جاویدان که درهای آن به رویشان باز شده است»(1).
در مورد چگونگی این ابواب از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

ان للجنه ثمانیه ابواب: باب یدخل منه النبیون و صدیقون، و باب یدخل منه الشهداء و الصالحون و خمسه ابواب یدخل منه شیعتنا و محبونا... و باب یدخل منه سائر المسلمین ممن یشهد ان لا اله الا الله و لم یکن فی قلبه مقدار ذره من بغضنا اهل البیت.(2)

یعنی: «بهشت هشت باب (در) دارد: بابی که پیامبران و صدیقان از آن وارد می شوند، بابی که شهیدان و خالصان از آن داخل می شوند و58

1- سوره ص، آیه50
2- ر.ک: الخصال ، ج2، ص408 ؛ بحار، ج69، ص158

پنج باب دیگر که شیعیان و دوستداران ما از آن وارد می شوند و یک باب دیگر که دیگر مسلمانانی که به یگانگی خدا گواهی دهند و در دلشان یک ذره دشمنی نسبت به ما خاندان نباشد از آن به بهشت می آیند».

در برخی روایات نیز براای برخی از ابواب نام هایی نقل شده است که روایت آن چنین می باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: ان فی الجنه بابا یدعی الریان لا یدخل منه الا الصائمون.(1)

«بهشت را دروازه ای است به نام(رُیان)«سیراب» که جز روز داران از آن وارد نشوند».

در جایی دیگر نیز فرمودند: ان للجنه بابا یقال له باب المعروف لا یدخله الا اهل المعروف.(2)

«بهشت را دروازه ای است به نام«باب المعروف»(دروازه خوبی) که جز اهل خوبی از آن وارد نشوند».

بلال نیز گوید : از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: (بهشت را دروازه هایی است،)دروازه صبر دروازه کوچکی است که یک لنگه دارد و دری از یاقوت سرخ است و آن را حلقه ای نباشد. دروازه شکر از یاقوت سفید است و دو لنگه دارد که فاصله میان آن دولنگه پانصد سال است و بانگ و آهی دارد.

و اما دروازه بلا؛ (بلال گوید) عرض کردم: پس بلا چیست؟ فرمود: مصیبتها، دردها، بیماریها، . این دروازه از یاقوت زرد است و یک لنگه دارد و چه کم اند کسانی که از این در وارد شوند.6.

1- ر.ک: معانی الاخبار، ص409؛ المقنعه، ص304، وسائل الشیعه، ج10، ص404.
2- ر.ک: الزهد، ص 32؛ قرب الاسناد، ص56؛ وسائل الشیعه، ج16، ص296.

و اما دروازه اعظم؛ از این دروازه ، بندگان صالح وارد بهشت می شوند. اینان افرادی پارسا و پاکدامن و خداخواهند و با او انس و الفت دارند.(1)

نوشته های ابواب بهشت:

عبد الله بن مسعود از پیامبر روایت می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: چون مرا به آسمان بردند، جبرئیل به من گفت که من مامور شده ام که بهشت و جهنم را به شما نشان دهم و من بهشت و نعمت های آن و جهنم را با اقسام گوناگون عذاب آن دیدم. بهشت هشت درب داشت که بر روی هر دری چهار کلمه نوشته شده بود که هر کلمه آن از دنیا و آنچه در دنیاست، برای کسی که آنها را بداند و بدان عمل کند، بهتر است.

در ب اول بهشت:

بر درب اول بهشت نوشته بود: لا اله الا الله ، محمد رسول الله، علی ولی الله، لکل شیء حیله و حیله العیش فی الدنیا اربع خصال : القناعه بذل الحق، و ترک الحقد، و مجالسه اهل الخیر؛

«خدایی جز الله نیست، محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و علی علیه السلام هم دوست مخصوص او؛ برای هر چیزی راهی است و راه زندگی خوش در دنیا به چهار خصلت می باشد

1- قناعت: قانع باش به آنچه خداوند برای او مقدر کرده است و نگوید ای کاش مثل فلانی بیشتر داشتیم. به سخن امام صادق علیه السلام تکیه می نمائیم که در دعای ابو حمزه ثمالی فرمودند:«و رضنی من العیش6.

1- ر.ک: من لا یحضره الفقیه، ج1، ص295؛ بحار، ج8، ص116.

بما قسمت الی؛ خدایا راضی کن مرا از زندگی به آنچه تو برایم مقدر کرده ای، که: لن یصبنا الا ما کتب الله لنا؛(1) هیچ به ما نمی رسد مگر آنچه مقدر ما شده باشد.

2- سخن به حق بگوید: دروغ و انکار و شهادت باطل بر زبانش جاری نشود.

3- ترک حسد: که حسد، آرزو کردن زوال نعمت در دست دیگری است.

4- همنشینی با اهل خیر و اولیاء الهی.

درب دوم بهشت:

بر درب دوم نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛ لکل شیء حیله و حیله السرو فی الاخره اربع خصال: مسح رءوس الیتامی، التعطف علی الارامل، و السعی فی حوائج المومنین، و التفقد للفقراء و المساکین؛

«برای هر چیزی تدبیری است و تدبیر سرور و شادی در آخرت به چهار خصلت می باشد:»

1- دست نوازش و مهربانی بر سر یتیمان بکشید.

2- تعطف و مهربانی به زنان بی شوهر و بیوه و سعی در برآوردن حوائج آنها.

3- تلاش برای برآوردن حوائج مومنین.

4- دستگیری و رسیدگی به حال درماندگان و بیچارگان.

درب سوم بهشت:1.

1- سوره توبه، آیه51.

بر درب سوم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛ لکل شیء حیله و حیله الصحه فی الدنیا اربع خصال: قله الکلام و قله المنام و قله المشی و قله الطعام؛

«برای هر چیزی چاره ایست و چاره سالم ماندن در دنیا به چهار خصلت می باشد:

1- کم سخن بگوئید.

کم گوی و گزیده گوی چون در تاز اندک تو جهان شود پر

2- کم بخوابد. آنقدر نخوابد که بدنش فاسد و قلبش قساوت پیدا کند.

3- کم راه برود. اول راه خود را انتخاب کند و بعد با اعتدال برود.

4- کم غذا بخورد.

درب چهارم بهشت:

بر درب چهارم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛ من کان یومن بالله و الیوم الاخر فلیکرم ضیفه، من کان یومن بالله و الیوم الاخر فلیکرم جاره، من کان یومن بالله و الیوم الاخره فلیکرم والدیه، من کان یومن بالله و الیوم الاخره فلیقل خیرااو یسکت؛

«هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد باید مهمان را اکرام کند، هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد باید احترام به پدر و مادر بگذارد و با آنان مهربانی نماید، هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد یا سخن خیر بگوید(سخنی که خیر دنیا و آخرت را داشته باشد) یا اینکه ساکت باشد که خاموشی بهتر از سخن خیر نگفتن است.

درب پنجم بهشت:

بر درب پنجم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛ من اراد ان لا یظلم، و من اراد ان لایشتم فلا یشتم، و من اراد ان لا یذل فلا یذل، و من اراد ان یستمسک بالعروه الوثقی فی الدنیا و الاخره فلیقل: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛

هرکس می خواهد به او ظلم و ستم نشود، به کسی ظلم و ستم نکند؛ هرکس می خواهد به او دشنام ندهند، به کسی دشنام ندهد، هرکس می خواهد که ذلیل و خوار نشود، کسی را ذلیل و خوار نکند؛ هرکس می خواهد به دستگیره محکم الهی در دنیا و آخرت چنگ زند باید مرتب بگوید:«لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله».

درب ششم بهشت:

بر درب ششم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛ من اراد ان یکون قبر وسیعا فسیحا فلیبن المساجد، و من اراد ان لا تاکله الدیدان تحت الارض فلیسکن المساجد، و من احب ان یکون طریامطرا لا یبلی فلیکنس المساجد، و من احب ان یری موضعه فی الجنه فلیکس المساجد بالبسط؛

«هرکس می خواهد قبرش وسیع و جادار باد، مسجد بسازد. هرکس می خواهد حیوانات زیر زمین مانند کرم، عقرب، مار... بدن او را نخورند پس در مساجد سکنی گزیند و مرتب به مسجد برود. هرکس می خواهد که بدنش در قبر تازه باشد و پوسیده و فاسد نشود، مساجد را بپوشاند(حال یا بافرش، یا بالامپی چراغ مسجد را آماده کند یا با موارد دیگر). هرکس می خواهد که جایگاه

خودش را در بهشت ببیند، سعی در توسعه مسجد نماید تا نماز در آن هرچه با شکوه تر برگزار شود.

درب هفتم بهشت:

بر درب هفتم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛ بیاض القلب فی اربع خصال: عیاده المریض و اتباع الجنائز و شراء الاکفان و رد القراض؛

«روشن شدن قلب به نور ایمان در چهار خصلت می باشد:

1- به عیادت مریض برود، و حالی از آنها جویا شود.

2- به تشییع جنازه برود و آنها را همراهی کند.

3- کفن بخرد و به مرده ها بپوشاند.

4- پرداخت بدهکاری

درب هشتم بهشت:

بر درب هشتم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛ من اراد الدخول من هذه الابواب فلیتمسک باربع خصال: السخاء و حسن الخلق و الصدقه و الکف عن اذی عباد الله تعالی؛(1)

«هرکس می خواهد از هشت درب بهشت وارد شود باید به چهار خصلت چنگ زند:

1- سخاوت و جوانمردی: خود بدون سوال بدهد.

2- خوش اخلاق باشد: باخانواده، دوستان و...2.

1- ر.ک: بحار، ج8، ص144؛ الفضائل، ص152.

3- صدقه دادن: اعم از واجب مثل خمس و زکات ، یا مستحبی.

4- اینکه بندگان خدا را اذیت نکند. حال این اذیت می تواند با گفتار باشد، رفتار ناشایست، یا با نوشتن و موارد دیگری که بویی از ستم در آن باشد».

ص: 60

درجات بهشت

ص: 61

ص: 62

صریح آنچه در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام آمده است، بهشت دارای درجاتی است که مقام و مرتبه گوناگون و منازلی متفاوت را دارا می باشد.

قرآن کریم در سوره طه آیه 75 می فرماید«وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُوْلَئِکَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ؛ و آنان که با ایمان نزد او آیند و کارهای شایسته کنند، درجاتی بلند دارند».

و نیز درسوره اسراء، آیه21 می فرماید:«انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَلآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلاً ، بنگر چگونه بعضیشان را بر بعضی دیگر برتری نهاده ایم و در آخرت درجات و برتریها، برتر و بالاتر است».

روایات

از رسول خدا روایت شده است که فرمودند:

«در بهشت درجه روی درجه است چنان که میان آسمان و زمین! بنده ای است که چن نگاهش را به بالا می اندازد، نوری خیره کننده بر او می درخشد چندان که نزدیک است دیدگانش را کور کند، شادمان می شود و می پرسد: ای چیست؟گفته می شود: این نور برادر مومن توست. می گوید: او برادر من فلانی است، ما در دنیا پا به پای هم کار می کردمی و اینک اینچنین بر من برتری یافته است. به او گفته می شود: او از تو در عمل برتر بود»(1).

و نیز فرمودند:«خداوند گروهی را وارد بهشت می کند و به آن ها چندان عطا می فرماید که آرزوهایشان برآورده می شود. بالاتر از آن ها گروهی دیگر در درجات عالی به سر می برند. چون اینان را ببینند بشناسند و بگویند: پروردگارا! اینان برادران ما هستند و در دنیابا هم بودیم؛پس،به چه سبب آن ها را بر ما برتری دادی؟ جواب می آید که: هیهات! زمانی که شما سیر بودید آنان گرسنه بودند، زمانی که شما سیراب بودید آنان تشنه بودند، زمانی که شما می خوابیدید آنها (به عبادت) بیدار بودند و آن گاه که شما زندگی خوش و آسوده ای داشتید آنان درسختی و ناراحتی به سر می بردند.(2)

در روایت از امام سجاد علیه السلام نیز می خوانیم: علیک بالقرآن فان الله خلق الجنه بیده لبنه من ذهب و لبنه من فضه جعل ملاطها المسک و القرآن فمن قرا القرآن قال له اقرا و ارق و من دخل منهم الجنه لم یکن فی الجنه اعلی درجه منه ما خلا النبیون و الصدیقون؛

«برتو باد به قرآن، زیرا خداوند بهشت را با قدرت خود آفرید که خشتی از آن طلا و خشتی از نقره می باشد، دیوار آن مشک و ن.

1- ر.ک: امالی شیخ طوسی، ص529، ح1162؛ میزان الحکمه، ج2. ص808، ح2602.
2- همان.

خاکش زعفران وسنگریزه هایش لولو و خداوند درجات آن را به اندازه آیات قرآن قرار داد. پس هر که قرآن بخواند، قرآن به او گوید: بخوان و بالا رو. هرکس از این افراد وارد بهشت شود در آنجا بلند مرتبه تر از او نخواهد بود مگر پیامبران و صدیقان».(1)

امام صادق علیه السلام نیز در نهج البلاغه، در وصف بهشت می فرماید: «بهشت دارای درجاتی است یکی بالای دیگری».(2)

امام علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه، در وصف بهشت می فرماید:«بهشت دارای درجاتی است که یکی از بر دیگری برتری دارد و دارای منازلی است که با هم تفاوت دارند.(3)

پیغمبر فرمود: بدانید که خادی تعالی بهشت را از نور آفریده است و هشت بهشت است. هریک بالای دیگری قرا دارد و بهشت امروز در آسمان است و از همه برتر فردوس اعلی است و هریک نامی دارد و هریک از گوهری آفریده شده است:

بهشت اول: دار السلام،از یاقوت سرخ خلق شده.

بهشت دوم: دار القرار

بهشت سوم: دار الخلد

بهشت چهارم: جنت الماوی

بهشت پنجم: جنات عدن،از زبرجد خلق شده.

بهشت ششم: جنات نعیم،از زمرد آفریده شده.

بهشت هفتم: جنات

بهشت هشتم: فردوس، که از نور آفریده شده.5.

1- ر.ک: الکافی، ج2، ص606؛ تفسیر قمی،ج2، ص259؛ بحار،ج89، ص198.
2- ر.ک: الزهد، ص99ح 70؛ تفسیر عیاشی، ج1ص388 ح147؛ بحار، ج8، ص198ح195.
3- ر.ک: نهج البلاغه، خطبه85.

درهای بهشت هریک به فاصله شرق و غرب عالم اس و بر هر دری نوشته است:«انا لا اعذبه من قال لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛ من عذاب نمی کنم کسی که بگوید: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله».(1)

پائین ترین منازل بهشت

امام صادق علیه السلام می فرماید:«کمترین فرد بهشت چنان است که اگر جن و انس مهمان او شوند همه را از خوراک و آشامیدنی پذیرایی کند و از آنچه دارد کم نشود».(2)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: در پائین ترین منزل بهشت فردی است که هزارسال به قلمرو پادشاهی خود می نگرد و دورترین نقطه آن را می بیند و همسران و خدمتگزاران و اورنگ های خویش را مشاهده می کند.(3)

و در روایتی دیگر فرمودند:«حضرت موسی علیه السلام از خداوند متعال پرسید: پروردگارا! کمترین فرد بهشت کیست؟ فرمود: هو رجل یجیء بعد ما یدخل اهل الجنه الجنه؛ مردیکه بعد از همه بهشتیان وارد بهشت شود».(4)

درجات ویژه در بهشت

افراد صالح هرچند وارد بهشت الهی می شوند، ولی افرادی هستند که با ویژگی های خاصی که دارند، درجاتی نمونه را در بهشت دارا می شوند.1.

1- معراج پیامبر، اثر نگارنده، ص108
2- ر.ک:بحار،ج8، ح11، میزان الحکمه، ج2، ص812، ح2620.
3- ر.ک: کنز العمال، ح39281؛میزان الحکمه، ج2، ص812، ح2619.
4- ر.ک: همان،ح39423و ح2621.

با هم نگاهی به این روایات می اندازیم:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:«خدای تعالی در بهشت ستونی از یاقوت سرخ آفریده است که روی آن هفتاد هزار قصر است و هر قصری هفتاد هزار اتاق دارد. خداوند این قصرها را برای کسانی آفریده است که به خاطر او یکدیگر را دوست بدارند و دید و بازدید کنند».(1)

و نیز فرمودند:«در بهشت قصری است که وارد آن نشود مگر کسی که ماه رجب را بسیار روزه بدارد».(2)

و نیز فرمودند:«در بهشت درجه و مقامی است که به آن دست نیابد مگر پیشوای عادل یا خویشاوندی که زیاد صله رحم به جا آورد و یا عیالوار صبور».(2)

در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمودند:«در بهشت اتاق هایی است که بیرون آن از داخل دیده می شود و درون آن از بیرون. در این اتاق ها آن کس از امت من سکنی خواهد گزید که سخن نیکو بگوید، اطعام کند، به همسایگان سلام گوید، بر روزه مدامت کند و شب هنگام که مردم در خوابند نماز بگزارد».(3)

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است که :«خدای عزوجل بهشتی دارد که سه کس وارد آن نشوند: مردی که درباره خود به حق داوری کند، مردیکه به خاطر خدا به دیدن برادر مومن خود رود و مردی که برای خدا برادر مومن خود را بر خویشتن ترجیح دهد».(4)1.

1- ر.ک: کشف الغمه، ج2، ص93؛ روضه الواعظین، ص417؛ بحار، ج8، ص132، ح35. 20همان.
2- ر.ک:الخصال، ص93، ح93؛کنز العمال، ح43314؛ بحار، ج71،ص90، ح9.
3- ر.ک: معانی الاخبار، ص251، ح1؛ میزان الحکمه، ج2ف ص810،ح2612.
4- ر.ک:الکافی،ج2، ص178، ح11.

فصل ششم: نعمت های بهشتی

عظمت نعمتهای بهشت:

ص: 68

ص: 69

کلیات(1)

باتوجه به آیات و روایات فراوانی که در مورد بهشت بیان شده است، باید به حقیقت اعتراف نمود که: نعمت های بهشتی چیزی نیست که بتوان آن را در ذهن گنجاند و تصویری واقعی از آن درست کرد. چرا که آن، موهبتی بزرگ از رحمت بی انتهای الهی می باشد که خداوند بزرگ برای بندگان صالح خود مهیا نموده است. در قرآن کریم آمده است:

(فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِیَ لَهُم مِّن قُرَّهِ أَعْیُنٍ جَزَاء بِمَا کَانُوا یَعْمَلُونَ)

«هیچکس نمی داند که پاداش نیکو کاریش چه نعمت و لذتهای بی نهایت که روشنی بخش دیده است درعالم غیب بر او ذخیره شده».

و رسول گرامی صلی الله علیه و آله نیز فرمودند:7.

1- سجده، آیه17.

ان الله یقول:اعدَدتُ لِعِبادیَ الصَّالِحینَ ما لا عَینُ رَات وَلا اُذُنُ سَمِعت وَلا خَطَرُ عَلَی قَلبَ بَشَرٍ؛(1) خدای تعالی فرموده است: برای بندگان صالح خود چیزهایی مهیا کرده ام که نه چشمی دیده است ونه گوشی شنیده است و به ذهن هیچ بشری هم خطور نکرده است».

نعمت های بهشتی در بیان نمی گنجد:

تعبیرات زیبایی که در قرآن کریم در توصیف بهشت آمده است، حکایت از نعمت هایی دارد که تصور آن برای جهان امروزی ما قابل تصور نیست. ما نمی دانیم در آیه لَهُم مَّا یَشَاؤُونَ عِندَ رَبِّهِمْ (2) چه مفاهیمی گنجانده شده است؟ مومنان چه چیزی می خواهند و در جوار قرب حضرت حق چه الطافی یافت می شود؟ چرا خداوند متعال در مورد نعمت های بهشتی، تعبیر به ذَلِکَ هُوَ الْفَضْلُ الکَبِیرُ (3) می کند، که این نشان از عظمتی است که هرچه هم فکر کنیم از آن بالاتر است.

ویژگی های نعمتهای بهشتی:

یکی از شاخصه های مهم نعمت های بهشتی، دوام و همیشگی آن است. در دنیا باغ هایی که آب دائم ندارند و باید از خارج آب برای آن ها بیاورند، طراوت زیادی ندارند. طراوت را از آن باغی می دانیم که همیشه آب در اختیار داشته باشد، و نیز هرگز قطع نشود، هیچگونه خشکسالی و کمبود آبی آن را تهدید نکند. در مورد دیگر نعمتهای بهشتی نیز همین گونه است که جاودانی و خرمی در آن».

1- ر.ک: عوالی اللئالی ، ج4، ص101؛ بحار، ج8، ص92؛ ترجمه میزان الحکمه، ج2، ص 7.
2- سوره شوری، آیه22:«هرچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آن ها فراهم است».
3- سوره شورا، آیه22:«این است فصل بزرگ».

وجود دارد و هیچگونه سخنی در به دست آوردن آن نیز وجود ندارد.

نعمتهای مادی و معنوی در بهشت:

گرچه در بسیاری از آیات قرآن سخن از نعمت های مادی بهشت است:باغ هایی که نهر های آب جاری زیر آن در حرکت است، قصرها، همسران پاکیزه، میوه های رنگارنگ، یاران همرنگ و مانند آن.

ولی در کنار این نعمت ها اشاره به نعمت های معنوی مهمتری نیز شده است که ارزیابی عظمت آن ها با مقیاس های ما امکان پذیر نیست، به عنوان مثال در آیه 72 توبه می خوانیم.وَعَدَ اللّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِى جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ؛ خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ هایی از بهشت وعده داده که از زیر درختانش نهر ها جاری است، جاودانه در آن خواهند بود، و مسکن های پاکیزه در این بهشت جاویدان دارند، همچنین خشنودی پروردگار که از همه بالاتر است واین است رستگاری بزرگ»

و در آیه8 سوره «بینه» بعد از ذکر نعمت های مادی بهشت می خوانیم:

««خداوند از آنها خشنود است و آنها نیز از خداوند خشنودند»

و به راستی اگر کسی به آن مقام برسد که احساس کند خدا از او راضی است و او هم از خدا راضی، همه لذات دیگر را از یاد خواهد برد، تنها به او دل می بندد و به غیر او نمی اندیشد، و این لذتی است روحانی که با هیچ زبان و بیانی قابل توصیف نیست.

کوتاه سخن این که چون معاد هم جنبه«روحانی» دارد و هم«جسمانی» نعمت های بهشتی نیز هر دو جنبه را دارند، تا جامعیت آن ها حاصل شود، و هرکس به اندازه استعداد و شایستگیش بتواند از آن بهره بگیرد.(1)43

1- ر.ک: تفسیر نمونه، ج1، ص143

(2)نعمتهای بهشتی

همانگونه که در صفحات پیشین اشاره کردیم ، در بهشت هم نعمت های مادی وجود دارد و هم نعمتهای معنوی، چرا که معاد هم جنبه روحانی دارد و هم جنبه جسمانی. در این فصل- به فضل الهی- به نعمت های بهشتی در دو بخش مادی و معنوی اشاره می شود، امید آن که مورد استفاده عموم قرار گیرد.

الف: نعمت های مادی

1- غرفه بهشتی

اشاره

خداوند متعال در سوره عنکبوت آیه 58 می فرماید:« وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّهِ غُرَفًا(1) تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ؛ کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، آنها را در غرفه هایی از بهشت جای می دهیم که نهرها از زیر آن جاری است». .

1- «غرف» جمع«غرفه»به معنی حجره هایی است که در طبقه بالا قرار گرفته که هم نور بیشتر دارد و هم هوای بهتر، و هم از آفات به دور است، به همین دلیل این تعبیر در مورد برترین منازل بهشت به کار رفته است. (نک: تفسیر نمونه، ج18، ص110) .

امتیاز این قصرها آن است که درختان بهشتی از هر سو احاطه اش کرده، و نهرهای گوناگون که طبق آیات قرآن هر کدام طعم و منظره ای مخصوص به خود دارند از لابلای آن درختان ، وزیر این قصرها در جریان است.

امتیاز دیگر غرفه های بهشتی این است که همچون منازل و قصرهای این جهان نیست که هنوز انسان دمی در آن نیاسوده است بانگ«الرحیل» زده می شود، بلکه آن ها جاودانه در آن خواهند ماند».(خَالِدِینَ فِیهَا).(1)

و در پایان آیه اضافه می کند:«چه خوب است پاداش آن ها که برای خدا عمل می کنند»(نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِینَ)

تعبیر زیبایی که در قرآن کریم به همراه این قصرها در مورد بهشتیان بیان می کند این است که می فرماید:«وَهُمْ فِی الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ (2)؛ و در غرفه های بهشتی در نهایت امنیت به سر می برند».

تعبیر به آمنون(کسانی که در امنیت به سر می برند) در مورد بهشتیان تعبیر بسیار جامعی است که آرامش جسم و روح آن ها را از هر نظر منعکس می کند، چرا که نه ترس فنا و زوال و مرگ دارند، و نه ترس هجوم دشمن، و نه بیماری و آفت و اندوه، و نه حتی ترس از ترس! و نعمتی برتر از این نیست که انسان از هر نظر در امنیت به سر برد، همانگونه که بلائی بدتر از نا امنی در جنبه های مختلف زندگی وجود ندارد.(3)0.

1- ر.ک: تفسیر نمونه، ج16، ص330.
2- سوره سبا، آیه 37.
3- ر.ک: تفسیر نمونه، ج18، ص110.

در روایات فراوانی نیزسخن از قصرهای زیبای بهشتی گفته شده است، در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «خدای تعالی در بهشت ستونی از یاقوت سرخ آفرید ه است که روی آن هفتاد هزار قصر است و هر قصری هفتاد هزار اتاق دارد. خداوند این قصرها را برای کسانی آفریده است که به خاطر او یکدیگر را دوست بدارند و دید و بازدید کنند».(1)

و در روایتی دیگر فرمودند:« ان فی الجنه لغرفا یری ظهورها من بطونهامن ظهورها؛ در بهشت غرفه هایی است آنقدر شفاف که بیرونش از درون ، و درونش از بیرون دیده می شود». کسی برخاست و عرض کرد: این غرفه ها از آن کیست ای رسول خدا! فرمود:«هی لمن اطاب الکلام و اطعم الطعام و ادام الصیام و صلی باللیل و الناس نیام؛ این ها برای کسی که است که سخن خود را پاکیزه کند، گرسنگان را سیر نماید، و روزه بسیار بگیرد و در دل شب، هنگامی که مردم در خوابند، برای خدا نماز بخواند».(2)

و نیز فرمودند: «قصرهای بهشت خشتی از نقره و خشتی از طلا است و گل آن مشک اذفر است(پر بو، یعنی بوی خوشش شدید است) وسنگ ریزه آن لولو ویاقوت است و خاک آن زعفران است و هر که وارد آن شود پیوسته متنعم و از بدبختی بر کنار و جاودان بوده و نمیرد، لباسشان کهنه نمی شود و جوانیشان پایان نپذیرد».(3)1.

1- ر.ک: بحار، ج8، ص132، ح35؛ میزان الحکمه، ج2، ص810، ح2607.
2- ر.ک: معانی الاخبار، ص 251، ح1؛ تفسیر نمونه، ج16، ص330.
3- ر.ک: الجامع الصغیر، ج1، ص564، ح3650؛ کنز العمال، ح39225؛ نهج الفصاحه، ص101.

و فرمودند: اِنَّ اَهل الجَنَّهِ لَیَتَرا اَونَ اَهلَ الغُرَفِ فی الجَنَّهِ کما تَرا اَونَ الکَواکِبَ فی السَّماءِ.

«اهل بهشت صاحبان غرفه های بالادر بهشت را چنان می بینند که شما ستارگان را می بینید».(1)

سرخی قصر امام حسین علیه السلام:

در روایت است که چون امام حسن علیه السلام مشرف بر موت گردید و زهر در بدنش سرایت نمود و رنگش سبز شد امام حسین علیه السلام عرض کرد: برادر چه می شود رنگ تو را که چنین سبز شده؟ حضرت گریست و فرمود: ای برادر حدیث جدم در حق من و تو درست است. پس او رادر بغل گرفت و هردو گریستند، آنگاه سوال کرد که چه بوده است حدیث جدمان؟

فرمود: خبر داد مرا که چون شب معراج داخل بهشت شدم دیدم دو قصر بسیار بلند نزدیک هم به یک شکل واقعند، ولی یکی از زبرجد سبز ودیگری از یاقوت سرخ است. از جبرئیل سوال کردم که اینها از کیست؟ گفت: یکی از حسن علیه السلام و دیگری از حسین علیه السلام. گفتم: چرا هر دو به یک رنگ نیست؟ جبرئیل ساکت شد، گفتم: چرا تکلم نمی کنی؟ گفت: از تو حیا می کنم، پس گفتم تو را به حق قسم می دهم بگو.

گفت: اما سبزی قصر حسن علیه السلام به آن سبب است که او را با زهر شهید می کنند. و رنگش سبز می شود، و اما سرخی قصر حسین علیه السلام به آن سبب است که او را می کشند و رنگش از خون سرخ می شود.2.

1- ر.ک: صحیح بخاری، ج7، ص201؛ کنز العمال، ج39322.

پس پیغمبر و جبرئیل هر دو گریستند و صدای صیحه و شیون از حاضرین بلند شد.(1)

قصرهای شعیان حضرت علی علیه السلام:

از وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است که فرمودند: از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: شبی که به آسمان ها برده شدم وارد بهشت شدم و در آنجا قصری دیدم که از درّ سفید پوشانده شده بود و دری داشت که به درّ و یاقوت زینت داده شده بود که پرده ای هم بر روی این در نصب شده بود.

پس سرم را بلند کرده و دیدم که بر روی در چنین نوشته است«لا اله الا الله محمد رسول الله عای ولی الله؛ هیچ خدایی جز الله نیست، محمد فرستاده خداست، علی دوست صمیمی خداست».

و بر روی پرده آن هم نوشته بود:«بخ بخ مثل شیعه علی علیه السلام؛ خوشا به حال مثل شیعه حضرت علی علیه السلام».

پس وارد قصر شدم قصری دیگر که از عقیق قرمز پوشانده شده بود و دری از نقره داشت که با زبرجد سبز زینت کاری شده بود، که پرده ای هم روی این در نصب شده بود. و سرم را بلند کرده دیدم بر روی در نوشته است:«محمد رسول الله، علی وصی المصطفی؛ محمد فرستاده خداست و علی علیه السلام جانشین پیامبر».

و بر روی پرده آن نوشته شده بود:«بشر شیعه علی علیه السلام بطیب المولد؛ بشارت دهید شیعه علی علیه السلام را به پامی نسل».

پس وارد قصر شدم. و در مقابل خود قصری دیگر دیدم که از زمرد سبز بود که زیباتر از آن را هرگز ندیده بودم و این قصر، دری 0.

1- ر.ک: بحار، ج44، ص145؛ معراج پیامبر، اثر نگارنده، ص100.

از یاقوت قرمز داشت که با لولو زینت داده شده بود و بر روی آن هم پرده ای نصب شده بود. پس سرم را بلند کرده، دیدم که بر روی در نوشته است:«شیعه علی علیه السلام هم الفائزون؛ فقط شیعیان حضرت علی علیه السلام رستگارند».

پس جبرئیل گفت : ای محمد! این قصرها برای پسر عمو و وصی تو علی ابن ابیطالب علیه السلام می باشد. مردم روز قیامت محشور می شوند در حالی که پا برهنه و عریان هستند، مگر شیعه حضرت علی علیه السلام، و در روز قیامت همه مردم به اسمهای مادرانشان خوانده می شوند بجز شیعه حضرت علی علیه السلام که اینها به اسم پدارانشان خوانده می شوند.

پس گفتم: دوست من جبرئیل، علت آن چیست؟ فرمود: چون شیعیان، حضرت علی علیه السلام را دوست می دارند پس طینت و نسل آنها پاک است.(1)

توصیف دیگری از قصرهای شیعیان

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: شبی که به آسمان ها برده شدم قصرهایی از یاقوت قرمز و زبرجد سبز و در و مرجان و عقیق دیدم که مواد و مصالح این قصرها از مشک خوشبو و خاکش از زعفران بود.

درختانی از میوه و خرما و انار و حور العین و زن هایی درنهایت غیات زیبایی و نهرهایی از شیر و نهرهایی از عسل که بر روی گوهر و در6.

1- ر.ک: بحار، ج65، ص76؛ مستدرک سفینه البحار، ج6، ص114؛ العقلیه و الفواطم، ص 196.

جاری بود، در این قصرها بود. در کنار این نهرها خانه های گنبدی شکل و غرفه ها، خیمه ها و خادمان و غلامان و فرش هایی از استبرق(ابریشم ضخیم براق) و سندس(ابریشم نازک) و حریر بود که پرندگان زیادی هم در آنجا بودند.

پس گفتم: دوست من، جبرئیل، این قصرها از آن کیست و شان آنها چگونه است؟

جبرئیل گفت: این قصرها و همه آنچه در آن وجود دارد و دیدی و بیشتر از آن را خداوند عزوجل برای شیعیان برادر و جانشین تو علی ابن ابیطالب آماده کرده است.(1)2.

1- ر.ک: دلائل الامامه، ص254؛ معراج پیامبر، اثر نگارنده، ص222.

2- همسران بهشتی

از جمله نعمت های بهشتی که قرآن کریم فراوان آن را بیان می کند،وجود همسران بهشتی است. همسرانی پاکیزه که فقط چشم به شوهرانشان دوخته اند و فقط به آن ها عشق می ورزند و به غیر آنان نمی اندیشند، همگی جوان و با شوهران خود هم سن وسالند.

كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ ،(1) آری اینچنینند بهشتیان، و حور العین را به همسر آنها در می آوریم.

«حور»جمع«حوراء» و «احور» به کسی می گویند که سیاهی چشم او کامل مشکی و سفیدی آن کاملا شفاف است. و «عین» جمع «اعین»و«عیناء» به معنی درشت چشم است.(2)

از آنجا که زیبایی انسان بیش از همه در چشمان اوست، در این آیه چشمان زیبای حور العین را توصیف می کند.

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ؛(3)6.

1- سوره دخان، آیه54.
2- ر.ک: تفسیر نمونه ، ج21، ص211.
3- سوره الرحمان، آیه 56.

در باغ های بهشتی زنانی هستند که جز به همسرانشان عشق نمی ورزند و هیچ جن و انس قبلا با آن ها تماس نگرفته است.

«طرف» به معنی پلک چشم ها است، و از آنجا که به هنگام نگاه کردن پلک ها به حرکت در می آید کنایه از نگاه کردن است، بنابراین تعبیر به «قاصرات الطرف» در آیه اشاره به زنانی است که نگاهی کوتاه دارند، یعنی فقط به همسرانشان عشق می ورزند، و این یکی از بزرگترین امتیازات همسر است که جز به همسرش نیندیشد و به غیر او علاقه مند نباشد.(1)

از «ابوذر» نقل شده است که «همسر بهشتی به شوهرش می گوید: سوگند به عزت پروردگارم که در بهشت چیزی را بهتر از تو نمی یابم، سپاس مخصوص خداوندی است که مرا همسر تو، و تو را همسر من قرار داد».(2)

در تفسیر قمی ، علی بن ابراهیم از امام نقل کرده که فرمود:«حور العین آنقدر نورش روشن است که چشم را می زند، و نمی شود به او خیره شد».(3)

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (4)؛ آن ها همچون یاقوت و مرجانند. همسرانی به سرخی و صفا و درخشندگی«یاقوت» و به سفیدی و زیبایی شاخه«مرجان» که هنگامی که این دو رنگ (یعنی سفید و سرخ شفاف) به هم آمیزند رنگ ها را به آن ها می دهند.8.

1- ر.ک: تفسیر نمونه، ج23، ص169.
2- همان.
3- ر.ک: تفسیر قمیف ج2 ، ص
4- سوره الرحمن، آیه 58.

در تفسیر مجمع البیان، در ذیل این آیه روایت می کند که زنان بهشتی آنقدر لطیفند که مغز استخوان ساقشان دیده می شود هرچند که هفتاد جامه از حریر بپوشند.(1)

فِیهِنَّ خَیْرَاتٌ حِسَانٌ ؛(2)درآن باغ های بهشتی زنانی هستند نیکو خلق و زیبا».

زنانی که جمع میان«حسن سیرت»و«حسن صورت» کرده اند؛ چرا که«خیر» غالبا در مورد صفات نیک و جمال معنوی به کار می رود و«حسن» غالبا در زیبایی و جمال ظاهر.

درروایاتی که در تفسیر این آیه وارد شده صفات نیک بسیاری برای همسران بهشتی شمرده شده که می تواند اشاره ای به صفات عالی زنان دنیا نیز باشد، و الگوئی برای همه زنان محسوب شود، از جمله خوش زبان بودن، نظافت و پاکیزگی، آزار نرسانیدن، نظری به بیگانگان نداشتن و مانند آن.

خلاصه اینکه تمام صفات کمال و جمالی که در یک همسر مطلوب است، در آنها جمع است، و آنچه خوبان همه دارند آن ها تنها دارند، و به همین دلیل به عنوان«خیرات حسان» تعبیر کرده است.(3)

از آیات قرآن استفاده می شود،(4) زنان و مردانی که در این دنیا همسر یکدیگرند هر اه با دو ایمان و بهشتی باشند در آنجا به هممی

1- نک: تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه و تفسیر المیزان، ج19، ص226.
2- سوره الرحمن، آیه70.
3- ر.ک: تفسیر نمونه، ج23، ص 182.
4- مانند آیه 23، رعد:جَنَّاتُ عَدْنٍ یَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّیَّاتِهِمْ وَالمَلاَئِکَهُ یَدْخُلُونَ عَلَیْهِم مِّن کُلِّ بَابٍ «:باغ های جاویدان بهشت که وارد آن می

ملحق می شوند،و با هم در بهترین شرایط و حالات زندگی می کنند. و حتی از روایات استفاده می شود که مقام این زنان برتر از حوریان بهشت است به خاطر عبادات و اعمال صالحی که در این جهان انجام داده اند.

در روضه کافی به سند خود از حلبی روایت کرده که گوید: از امام صادق علیه السلام معنای این کلام خدای عزوجل را پرسیدم که می فرماید«فیهن خیرات الانسان» فرمود: منظور از آن بانوان صالحه و با ایمان و معرفت است.(1)

شیخ صدوق در کتاب «الفقیه» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:خیرات حسان از جنس زنان دنیایند، که از حور العین هم زیباترند«(2)

وآیات فراوان دیگری در وصف همسران بهستی نازل شده است و جهت اختصار از ذکر آن ها خود داری نموده و به ذکر روایاتی در وصف همسران بهشتی بسنده می نماییم.

از رسول خدا صلی الله علیه و روایت شده است که فرمود«لَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ نِسَاءِ الْجَنَّهِ أَشْرَقَتْ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ لَمَلَأَتِ الْأَرْضَ من رِیحَ المِسْکِ، وَلَأَذْهَبَتْ ضَوْءَء الشمس والقمر ؛(3)« اگر زنی از زنان بهشت بر زمین2.

1- ر.ک: الکافی، ج8، ص156، ح147؛بحار،ج8، ص161، ح100.
2- به نقل از تفسیر المیزان، ج19،ح227.
3- نک: مجمع الزوائد، ج10، ص417؛ مسند الشامین، ج1، ص392.

نمودار شود زمین را از بوی مشک پر کند و نور خورشید و ماه را ببرد.»

و نیز روایت شده که فرمودند:اِنَّ فی الجَنَهِ لَسوفاً ما فیها شِراء ولابَیع الا الصُورَ الرّجالِ فاذا اشتهی الرَّجُلُ صورةً دَخلَ فیها؛(1) در بهشت بازاری هست که چیزی برای خرید و فروش نیست جز تصویر مردان و زنان و وقتی کسی تصویری را بپسندد، (تصویر)خود آن شود».

عمران بن حصین گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد این آیه «ومساکِنُ طَیِّبَهٍ»(2) پرسیدم فرمود:

«همانا در بهشت قصری از لولو است که در ان قصر، هفتاد خانه از یاقوت قرمز است ودر آن خانه هفتاد اتاق از زمرد قرمز، و در هر اتاقی هفتادتخت زیبا و بر هر تختی فرش هایی با رنگ های متفاوت که بر هر تختی زنی از حور العین نشسته است. و در هر اتاقی هفتاد نوع طعام است که هفتاد نوع طعم دارد. پس خداوند مومن را آنقدر قوت می دهد که بر همه این ها چیره آید»(3)

ابن عباس می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: شبی که مرا به معراج بردند داخل بهشت شدم و در آنجا ناگهان نوری دیدم که به صورتم برخورد کرد. به جبرئیل گفتم: این نوری که دیدم چیست؟57

1- نک: بحار،ج8.ص148، ح76؛ شجره طوبی، ج1، ص186؛ و نیز نک: سنن ترمذی، ج4، ص 91، ح2674؛ المعجم الاوسط، ج6. ص18؛ الجامع الصغیر، ج1، ص354، ح2320 و...
2- سوره توبه، آیه72.
3- ر.ک: جامع البیان، ج10، ص229؛ تفسیر مجمع البیان ج9 ص466؛ بحار، ج8 ص149، ح84؛ تفسیر نور الثقلین، ج5، ص318، ح34؛ الدر المنثور، ج3، ص257

جبرئیل گفت: یا محمد! لیس هذا نور الشمس و لا نور القمر و لکن جاریه من جواری علی بن ابیطالب علیه السلام: ای محمد! این نور خورشید است و نه نور ماه بلکه حوریه ای از حوریه های حضرت علی علیه السلام می باشد که از قصرش بیرون آمده است. چون به شما نگاه کرد خندید و این نوراز دهانش خارج شد و این حوریه آنقدر در بهشت می گردد تا حضرت علی علیه السلام او را داخل قصرش کند.(1)2.

1- ر.ک: ماه منقبه، ص133؛ المناقب، ج3، ص 339؛ الیقین، 154؛ غایه المرام، ج1، ص72.

3- خدمتکاران بهشتی

یکی دیگر از نعمت هایی که نصیب بهشتیان می شود، وجود خدمتگزارانی است زیبا، که گرداگرد بهشتیان گردش می کنند. گرچه در بهشتنیازی به خدمتکار نیست، و هرچه بخواهند در اختیار آن ها قرار می گیرد، ولی این خود اکرام و احترام بیشتری برای بهشتیان است.

خداوند متعال در وصف این خدمتکاران می فرماید:

«وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ؛ پیوسته گرداگرد آن ها نوجوانانی برای خدمت آنان گردش می کنند که همچون مروارید های در صدفند».(1)

«مروارید در درون صدف» به قدری تازه و شفاف و زیبا است که حد ندارد، هرچند در بیرون صدف نیز قسمت زیادی از زیبایی خود را حفظ می کند ولی گرد و غبار هوا و آلودگی دست ها هرچه باشد24

1- سوره طور، آیه24

از صفای آن می کاهد، خدمتگزاران بهشتی آنقدر زیبا و سفید چهره و با صفاهستند که گویی مروارید های در صدفند.

تعبیر به «یطوف علیهم» (برآن ها طواف می کنند) اشاره به آمادگی دائمی آن ها برای خدمت است.

در حدیثی آمده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال کردند: اگر خدمتگزار همچون مروارید در صدف باشد مخدوم [یعنی مومنان بهشتی] چگونه اند؟

فرمود:والذی نفسی بیده فضل المخدوم علی الخادم کفضل القمر لیله البدر علی سائر الکواکب.

«برتری مخدوم بر خدمتگزار در آنجا همچون برتری ماه در شب چهارده بر سایر کواکب است».(1)

تعبیر«لهم» در آیه نشان می دهد که هریک از مومنان خدمتگزارانی مخصوص به خود دارند.

و از آنجا که بهشت جای غم و اندوه نیست، آن خدمتگزاران نیز از خدمت مومنان نهایت لذت را می برند.(2)

در اینکه این نوجوانان بهشتی کیانند؟ و مبحث آن، به فصل بعدی پرسش شماره هشت مراجعه فرمائید.6.

1- ر.ک: جامع البیان، ج27،ص40؛ تفسیر مجمع البیان، ج9،ص277؛ تفسیر صافی، ج5، ص 80؛ و از منابع عامه نک:زاد المسیر، ج7.ص220؛ الدر المنثور، ج6.ص119.
2- ر.ک: تفسیر نمونه ،ج22، ص436.

4- لباس های زیبای بهشتیان

یکی دیگر از نعمهای بهشت، لباس های زیبای بهشتیان می باشد. لباس هایی از حریر لطیف و نازک، با رنگی سبز(1) که درخشندگی خاصی را نیز به همراه دارد.

خداوند متعال در سوره دخان، آیه 53 می فرماید:

؛«آن ها لباس هایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند و در مقابل یکدیگر می نشینند».

«سندس»به پارچه های ابریشمین نازک و لطیف می گویند، و بعضی قید زربافت را نیز به آن افزوده اند.

«استبرق» به معنی پارچه های ابریشمی ضخیم است، و بعضی از اهل لغت و مفسران آن را معرب کلمه فارسی «استبریا ستبر»(بهت.

1- سوره انسان، آیه:«عالیهم ثیاب سندس خضر و استبرق؛بر اندام آن ها لباس هایی است از حریر نازک و از دیبای ضخیم». انتخاب رنگ سبز برای لباس های بهشتیان به خاطر آن است که رنگی است بسیار نشاط آفرین، همانند برگ های زیبای درختان، و البته رنگ سبز انواع و اقسامی دارد و هر کدام خود دارای لطفی است.

معنی ضخیم) می دانند، این احتمال دارد که ریشه آن عربی باشد و از «برق»(به معنی تلالو) گرفته شده است، به خاطر درخشندگی خاصی که این گونه پارچه ها دارد.

البته در بهشت گرما و سرمای شدیدی وجود ندارد تا بوسیله پوشیدن لباس دفع شود، بلکه این اشاره ها به لباس های متنوع و گوناگون بهشتی است، و این الفاظ و کلمات که ما برای آن سرای به کار می بریم، چیزی نیست جز اشاراتی نسبت به نعمت های زیبای آن جهان و ما قادر نیستیم آن جهان بزرگ و کامل را با تعبیراتی چنینی وصف نماییم.

بعضی از مفسران تفاوت این لباس ها را اشاره به مقام قرب بهشتیان نیز دانسته اند.

ضمنا متقابل بودن بهشتیان با یکدیگر و حذف هرگونه تفاوت و برتری جوئی در میان آن ها اشاره ای به روح انس و خلوتی که بر جلسات آن ها حاکم است. جلساتی که جز صفا و روحانیت و معنویت در آن چیزی وجود ندارد.(1)1.

1- ر.ک: تفسیر نمونه، ج21، ص211.

5- وسائل زینتی بهشتیان

یکی دیگر از نعمت های مادی بهشت، وسائل زینتی آن می باشد. دستبند هایی از نقره تزئین شده و شفاف که همچون بلور،درخشندگی خاصی را جلوه می دهد و از یاقوت و دُرّ و مروارید زیباتراست.

خدواند متعال در مورد این نعمت بهشتی می فرماید:

وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ (1)

«وبادستبند هایی از نقره تزئین شده اند».

«اساور» جمع«اسوِرَه»(مغفرت) و آن نیز به نوبه خود جمع «سُوار»یا«سَوار» است که در اصل از کلمه فارسی«دستوار» به معنی«دستبند» گرفته شده،وبه هنگام نقل به زبان عربی مختصر تغییری در آن پیدا شده است، و به صورت«سوار» آمده است.

در بعضی از آیات قرآن مانند آیه 30 سوره کهف آمده است که بهشتیان با دستبند هایی از طلا تزئین می شوند«یُحَلَّوْنَ فِیهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ » و این منافاتی با آنچه در آیه 21 سوره انسان آمده، ندارد، زیرا ممکن است از جهت تنوع، گاه با این تزئین کنند و گاه با آن.1.

1- سوره انسان، آیه21.

دراینجا سوال پیش می آید که مگر دستبند طلا و نقره زینت زنانه نیست؟ چگونه برای مردان بهشتی این زینت ذکر شده ؟

جواب روشن است، چرا که نوع دستبند های زنان و مردان متفاوت است و نیز در بسیاری از محیط های هم برای زنان و هم برای مردان، دستبند نوعی زینت محسوب می شود، و حتی در بعضی جاها آن را نشانه عظمت شخص می دانند.

از آیه 53 سوره زخرف که از قول فرعون نقل شده :«فَلَوْلَا أُلْقِیَ عَلَیْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ ؛ چرا به موسی دستبند هایی از طلا داده نشده»؟

برمی آید که دستبند طلا برای مردان در محیط مصر نشانه عظمت محسوب می شده است.

علاوه بر اینکه، برای بیان نعمت های بهشتی، راهی جز این وجود ندارد که با این الفاظ، اشاراتی به آن نعمت های عظیم و توصیف ناکردین بکنیم.(1)1.

1- ر.ک:تفسیر نمونه، ج25، ص371.

6- باغ های بهشت

یکی دیگر از نعمت های مادی بهشت، وجود باغ هایی زیبا با آبها و چشمه هایی جاری است که از لابلای درختان و زیر آن ها جاری می شود.

آیات و روایات در مورد وصف بهشت، فراوان است از توصیف باغ های بهشت و درختان زیبای آن.

برای نمونه به برخی از آیات و نکته های زیبای آن اشاره می نمائیم.

«مَّثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ أُکُلُهَا دَآئِمٌ وِظِلُّهَا تِلْکَ عُقْبَی الَّذِینَ اتَّقَواْ وَّعُقْبَی ؛ (1)مثل باغ های بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است، باغهایی است که آب های جاری از زیر درختان آن می گذرد، میوه های آن همیشگی و سایه هایش دائمی است، این سرانجام کسانی است که پرهیزگاری پیشه کردند».5.

1- سوره رعد،آیه35.

تعبیر به «مثل» شاید اشاره به این نکته باشد که باغ ها و سایر نعمت های سرای دیگر برای ساکنان این جهان محدود که در برابر عالم پس از مرگ فوق العاده کوچک است، قابل توصیف با هیچ بیانی نیست، تنها مثل و شبحی از آن را می توان برای مردم این جهان ترسیم کرد.

نخست می گوید:«مثل باغ های بهشت که به پرهیزگاران وعده داده شده است، باغ هایی است که آب های جاری از زیر درختان آن می گذرد».(مَّثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ).

درست است که باغ طبیعتان دارای نهرهای آب است ، اما لطفش در این است که چشمه ها از درون خود باغ بجوشد، و درختان را دائما مشروب کند، این امتیازی است که باغ های بهشت دارد، نه یک نوع چشمه که انواع مختلفی از چشمه ها در آن موجود است.(1)

دومین وصف باغ های بهشتی در آیه، این ات که میوه های آن دائمی و همیشگی است.(أُکلُها دائمٌ).

نه همچون میوه های این جهان که فصلی است و هر کدام در فصل خاصی آشکار می شود، بلکه گاهی بر اثر آفت و بلا ممکن است در یکسال اصلا نباشد، اما میوه های بهشتی نه آفتی دارد، و نه فصلی و موسمی است، بلکه همچون ایمان مومنان راستین، دائم و پابرجا است.

و همچنین سایه آن ها نیز همیشگی است.(وَظَلُّهَا)

نه همچنین سایه درختان دنیا که ممکن است در آغاز صبح که آفتاب از یکسو می تابد سایه پر پشتی در سطح باغ باشد، اما به هنگام».

1- درسوره ذاریات، آیه15 آمده است:«إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ ؛ پرهیزگاران در باغ های بهشت و در میان چشمه ها قرار دارند».

ظهر که آفتاب عمودی می تابد سایه ها کم شود، و یا در فصل بهار و تابستان که درختان پر برگند و جود دارد، و در فصل خزان و زمستان که درختان برهنه می شوند از بین می رود. خلاصه سایه های بهشتی همچون همه نعمت هایش جاودانی است و از این روشن می شود که باغ های بهشت خزان ندارند، و نیز از آن معلوم می شود که تابش نور آفتاب یا همانند آن در بهشت هست، وگرنه تعبیر به سایه در آنجا که شعاع نور نباشد مفهومی ندارد، و اینکه در آیه 13 سوره دهر(انسان) می خوانیم:«لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا »ممکن است اشاره به اعتدال هوا باشد چرا که سوزش آفتاب و همچین سرمای سخت در بهشت نیست، نه اینکه اصلا آفتاب نمی درخشد.

خاموش شدن کره آفتاب نیز دلیل از میان رفتن ابدی آن نیست، چرا که قرآن می گوید: در قیامت و آسمان، تبدیل به زمین و آسمان دیگری (نوتر و وسیع تر) می شوند.

و اگر گفته شود جایی که آفتاب سوزندگی ندارد، سایه برای چیست؟

در پاسخ می گوئیم لطف سایه تنها به این نیست که از سوزش آفتاب جلوگیری کند بلکه رطوبت مطبوع متصاعد از برگ ها که توام با اکسیژن نشاط بخش است لطافت و طراوت خاصی به سایه می دهد، و لذا هیچگاه سایه درخت همچون سایه سقف اطاق خشک و بی روح نیست.(1)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِی مَقَامٍ أَمِينٍ فِی جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ 32

1- تفسیر نمونه، ج10، ص232

پرهیزگاران در جایگاه امن و امانی هستند، آن ها در میان باغ ها و چشمه ها به سر می برند، و جایگاه آنها از هر سو با درختان و چشمه ها احاطه شده است»(1)

تعبیر به«جنات»(باغ های پر درخت) ممکن است اشاره به تعدد باغ هایی باشد که هریک از بهشتیان در اختیار دارند. و یا اشاره به مقام های مختلف آنان باشد چرا که باغ های بهشت نیز همه یکسان نیست و به تفاوت درجات بهشتیان متفاوت است.(2)

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ؛برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ در بهشت است».

و اما «جنتیان»(دوباغ بهشت): ممکن است بهشت اول مادی و جسمانی باشد و بهشت دوم و بهشت دوم بهشت معنوی و روحانی، چنان که در آیه15 سوره آل عمران آمده است:«لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللّهِ»(3).

در این آیه علاوه بر بهشت جسمانی که نهرها از زیر درختانش می گذرد و همسران پاک در آن هستند، بهشت معنوی که خشنودی خدا است سخن می گوید. یا اینکه بهشت اول به عنوان پاداش اعمال به آن ها داده می شود، و بهشت دوم به عنوان تفضل، چنانکه در آیه 38، سوره نور آمده است:«لِيَجْزِيَهُمُ اللّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ؛هدف این است که خداوند پاداش بهترین اعمال آن ها را بدهد و از فضلش بر آن بیفزاید».6.

1- سوره دخان: آیه51.
2- تفسیر نمونه، ج21، ص210.
3- سوره الرحمن، آیه46.

یا اینکه یک بهشت برای اطاعت، و دیگری برای ترک معصیت است.

البته هیچیک از این تفسیرها دلیل خاصی ندارد و در عین حال همه آن ها ممکن است در آیه جمع باشد، آنچه مسلم است خداوند باغ های متعددی از بهشت در اختیار بندگان صالح می گذارد که در آن رفت و آمد دارند. 62(1)

1- ر.ک: تفسیر نمونه،ج23، ص162

7- تخت های زیبای بهشتی

یکی دیگر از نعمت های مادی بهشتی وجود تخت های زینتی زیبا و بلند می باشد که بهشتیان بر آن تکیه زده و مناظر زیبای بهشتی را نگاه می کنند.

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِی نَعِیمٍ عَلَی الْأَرَائِکِ یَنظُرُونَ ؛(1) مسلما نیکان در میان انواع نعمت متنعمند، آن ها بر تخت های زیبای بهشتی تکیه کرده و به آن مناظر زیبا و آن همه نعمت، نظر می کنند و لذت می برند»(2)

«ارائک»جمع«اریکه» به معنی تخت های زیبای سلطنتی است، و یا تخت های پر زینتی که در حجله گاه می نهند، و در اینجا اشاره به تخت های بسیار زیبای بهشتی است که نیکان بر آن تکیه می کنند.

در تعبیر «ینظرون»(نگاه می کنند) که به صورت سر بسته بیان شده نمی فرماید به چه می نگرند؟ تا مفهوم وسیع و گسترده ای داشته باشد، آری آن ها به لطف خدا می نگرند، به جمال بی مثال او، به انواع

نعمت های بهشتی، و به زیبایی های خیره کننده ای که در بهشت برین است می نگرند، چرا که یکی از مهمترین لذات انسانی«لذت دیدو نگاه» است.(3)

1- تفسیر نمونه،ج26، ص274.
2- سوره مطففین، آیه22و23.
3- نک: تفسیر نمونه، ج23، ص186.

«عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ»(1)

«آن ها بر تخت هایی صف کشیده و به هم پیوسته است قرار دارند، در حالی که تکیه بر آن کرده اند و روبروی یکدیگر قرار گرفته و مجلسی پر از انس و سرور دارند».

«سرر»جمع«سریر» از ماده«سرور» به معنی تخت هایی است که صاحبان نعمت در مجالس انس و سرور بر آن می نشینند.

«موضون» از ماده«وضن» در اصل به معنی بافتن زره است، سپس به هر منسوجی که تار و پود آن محکم است اطلاق شده، و در اینجا منظور از تخت هایی است که کاملا در کنار هم قرار گرفته و به هم پیوسته است، یا خود این تخت ها داری بافت مخصوصی است و از لولو و یاقوت و مانند آن، چنانکه جمعی از مفسران گفته اند.

و در حال ساختمان ای تخت ها، و طرز قرار گرفتن آن ها، و مجلس انسی که برای آن ها تشکیل می شود و سرور وشادمانی در آن موج می زند، با هیچ بیانی قابل توصیف نیست.(2)

«مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ؛ ساکنان بهشت در حالی هستند که تکیه بر تخت هایی زده اند که با بهترین و زیباترین پارچه های سبزرنگ پوشانده شده است».(3)6.

1- سوره واقعه، آیه15.
2- تفسیر نمونه،ج23، ص211.
3- سوره الرحمن، آیه76.

«رفرف» در اصل به معنی برگ های گسترده درختان است و سپس به پارچه های زیبای رنگارنگ که بی شباهت به منظره باغ ها نیست اطلاق شده است.

«عبقری» به معنی هر موجود بی نظیر یا کم نظیر است و«حسان» جمع«حسن» به معنی خوب و زیبا است.

این تعبیرات همه حاکی از این است که بهشت همه چیزش ممتاز است، میوه ها، غذاها، فرش ها و خلاصه هر چیزش در نوع خود بی نظیر و بی مانند است، بلکه باید گفت این تعبیرات هرگز نمی تواند آن مفاهیم بزرگ را در خود جای دهد، و تنها شبحی از آن را در ذهن ما ترسیم می کند.

8- غذای بهشتیان

اشاره

یکی از نعمتهای دیگر مادی بهشت ، وجود غذاها و میوه هایی است که طعم هایی متفاوت و لذیذ دارند، آنهم در حالی که تکیه بر تخت های بهشتی زده و هر آنچه میل داشته باشند، حاضر و آماده خواهد شد.

وجود این میوه ها، گوشت ها، شراب ها طهور و هر آنچه لازمه آرامش و آسایش و لذت و شادی است، برای آن ها در بهشت فراهم است و باتناول آن ها هم هیچ کبمودی در آن پیدا نمی کند.

آری، میوه های آنجا همچون میوه های این جهان نیست که محدود به فصول معینی باشد، و تنها چند هفته یا چند ماه بر درخت ظاهر شود،و نیز همچون میوه های این جهان نیست که گاه خارها مانع چیدن آن است و گاه بلندی خطرناک درخت مانند نخل، و یا مانعی در وجود خود انسان از تناول آن وجود داشته باشد، ونه میزبان اصلی بهشت که خداوند منان است و ماموران او بخل و منعی دارند. و لذاست که آنجا همه چیز برای آرامش مهیااست.

مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ؛(1)

بر تخت ها تکیه کرده اند و انواع میوه های و نوشیدنی ها در اختیار آنان است».

تکیه روی فاکهه» و شراب»(میوه و نوشیدنی) در آیه ، ممکن است اشاره به این باشد که بیشترین غذای بهشتیان میوه است، هر چند طبق صریح آیات قرآن غذا های دیگر در آنجا وجود دارد.

تعبیر به کثیره» در آیه، اشاره انواع مختلف میوه های بهشتی است، همانگونه که نوشیدنی و شراب طهور آن نیز اشکال متنوعی دارد که در آیات مختلف قرآن به آن اشاره شده است.(2)

«وَأَمْدَدْنَاهُم بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ (3)مِّمَّا يَشْتَهُونَ ؛(4) همواره از انواع میوه ها و گوشت ها از هر نوع که تمایل داشته باشند، در اختیار آن ها می گذاریم. آن ها در بهشت جام های پر از شراب طهور را که نه بیهوده گوئی در آن است ونه گناه ، از یکدیگر می گیرند».

«امددناهم» از ماده«امداد» به معنی ادامه و افزایش و اعطا است، یعنی میوه ها و غذاهای بهشتی آنچنان نیست که با تناول کردن کمبودی پیدا کند، و یا همچون میوه های دنیا که در فصول سال نوسان زیادی دارد تغییری در آن حاصل شود، بلکه همیشگی و جاودانی و مستمر است. تعبیر «مما یشتهون»(از آنچه بخواهند) در آیه، نشان می دهد که بهشتیان در انتخاب نوع و کمیت و کیفیت این میوه ها و غذاها، کاملا آزادند و هر آنچه خواهند در اختیار دارند.2.

1- سوره ص، 51.
2- تفسیر نمونه، ج19، ص 316.
3- مقدم داشتن«فاکهه»بر«لحم»، اشاره ای است به برتری «میوه ها» بر«گوشت ها».
4- سوره طور، آیه22.

میوه های بهشتی و خواص آن ها

اشاره

در آیات قرآن کرمی و روایت معصومین علیهم السلام، بخصوص روی میوه هایی تاکید شده که آن می تواند به خاطر اهمیت فوق العاده آن در تغذیه باشد، و امروزه از لحاظ علمی نیز این امر اثبات شده است. این میوه ها عبارتند از:

1- خرما:«فِیهِمَا فَاکِهَهٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ »(الرحمن:68)

در احادیث اسلامی خرما به عنوان یک غذای نیرو بخش نام برده شده است، حتی در پاره ای از روایات استفاده می شود که بهترین غذای زن باردار و داروی او رطب(خرما) است.(1)

امام علی علیه السلام می فرماید:«باردار، هیچ خوراکی نمی خورد و هیچ دارویی به کار نمی گیرد که برتر از خرمای تازه باشد. خداوند عزوجل به مریم فرموده است:«وَهُزِّی إِلَیْکِ بِجِذْعِ النَّخْلَهِ تُسَاقِطْ عَلَیْکِ رُطَبًا جَنِیًّا فَکُلِی وَاشْرَبِی وَقَرِّی عَیْنًا ؛ و تنه درخت خرمارا به سوی خود تکان بده تا بر تو خرمای تازه فرو ریزد؛ پس بخورید و بیاشامید و دیده روشن دار»(2)

و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:«به زنان خود در دوره نزدیک زایمان، خرما بدهید؛ زیرا هرکس در دوره نزدیک زایمان غذایش خرما باشد، فرزندش بردبارزاده خواهد شد. خوراک مریم، هنگامی که عیسی علیه السلام را زاد، همین بود، در حالی که اگر خدا غذایی بهتر از خرما برای او سراغ داشت، همان را را به وی می خوراند»(3)2.

1- سوره مریم، آیه 25.
2- ر.ک: الخصال، ص637، ح10؛ دانش نامه احادیث پزشکی، ص482
3- ر.ک: تاریخ بغداد، ج8، ص366، رقم4465؛ دانش نامه احادیث پزشکی، ص482.

دانشمندان غذا شناس می گویند: قند فراوانی که در خرما وجود دارد از سالم ترین قندها است که حتی در بسیاری از موارد، مبتلایان به بیماری قند نیز می توانند از آن استفاده کنند.

همین دانشمندان می گویند: در خرما13 ماده حیاتی و پنج نوع ویتامین را کشف کرده اند که مجموع آنها خرما را به صورت یک منبع غذایی غنی در آورده است.

با پیشرفت دانش پزشکی اهمیت دارویی خرما نیز به ثبوت رسیده است، در خرما«کلسیوم» وجود دارد که عامل اصلی استحکام استخوان ها است، و نیز «فسفر» وجود دارد که از عناصر تشکیل دهنده مغز و مانع ضعف اعصاب و خستگی است، و نیز«پتاسیوم» موجود است که فقدان آن را در بدن علت حقیقی زخم معده می دانند.(1)

ولی مسلما اعتدال در همه چیز و حتی در این موضوع باید رعایت شود چنان که از بعضی از روایات که در همین مورد وارد شده، استفاده می شود.

2- انار:«فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ».(الرحمن:68)

در بعضی از روایات اسلامی، انار به عنوان بهترین میوه ها معرفی شده است، و برای فوائد فراوانی نیز گفته شده است.

و برای آن فوائد فراوانی نیز گفته شده است.

مرحوم کلینی به سند خود نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«میوه، صدو بیست گونه است و مهترین همه آن ها انار است».(2)2.

1- نک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ، ج7، ص65
2- ر.ک: الکافی، ج6، ص352، ح2.

دانشمندان غذا شناسان مطالب زیادی در مورد انار گفته اند، از جمله روی قدرت پاک کنندگی خود و وجود مقدار قابل ملاحظه ای«ویتامین ث» در آن تکیه کرده اند.

فوائد فراوان دیگری برای انار [ترش و شیرین= ملس] در کتب روایی بیان شده است از جمله: تقویت معده، دفع تب های صفرائی، یرقان، جزب(بیماری خارش)، تقویت دید چشم، رفع جراحات مزمن، تقویت لثه و دفع اسهال.(1)

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: اطعموا صبیانکم الرمان، (2) فانه اسرع لشبابهم؛ به کودکان خود انار دهید که موجب رشد سریع آنها است».

و در حدیث دیگری فرمودند: فانه اسرع لالسنتهم؛ زود تر به سخن می آیند».

3- انجیر: «والتین و الزیتون»(تین:1)

«انجیر» دارای ارزش غذایی فراوان است و لقمه ای است مغذی و مقوی برای هر سن و سال و خالی از پوست و هسته و زوائد.(3)

غذا شناسان می گویند:

از انجیر می توان به عنوان قند طبیعی جهت کودکان استفاده نمود، ورزشکاران و آن ها که گرفتار ضعف و پیری اند می توانند از انجیر برای تغذیه خود استفاده کنند.رک

1- نک: دانش نامه احادیث پزشکی، ص519.
2- ر.ک: بحار، ج66، ص164؛ تفسیر نمونه، ج23، ص179.
3- همان مدرک

می گویند «افلاطون»به قدری انجیر رادوست می داشت که بعضی آن را دوست فیلسوفان نامیده اند، و«سقراط» انجیر را جذب کننده مواد نافع و دفع کننده مضار می دانسته.

«جالینوس» رژیم مخصوصی از انجیر برای پهلوانان تنظیم کرده بود، به پهلوانان روم و یونان قدیم نیز انجیر داده می شد.

دانشمندان غذا شناس می گویند انجیر سرشار از ویتامین های مختلف و قند، و در بسیاری از بیماری ها، از آن به عنوان یک دارو می توان استفاده کرد، مخصوصا هر گاه انجیر و عسل را به طور مساوی مخلوط کنند برای زخم معده بسیار مفید است، و خوردن انجیر خشک فکر را تقویت می کند، خلاصه به علت وجود عناصر معدنی در انجیر که سبب تعادل قوای بدن و خون می گردد انجیر را غذای هر سن و شرائطی معرفی کرده اند.

در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است:

التین یذهب بالبخر و یشد الفم والعظم ، و ینبت الشعر، و یذهب بالداء و لا یحتاج معه الی دواء»

و قال علیه السلام: التین اشبه شیء بنبات الجنه.(1)

«انجیر بوی دهان را می برد، لثه ها و استخوان ها را محکم می کند، مو را می رویاند، درد را بر طرف می سازد و با وجود آن نیاز به دارو نیست. و نیز فرمود انجیر همانند ترین چیر به گیاهان بهشت است».

ابوذر غفاری رضی الله عنه نیز نقل می کند: سینی ای از انجیر به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه شد.به اصحابش فرمود: «بخورید. چرا که من اگر بنا بود بگویم میوه ای از بهشت است، همین میوه را می گفتم، زیرا2.

1- ر.ک: الکافی، ج6. ص358، ح1؛ تفسیر نمونه، ج27، ص142.

میوه ای بدون هسته . آن را بخورید ، زیرا بواسیر را ریشه کن می سازد و برای نقرس(1)سودمند است».(2)

4- زیتون:«وَالتِّینِ وَالزَّیْتُونِ »(تین:1)

غذا شناسان و دانشمندان بزرگی که سالیان دراز از عمر خود را در راه مطالعه خواص گوناگون میوه ها صرف کرده اند برای زیتون و روغن آن اهمیت فوق العاده ای قائلند، و معتقدند کسانی که می خواهند همواره سالم باشند باید از این اکسیر حیاتی استفاده کنند.

روغن زیتون دوست صمیمی کبد آدمی، و برای رفع عوارض کلیه ها و سنگ صفراوی، و قولنج های کلیوی، و کبدی ، و رفع یبوست بسیار موثر است. و به همین دلیل از درخت زیتون به عنوان «شجره مبارکه»در قرآن مجید یاد شده است. روغن زیتون نیز سرشار از انواع ویتامین ها است و دارای فسفور و گوگرد و کلسیوم و آهن و پتاسیوم و منگنز است.

مرهمهایی را که از روغن زیتون و سیر تهیه می شود برای انواع دردهای روماتیسمی مفید دانسته اند، سنگ های کیسه صفرا بوسیله خوردن روغن زیتون از بین می روند.(3)

در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است:«نعم الطعام الزیت: یطیب النکهه، و یذهب بالبغلم و یصفی اللون، و یشد العصب، و یذهب بالوصب و یطفیءالغضب؛ روغن زیتون غذای خوبی است، دهان را 30

1- نقرس، ورمی است همراه با درد که در مفاصل پائین پا و انگشتان بروز می کند. (مجمع البحرین، ج3، ص1823).
2- ر.ک: مکارم الاخلاق، ج1، ص376، ح1251؛ دانش نامه احادی پزشکی، ص485.
3- نک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج9. ص 130

خوشبو و بلغم را بر طرف می سازد، رنگ صورت را صفا و طراوت می بخشد، اعصاب را تقویت کرده، بیماری و درد و ضعف را از میان می برد و آتش خشم را فرو می نشاند».(1)

5- انگور: «حدائق و اعنابا»(نبا:32)

به گفته دانشمندان غذا شناس«انگور» علاوه بر اینکه از نظر خواص یک غذای کامل محسوب می شود و مواد غذایی آن بسیار نزدیک به شیر مادر است، دو برابر گوشت در بدن ایجاد حرارت می کند، گذشته از این، به قدری مواد مفید در آن وجود دارد که می توان گفت یک داروخانه طبیعی است.

«انگور» دارای خاصیت ضد سم، مفید برای تصفیه خون،دفع روماتیسم، نقرس، و عامل مبارزه با افزایش اوره خون است.

اضافه بر این ها انگور اعصاب را تقویت کرده، و تولید نشاط می کند، و به خاطر داشتن انواع ویتامین ها به انسان نیرو و توان می بخشد.

این ها گوشه ای از آثار و خواص انگور است و لذا در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می خوانیم: خیر فواکهم العنب؛ بهترین میو های شما انگور است».(2)8.

1- ر.ک: مکارم الاخلاق، ص190؛ بحار، ج63، ص183، ح22
2- تفسیر نمونه، ج26، ص48.

9-نهر ها و چشمه های بهشتی

یکی دیگر از نعمت های مادی بهشت، وجود نهرها و چشمه های زیبایی است که از زیر درختان در جریان است.

در مورد نهرهای بهشتی در قرآن آمده است:

مَثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِیهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَیْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِن لَّبَنٍ لَّمْ یَتَغَیَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّهٍ لِّلشَّارِبِینَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّی وَلَهُمْ فِیهَا مِن کُلِّ الثَّمَرَاتِ(1)

«توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده چنین است که در نهرهایی از آب صاف و خالص که بد بو نشده، و نهرهایی که از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است، و نهرهایی از عسل مصفّی و برای آن ها در آن از تمام انواع میوه ها وجود دارد».

در این آیه سخن از چهار نهر است که هر کدام مایع و محتوایی مخصوص به خود دارد. نخست از نهرهایی سخن می گوید که در آن صرفا آب زلال خوشبو و خوش طعم جاری است.5.

1- سوره محمد، آیه 15.

سپس می افزاید: نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته است. بعد به سراغ سومین قسمت از نهرهای بهشتی رفته، می گوید:«و نهرهایی از شراب طهور که مایه لذت نوشندگان است. و بالاخره چهارمین و آخرین قسمت از نهرهای بهشتی را به این صورت بیان می کند:«و نهرهایی از عسل مصفا»

در آیه مورد بحث به نهرهای «آب» و«شیر»و«شراب طهور»و«عسل» اشاره شده که ممکن است اولی برای رفع تشنگی است، دومی تغذیه، سومی نشاط و چهارمی لذت و قوت می آفریند.

جالب اینکه از آیات دیگر قرآن استفاده می شود که همه بهشتیان از همه این نوشیدنی ها نمی نوشند بلکه سلسله مراتبی دارند که به تناسب آن ها بهره مند می شوند. در سوره مطففین آیه28 می خوانیم:

«عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ؛چشمه ای است که مقربان درگاه خدا از آن می نوشند».(1)

در آیه 50 سوره الرحمن، تعبیری درباره دو چشمه آمده است:

«فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ؛در آن دو بهشت، دو چشمه به طور مداوم جریان دارد» گرچه در این آیه سخنی از چگونگی این دو چشمه به میان نیامده، ولی بعضی از مفسران این دو چشمه را به چشمه های «سبیل»و«تسنیم» که به ترتیب در آیه های «18 دهر »و«27 مطففین» آمده تفسیر کرده اند و گاه گفته شده یکی از این دو چشمه، چشمه«شراب طهور» و چشمه دوم، چشمه«عسل مصفی» است که هر دو در آیه سوره محمد آمده است.(2)64

1- ر.ک: تفسیر نمونه،ج21، ص442
2- ر.ک: تفسیر نمونه، ج23، ص164

آری ، وجود چشمه هایی متعدد در بهشت علاوه بر افزودن زیبایی و طراوت این فایده را نیز دارد که هر کدام نوشابه مخصوصی دارد و ذائقه بهشتیان را هر زمان با انواع شراب طهور شیرین و معطر می کند.

ص: 111

10- شراب بهشتی

یکی از مشروبات گوارای بهشتیان، شراب های طهوری است گوارا و لذت بخش، نشاط آفرین و روح پرور، خالی از هرگونه تحذیر و فساد عقل و به دنبال آن بیهوده گویی و گناه هرگز نیست، بلکه سراسر هوشیاری و لذت جسمی و روحانی است.

در سوره طور، آیه23 آمده است:«يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ؛ آن ها در بهشت جام هایی پر از شراب طهور را که نه مستی و بیهوده گویی در آن است، نه گناه از یکدیگر می گیرند».

تعبیر به «کأس» نشان می دهد که این جام ها پر از شراب می باشد و عرب به جام خالی شراب«قَدَح» می گوید و به ظرف خالی«کأس» اطلاق نمی شود.

به هر حال از آنجا که تعبیر «کأس» شراب های تحذیر کننده دنیا را احیانا تداعی می کند، می افزاید در آن شراب نه لغو و بیهوده گویی است و نه گناه، زیرا هرگز عقل و هوش انسان را نمی گیرد،

بنابراین سخنان ناموزون و اعمال زشتی که از مست ها سر می زند هرگز از آن ها سر نخواهد زد، بلکه به حکم آن که شراب طهور است آن ها را پاک تر و خالص تر و هوشیار تر می کند.(1)

به تعبیر قرآن در سوره واقعه، آیه19: «لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ ؛ یعنی هنگامی که آن را می نوشند، نه دردسر می گیرند و نه مست می شوند».

و جالب اینکه این چشمه شراب از خانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به سمت خانه های سایر پیامبران و مومنان جاری می شود،(2) که این حقیقت را نمایان سازد که: همانگونه که در دنیا چشمه های علم و رحمت از خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی بندگان خدا و نیکان سرازیر می شود، در آخرت که تجسم بزرگی از این برنامه است چشمه شراب طهور الهی از همین بیت وحی می جوشد، و شاخه های آن به خانه های مومنان سرازیر می گردد.

نکته دیگرا ینکه، پس از فراغ از حساب محشر نخستین گام که در بهشت می دهند با نوشیدن از این شراب هرگونه اندوه و ناراحتی و ناخالصی را از درون جان خود می شویند، و سرمست از عشق حق به استفاده از سایر مواهب بهشتی می پردازند.9.

1- ر.ک: تفسیر نمونه، ج22، ص436.
2- روایت امام باقر علیه السلام.ر.ک: أمالی شیخ صدوق ، ص333 ؛ تفسیر ثعالبی، ج5 . ص529.

ب: نعمت های معنوی

اشاره

گرم به دامن وصل تو دسترس باشد

دگر ز طالع خویشم چه ملتمس باشد؟

اگر به هر دو جهان یک نفس زنم با دوست

مرا ز هر دو جهان حاصل آن نفس باشد

+++

علاوه بر نعمت های مادی بهشت، نعمت های دیگری هم وجود دارد که به تعبیر آیات قرآن کریم، بهتر از آن نعمت های مادی است. دو نمونه مهم از این نعمت های معنی عبارتند از:

1- سلام و تحیت:

اصولا بهشت «دار السلام» و خانه سلامت و امن و امان است چنانکه در آیه127 انعام(1)آمده است:«لَهُمْ دَارُ السَّلاَمِ عِندَ رَبِّهِمْ»، و بهشتیان ساکنان این سرزمین هستند، گاه با سلام فرشتگان روبرو می شوند که به هنگام ورود به بهشت از هر دری بر آن ها وارد می شوند و می گویند:«سلام بر شما به خاطر شکیبایی هایی که داشتید.5.

1- و نیز سوره یونس، آیه 25.

و چه پایان خوبی است این سرایی که نصیبتان شده»؛«وَالمَلاَئِکَهُ یَدْخُلُونَ عَلَیْهِم مِّن کُلِّ بَابٍ (23) سَلاَمٌ عَلَیْکُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ». (رعد-24).

و گاه ساکنان اعراف آن ها را صدا می زنند و می گویند:«سلام بر شما»«وَنَادَوْاْ أَصْحَابَ الْجَنَّهِ أَن سَلاَمٌ عَلَیْکُمْ ». (اعراف-46).

گاه پس از ورود در بهشت با سلام و تحیت فرشتگان روبرو می شوند و گاه به هنگام قبض روح این سلام از ناحیه فرشتگان مرگ به آنها نثر می شود و می گویند:«سلام بر شما وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می دادید»؛«الَّذِینَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلآئِکَهُ طَیِّبِینَ یَقُولُونَ سَلامٌ عَلَیْکُمُ ادْخُلُواْ الْجَنَّهَ بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ ».(نحل-32).

و گاه خودشان به یکدیگر سلام و درود می فرستند، و اصولا «تحیَّت آن اه در آنجا همان سلام است»؛«تَحِیَّتُهُمْ فِیهَا سَلاَمٌ »(ابراهیم23).

و بالاخره برتر و بالاتر از همه این ها سلام پروردگار است،«سَلَامٌ قَوْلًا مِن رَّبٍّ رَّحِیمٍ ».(یس-58).

خلاصه اینکه «در آنجا نه سخن لغوی شینده می شود و نه کلام بیهوده ای، تنها سلام است و سلام»«إِلَّا قِیلًا سَلَامًا سَلَامًا ».(واقعه-26).

اما نه سلامی که تنها در لفظ باشد بلکه سلامی که اثر آرامش بخش و سلامت آفرین آن در اعماق روح و جان انسان نفوذ می کند و همه را غرق در آرامش و سلامت می سازد.(1)0.

1- تفسیر نمونه، ج18، ص420.

2- رضای خدا و لقای محبوب

فراتر از همه نعمت های مادی بهشت، لذت معنوی«لقاء الله» و جلوه های محبوب و الطاف آن معبود است که اگر یک لحظه آن به دست آید بر تمام نعمت های بهشتی برتری دارد.

دارند هرکس از تو مرادی و مطلبی

مقصود ما زدنیا و عقبی لقای توست

آری بهشت و جسم انسان، باغ های جاویدان آن جهان است، ولی بهشت جانش رضای خدا و لقای محبوب است.

امام سجاد علیه السلام در روایتی زیبا می فرماید:«آنگاه که بهشتیان وارد بهشت شوند و دوست خدا به باغ هاو خانه هایشان در آید. خدای جبَّار بر آنان مشرف شود و بگوید:آیا به شما بگویم بهتر از آنچه اینک دارید چیست؟ عرض کنند: پروردگارا! چه چیزی بهتر از این وضعی است که ما داریم؟... پس خداوند تبارک و تعالی به آن ها فرماید: خشنودی من از شما و محبت من به شما بهتر و بالاتر از این

وضع است که دارید.»سپس امام علیه السلام این ایه را تلاوت کرد:«... و خشنودی خدا برتر است، این همان پیروزی بزرگ است(1)-(2)»

در حدیث معراج نیز آمده است: «ای احمد در بهشت قصری است که از لؤلؤ و درّ و مروارید ساخته شده و شکستگی و گرهی هم ندارد. در این قصر خاصان درگاه من به سر می برند و هر روز هفتاد بار به آنها می نگرم وبا ایشان سخن می گویم و به وسعت و گستره ملکشان هفتاد برابر می افزایمو آنگاه که اهل بهشت از طعام و شراب بهشتی لذت می برند، آنان از یاد، سخن و کلام من لذت می برند.

پیامبر گرامی اسلام سوال می کنند: خداوندا! علامت و نشانه آنها چیست؟ خدای متعال در جواب می فرماید: آنان زندانیانی هستند که زبان خود را از پر حرفی و شکم خود را از پرخوری، زندانی کرده اند.»(3)

و سخن آخر، روایتی از امام صادق علیه السلام که در تفسیر آیه:«رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الآخِرَهِ حَسَنَةً (4)؛ پروردگار ما! در دنیا و آخرت به ما نیکویی عطا فرما»، فرمودند حسنه(و نیکویی) در آخرت همان خشنودی خدا و بهشت است و در دنیا وسعت روزی و معاد و خوش اخلاقی».(5)6.

1- سوره توبه، آیه72.
2- ر.ک: تفسیر عیاشی، ج2، ص96،ح88؛تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص241، ح234.
3- ر.ک: ارشاد القلوب، ج1، ص199؛ معراج پیامبر، اثر نگارنده، ص379.
4- سوره بقره، آیه201.
5- ر.ک: الکافی، ج5، ص71، ح2؛ من لا یحضره الفقیه، ج3، ص156، ح3566.

فصل هفتم: پرسش هایی پیرامون بهشت

(1)آیا مومنانی که فاقد عمل صالحند وارد بهشت می شوند؟

ص: 119

پاسخ این است که:

آری، وارد بهشت می شوند اما بعد از آن که مجازات خود را در دوزخ ببینند و پاک شوند، تنها کسانی بعد از حسابرسی مستقیما به این کانون راه می یابند که علاوه بر ایمان سرمایه عمل صالح نیز داشته باشند.(1)

در حقیقت می توان اینگونه بیان کرد که: هر چیزی را بهایی است و بهای بهشت عمل صالح می باشد، همانگونه که امام علی علیه السلام فرمودند:«ثَمَنُ الجَنَّهِ العَمَلُ الصَالِحُ»؛(2) بهای بهشت کار نیک و شایسته است».

علت ورود به بهشت با عمل صالح نیز به خوبی معلوم و روشن می باشد،چرا که بهشت سرای پاکی و خلوص است، و اهل بهشت نیز از هرگونه غل و غشی به دور می باشند. و تنها با پاکی و دور شدن از گناهان است که کسی به این سرای راه می یابد.8.

1- ر.ک:تفسیر نمونه، ج21،ص283
2- ر.ک: غرر الحکم، ح4698؛ میزان الحکمه، ج2، ص495، ح2538.

(2) چه رزقی است که صبح و شام به سراغ بهشتیان می آید؟

خداوند متعال در سوره مریم، آیه62 می فرماید:«وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا »وهر صبح و شام روزی آن ها در بهشت مقرر است.

با استفاده از آیات قرآن می توان به خوبی اذعان نمود که بهشتیان از مواهب بهشتی و روزی آن هرچه بخواهند در اختیارشان ، همیشه و در هر ساعت وجود دارد، حال با توجه به آیه، این چه رزقی است که فقط صبح و شام به سراغ آن ها می آید؟

پاسخ این سوال را از حدیث زیبایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده می توان دریافت آنجا که می فرماید:«و تعطیم طرف الهدایا من الله لمواقیت الصلاه التی کانوا ایصلون فیها فی الدنیا ؛(1) بهترین هدایا از سوی خداوند بزرگ در اوقاتی که در این دنیا نماز می خواندند به آن ها در بهشت می رسد».

از این حدیث استفاده می شود که این هدایای ممتاز که به هیچ وجه نمی توان ماهیت آن را حتی با حدس و تخمین بیان کرد، نعمت هایی است پر ارزش که علاوه بر نعمت های معمول بهشتی، صبح و شام به آن ها اهدا می گردد.(2)

1- ر.ک: کنز العمال، ح39386؛ فتح القدیر، ج3، ص342؛ تفسیر قرطبی، ج11، ص127.
2- ر.ک: تفسیر نمونه، ج13، ص107

(3) «فردوس»جای چه کسانی است؟

«فردوس» به طور ی که بعضی از مفسران بزرگ گفته اند، باغی است که همه نعمت ها و تمام مواهب لازم در آن جمع باشد، وبه این ترتیب«فردوس» بهترین و برترین باغ های بهشت است.

بعضی گفته اند این لغت در اصل از زبان رویم است به معنای بستان، و بعضی دیگر گفته اند کلمه ایست نبطی به معنای موزار و اصل آن «فردوس» بوده، و دیگر دیگر گفته اند کلمه ایست سریانی به معنای باغ انگور، وبعضی ریشه آن را از زبان حبشی می دانند که به زبان عرب انتقال یافته است، و بعضی هم قائلند که عربی است و به معنای باغ پر درختی است که بیشتر درختانش انگور باشد.(1)

با توجه به آیات آخرین سوره کهف، فردوس منزلگاه افراد با ایمان و صاحبان اعمال صالح است،(2) اگر چنین است مناطق دیگر بهشت ساکنانی نباید داشته باشد، چراکه غیر مومن را در بهشت راهی نیست.

در پاسخ به این سوال می توان گفت که این آیات(107و108 سوره کهف) به هر فردی که ایمان و عمل صالح دارد اشاره نمی کند بلکه درجه والایی از نظر ایمان و عمل صالح را معیار برای دخول درد.

1- ر.ک:تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه 107 سوره کهف؛ بحار، ج8، ص89؛ تفسیر المیزان، ج13، ص673؛ تفسیر نمونه، ج12، ص569
2- سوره کهف، آیات 107 و108«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا (107) خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ؛همانا کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند باغ های فردوس منزلگاهشان است. آن ها جاودانه در آن خواهند ماند و هرگز تقاضای نقل مکان از آنجا نمی کنند.

فردوس قرار داده، هرچند ظاهر آیه مطلق است، اما توجه به مفهوم کلمه«فردوس» آن را مقید می کند.

لذا در سوره مومنون که صفات وارثان فردوس را بیان می کند(1) حد اعلایی از صفات مومنان را ذکر کرده که در همه افراد وجود ندارد و این خود قرینه ای است بر این که ساکنان فردوس باید دارای صفات ممتازی باشند، علاوه بر ایمان و عمل صالح. و نیز به همین دلیل در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که می فرماید:«هروقت از خدا تقاضای بهشت را می کنید مخصوصا تقاضای فردوس کنید که جامعترین و کاملترین منزلگاه های بهشت است».(1)دا

1- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: اذا سالتم الله فاسلوه الفردوس فانه وسط الجنه و اعلی الجنه، و فوقه عرش الرحمان و منه تفجر انهار الجنه؛ وقتی از خدا

اشاره به این همت افراد با ایمان باید در همه چیز و در همه حال اعلی باشد، در تمنای بهشت به مراحل پائین تر قناعت نکند، هرچند مراحل پائین تر هم غرق نعمت است.

بدیهی است کسی که چنین تقاضایی از خدا می کند، ناچار باید خود را برای رسیدن به چنین مقامی آماده کند،و حداکثر تلاش و کوشش را برای رسیدن به چنین مقامی آماده کند، و حداکثر تلاش و کوشش را برای کسب برترین صفات انسانی و انجام صالح ترین اعمال به خرج دهد.

بنابراین آن ها که می گویند خدا کند ما به بهشت راه یابیم هر چند در پائین ترین مراحل آن باشیم افرادی هستند که از همت والای مومنان راستین بهره کافی ندارند.(1)9.

1- تفسیر نمونه، ج13، ص569.

لذاست که مقام فردوس برین جایگاه والایی است که یکی از اختصاصات آن راجع به اهل بیت علیهم السلام می باشد. در روایت است که محمد بن عباس به سند خود از حارث از امام علی علیه السلام کرده که حضرت فرمودند:«لکل شی ذروه الجنه الفردوس و هی لمحمد و آل محمد صلی الله علیه و آله؛ برای هر چیز نقطهبرجسته ایست و نقطه برجسته بهشت، فردوس است که اختصاص به محمد و آل محمد علیهم السلام دارد(1)»(2)

+++

(4) آیا زندگی در بهشت یکنواخت است؟

باتوجه به آنچه در پاسخ به پرسش رزق و روزی صبح و شام اهل بهشت بیان کردیم، که خداوند متعال هر روز و هر صبح و شام موهبتی جدید ولطفی تازه شامل حال بهشتیان می کند، می توان این پاسخ را برای این پرسش بیان نمود که: هیچ مانعی ندارد که تحول و تکامل در بهشت تداوم داشته باشد،یعنی اسباب تکامل در آنجا جمع است و انسان ها در پرتو اعمالی که در این جهان انجام داده اند و مواهبی که خداوند در آن جهان به آنها عنایت کرده در مسیر تکامل دائما پیش می روند.4.

1- این روایت حمل بر جری می باشد، یعنی مراد این است که فردوس برین درباره مومنین حقیقی می باشد که اهل بیت علیهم السلام از روشن ترین مصادیق آن می باشند.
2- ر.ک: تاویل الآیات، ج1، ص298؛ بحار، ج24، ص269، ح41؛ تفسیر المیزان، ج3، ص675. و نیز ر.ک: کنز العمال، ج2، ص274، ح3993 و ج10،ص261و309 احادیث 29387و29564.

بدین صورت که هرچند اعمال تازه ای در آنجا انجام نمی دهند، ولی با مرکبی که از معتقدات و اعمالشان در این جهان فراهم ساخته اند، سیر تکاملی خود را ادامه خواهند داد.(1)

+++

(5) آیا اگر کسی مقام انبیاء را بخواهد به او داده می شود:

باتوجه به این نکته جواب این سوال روشن می شود و آن این که: در آن سرای پرده ها از برابر چشمان بهشتیان کنار می رود، حقایق را به خوبی درک می کنند و تناسب ها در نظر آنان کاملا واضح می شود.آن ها هرگز به فکرشان نمی گذرد که تقاضاهایی چنین از خدا کنند و این درست به این می ماند که در دنیا تقاضا کنیم که یک کودک دبستانی استاد دانشگاه شود، و یا یک دزد جنایتکار قاضی دادگاه، آیا اینگونه امور به فکر هیچ عاقلی در دنیا می رسد؟

در آنجا نیز چنین است.

به دیگر سخن: بهشتیان چون چشم حقیقت بین دارند هرگز به فکر چیزی که بر خلاف حق و عدالت و بر خلاف اصل توازن «شایستگی ها» و«پاداش ها» است، نمی افتند.

امکان ندارد افرادی که در درجات متفاوت در ایمان و عمل هستند جزای مشابهی داشته باشند، بهشتیان چگونه آرزوی محال می کنند؟ و در عین حال آن ها از نظر روحی چنان هستند که به آنچه دارند راضیند و هیچ گونه حسد و رشک بر وجود آن ها حاکم نیست.07

1- ر.ک: تفسیر نمونه، ج12، ص568 و ج13، ص107

از این گذشته، آن ها تمام خواسته هایشان تحت الشعاع خواست خداست و همان می خواهند که خدا می خواهد.(1)

***

(6) آیا چیزهایی که در این دنیا حرام است ، تقاضای آ ن در بهشت ممکن است؟

طرح این سوال در حقیقت به خاطر عدم توجه به یک نکته است و آن این است که محرمات و زشتی ها در حقیقت همچون غذایی است نامناسب برای روح انسان ، و مسلما روح سالم اشتهای چنین غذایی نمی کند، و این ارواح بیمار است که گاه به سموم و غذاهای نامناسب متمایل می شود.

بیمارانی را می بینیم که درهنگام مرض حتی تمایل به خوردن خاک و یا اشیاء دیگری از این قبیل پیدا می کنند، اما به مجرد این که بیماری برطرف شود آن اشتهای کاذب ساقط می گردد، آری بهشتیان هرگز تمایل به چنان اعمالی پیدا نخواهند کرد، چرا که تمایل و کشش روح نسبت به آن ها از ویژگی های ارواح بیمار دوزخی است.

این سوال شبیه چیزی است که در حدیث وارد شده است که یک اعرابی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد : آیا در بهشت شتر هم پیدا می شود؟ زیر من بسیار به شتر علاقمندم!

پیامبر صلی الله علیه و آله که می داند در آنجا نعمت هایی است که با وجود آن مرد اعرابی شتر خود را فراموش خواهد کرد، در پاسخ با عبارتی3.

1- ر.ک: تفسیر نمونه، ج15، ص41 و ج19، ص453.

کوتاه و پر معنی می فرماید:«یا اعرابی ان ادخلک الله الجنه اصبت فیها ما اشتهت نفسک و لذت عینک؛ ای اعرابی خداوند تورا وارد بهشت کند آنچه دلت بخواهد و چشمت از دیدنش لذت ببرد در آنجا خواهی یافت».(1)

و به تعبیر دیگر آنجا عالمی است که انسان کاملا با واقعی ها هماهنگ می شود و به گفته شاعر:

آنچه بینی دلت همان خواهد وآنچه خواهد دلت همان بینی(2)

(7) چرا در برخی آیات«تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ » آمده است؟

در بسیاری از آیات قرآن کریم وقتی سخن از نهرهای بهشتی است، تعبیر«تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ »(3) است، یعنی از زیر درختان بهشت نهرها جاری است، ولی در برخی آیات تعبیر«تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»(4)، یعنی از زیر پاهای بهشتیان نهرها جاری است، شده است، علت چیست؟

این تعبیر ممکن است اشاره به این باشد که حتی قصرهای بهشتیان بر روی نهرها بنا شده، که به لطف و زیبایی فوق العاده ای به آنها می بخشد.1.

1- ر.ک: الغارات، ج1. ص242؛ بحار، ج33، ص547؛ و از منابع اهل سنت ر.ک: مسند احمد،ج 5، ص352؛ المنصف ابن ابی شیبه، ج8، ص72؛الدرّ المنثور، ج6.ص23.
2- ر.ک:تفسیر نمونه، ج21،ص117.
3- مانند:بقره:25؛آل عمران:15 و 195؛ نساء:13 و57 و122 و...
4- مانند: سوره یونس:9؛ و سوره کهف:31.

و یا اشاره به این که نهرها ی بهشتی به فرمان آن ها هستد و در قبضه قدرتشان می باشد، چنانچه در سرگذشت فرعون می خوانیم که می گفت:«أَلَیْسَ لِی مُلْکُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِی مِن تَحْتِی ؛(1)آیا حکومت مصر در اختیار من نیست و این نهرها به فرمان من جریان ندارند».

این احتمال نیز داده شده است که کلمه«تحت» به معنی«بین ایدی» باشد، یعنی در مقابل آن نهرهای آب جریان دارد.(2)

***

(8) نوجوانان بهشت کیانند؟

در قرآن کریم فراوان از تخت های بهشتیان و مجالس دستجمعی بهشتیان توصیف های جالبی شده که نشان می دهد یکی از مهمترین لذت آن ها همین جلسات انس و انجمن های دوستانه است، اما موضوع سخن آن ها و نقل محفلشان چیست؟ کسی به درستی نمی داند، آیا از اسرار آفرینش سخن می گویند و شگفتی های خلقت خداوند؟ یا از اصول معرفت و اسماء و صفات حسنای او؟ و یا حوادثی که در این جهان رخ داده؟ یا از مصائب جانکاهی که از آن راحت و آسوده شدند؟ و یا امور دیگری که ما در شرائط زندگی این دنیا قادر بر درک آن نیستیم؟ کسی نمی داند.

ولی در این میان وقتی از اینگونه مجالس سخن به میان می آید، موهبتی دیگر را نیز برای بهشتیان بیان می کند و آن تعبیر «نوجوانی است که در نهایت شکوه و طراوت، با قدح ها و کوزه ها و جامهایی5.

1- سوره زخرف، آیه52.
2- ر.ک: تفسیر نمونه، ج8، ص235.

از نهرهای جاری بهشتی و شراب طهور، گرداگرد بهشتیان می گردند و در خدمت آن ها هستند»،(1) در این که این نوجوانان کیانند؟ مفسران تفسیر های گوناگونی برای آن ذکر کرده اند:

بعضی گفته اند: آن ها فرزندان مردم دنیا هستند که پیش از بلوغ چشم از دنیا بسته، و چون کار نیک وبدی نداشته اندبه طلف پروردگارچنین منصبی را یافته اند، البته آن ها از این کار خود بیشترین لذت را می برند که در خدمت مقربان درگاه خدایند.

در حدیثی از حضرت علی علیه السلام این معنی نقل شده است.

ولی در تفسیر دیگری می خوانیم: که این ها اطفال مشرکینند که به خاطر بی گناهی دارای چنین مرتبه ای شده اند، چرا که اطفال مومنان به پدران و مادران خود ملحق می شوند.

و در تفسیر دیگری می خوانیم که آنها خدمتکارانی هستند بهشتی که خداوند مخصوصا آنان را برای این هدف آفریده است.(2)

***

(9) آیا در بهشت صبح و شامی هم وجود دارد؟

1- سوره واقعه، آیه17-18:«يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ؛ نوجوانانی جاودانی(در شکوه و طراوت) پیوسته گرداگرد آن ها می گردند، با قدح ها و کوزه هاو جامهایی از نهرهای جاری بهشتی و شراب طهور». تعبیر به «یطوف» از ماده«طواف» اشاره به خدمت مداوم آن ها است، و تعبیر به «مخلدون» با این که همه اهل بهشت «مخلد» و جاودانی هستند، اشاره به جاودانگی نشاط جوانی و طراوت زیبایی آن ها است.(تفسیر نمونه،ج23، ص211)
2- تفسیر نمونه، ج23، ص212.

پاسخ این سوال در روایات اسلامی چنین آمده است: گرچه در بهشت همواره نور و روشنایی است اما بهشتیان از کم و زیاد شدن نور و نوسان آن، شب و روز را تشخیص می دهند(1)

***

(10) اهل بهشت با چه زبانی با همدیگر صحبت می کنند؟

در روایات معصومین علیهم السلام آمده است که اهل بهشت، با زبان عربی با یکدیگر صحبت می کنند.(2) چرا که عربی جامع ترین و غنی ترین زبان می باشد. در روایات نیز آمده است که: «زبان عربی را فراگیرید که قرآن به زبان عربی نازل شده است» همان گونه که خداوند متعال نیز می فرماید:«انا انزلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون؛(3)یعنی ما این قرآن را به زبان عربی نازل کردیم ، شاید اندیشه کنید».

***

(11) شغل اهل بهشت چیست؟

خداوند متعال در سوره یس، آیه 55 می فرماید:«إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّهِ الْیَوْمَ فِی شُغُلٍ فَاکِهُونَ».

کلمه«شغل» به معنای کاری است که آدمی را به خود مشغول سازد، و از کارهای دیگر باز دارد، و کلمه«فاکهه» اسم فاعل از مصدر «فکاهت» است که به معنی گفت و شنودی است که مایه خوشحالی باشد و ممکن هم هست به معنای تمتع و لذت بردن باشد.ه2

1- ر.ک: تفسیر نمونه،ج13،ص107.
2- ر.ک: الاختصاص: 264؛ تفسیر مجمع البیان، ج5 ص517؛ بحار، ج11،ص56،ح57.
3- سوره یوسف،آیه2

پس معنای آیه این است که:اصحاب بهشت در آن روز در کاری هستند که توجهشان را از هر چیز دیگر قطع می کند، و آن کار عبارتست از گفت و شنود های لذت بخش، و یا عبارتست از تنعم در بهشت(1)

در بعضی از روایات آمده است که: خدای سبحان برای اهل محشر تجلی می کند، به جلوه ای که آن را از غیر خود مشغول می سازد، مادامی که آن تجلی برطرف شدن همه حجاب هایی است که بین آنان و آفریدگارشان وجود داشت، نه این که مراد دیدن به چشم باشد، چون دیدن به چشم تناه از راه مقارنه جهات و ابعاد صورت می گیرد و خدای تعالی در جهت قرار ندارد، و چنین چیز در حق خدای تعالی محال است.(2)

در تفسیر مجمع البیان نیز آمده است که:(3)مشغولیت آنان در بهشت، هفت نوع از پاداش، برای هفت عضو می باشد: ثواب«پا» گفتن «ادخلوها بسلام آمنین» برای آن می باشد. ثواب «دست» آنچه از نعمت های بهشتی با آن بر می دارد (از جام های شراب طهور و میوه ها...)، پاداش «فرج» حور العین و زنان بهشتی، پاداش «شکم» آنچه از نعمت های بهشتی خواهد خورد، پاداش«زبان»آن است که در انجا نعمت های گوناگون را بیند، حمد الهی را کند،و پاداش «گوش» این است که آنجا هیچ سخن بیهوده و لغوی نمی شنود و فقط تحیت و سلام برای آن است، و پاداش «چشم» آنچه لذت برای آن است را می بیند.2.

1- ر.ک: تفسیر المیزان، ج17، ص159.
2- ر.ک: تفسیر المیزان، ج17، ص165.
3- ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج8، ص282.

(12) آیا در بهشت هم می توان بچه دار شد؟

آنچه از روایات معصومین علیهم السلام به دست می آید این است که هر ازدواجی در بهشت انجام شود، فرزندی در پی نخواهد داشت

در هر روایتی آمده است که محمد بن عبد الله حمیری در سال 308 هجری قمری طی نامه «از حسین بن روح، سومین نایب خاص امام زمان علیه السلام » از حضرت پرسید:

وقتی در بهشت انسان با حور العین «یا زن دنیایی خودش، اگر در بهشت با او همنشین باشد» همبستر شود، آیا آن ها حامله می شوند و بچه می آورند یا خیر؟

حضرت در جواب فرمودند:

«هیچ زنی در بهشت حامله نمی شود و بر اثر آمیزش با حور العین یا همسر دنیایی، بچه ای هم متولد نمی شود و حیض و نفاس هم در بهشت نیست. و مشکلات و گرفتاری بچه داری وجود ندارد، و آنجا همان طور است که خداوند در قرآن کریم فرمودند: «و در آن (بهشت) آنچه دل ها می خواهند و چشم ها از آن لذت می برند، موجود است».(1)

پس مومن در بهشت هر زمان که دلش خواست کودکی داشته باشد ، خداوند بدون حمل، فرزندی برای او خلق می کند. ولی به آن صورت که در ذهن ها است، ولادتی در کار نیست، بلکه آفریدن فرزند مانند آفریدن حضرت آدم علیه السلام است که برای عبرت مخلوقات، بدون هیچ حمل و هیچ ولادتی آفریده شد».(2)

.ه***

1- سوره زخرف، آیه 71: «وفیها ما تشتهی الا نفس وتلذ الاعین».
2- ر.ک: الاحتجاج، ج2، ص580؛ بحار، ج53، ص163، ح4؛ تفسیر نور الثقلین، ج4، ص613؛ 120 پرسش در محضر امام زمان علیه السلام، اثر نگارنده.

(13) «جنات عدن » چیست؟

یکی از مواهب خاصه خداوند متعال به خاصانی از بهشتیان ، این است که مسکن های پاکیزه و منزلگاههای مرفه در قلب بهشت(عدن) در اختیار آن ها می گذارد.«وَمَسَاکِنَ طَیِّبَةً فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ »(1)

«عدن» در لغت به معنی«توقف طولانی»(= اقامت و پایدار) است و لذا«عدن» که جایگاه بقای مواد خاص است این کلمه اطلاق می شود. از پاره ای از آیات قرآن بر می آید که جنات عدن محل خاصی از بهشت پروردگار است که بر سایر باغ های بهشت امتیاز دارد.

در احادیث اسلامی و کلمات مفسران این امتیاز به اشکال مختلف بیان شده است. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می خوانیم که فرمود.«عَدن الدارُ اللهِ الَّتِی لَم تَرَها عَینٌ و لَم یَخطُرُ عَلی قَلبِ بَشَرٍ، لا یَسکُنُها غیرُ ثَلاثهٍ النَبییّنَ، و الصَّدَّیقینَ و الشُّهداء؛(2) عدن آن خانه پروردگار است که هیچ چشمی آن را ندیده، و به فکر کسی خطور نکرده و تنها سه گروه در آن ساکن می شوند:پیامبران، صدیقان (آن ها که پیامبران را تصدیق کرند و از آن ها حمایت کردند) و شهیدان».

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب«الخصال» خویش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:«من سره ان یحیا حیاتی و یموت مماتی و یسکن جنتی التی واعدنی الله ربی، جنات عدن... فلیوال 6.

1- سوره توبه، آیه 72.
2- ر.ک: تفسیر مجمع البیان ، ج5، ص88؛ تفسیر نور الثقلین، ج2، ص241، ح236.

علی بن ابی طالب علیه السلام و ذریته علیهم السلام من بعده؛ کسی که دوست دارد حیاتش همچون من، و مرگش نیز مانند من بوده باشد، و در بهشتی که خداوند به من وعده داده در جنات عدن ساکن شود، باید علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان بعد از او را دوست دارد».

از این حدیث روشن می شود که جنات عدن باغ هایی است از بهشت که پیامبر صلی الله علیه و آله و جمعی از خاصان پیروان او در آن ها مستقر خواهند شد.

این مضمون در حدیث دیگری از حضرت علی علیه السلام نیز نقل شده که جنات عدن جایگاه پیامبر اسلام است.(1)

(14) سرنوشت اطفال مشرکین؟

انسان ها با عقاید و اعمالشان در آخرت سنجیده می شوند. خوبان به بهشت و بدان به جهنم رهسپار می گردند، اما کودکانی از مشرکین که به سن تکلیف نرسیده اند و هنوز گناهی مرتکب نشده اند، جایگاهشان کجاست؟(2)

در پاسخ به این پرسش، امام حسن علیه السلام فرمود:«آن ها گناهی ندارند تا به خاطر آن تنبیه شوند و در جهنم گرفتار شوند، و نیز آن ها حسناتی هم ندارند ، تا به خاطر آن پاداش دریافت کنند و از سران بهشتی شوند، بلکه آنان (اطفال مشرکین) خدمتکار بهشتیان خواهند بود».(3)5.

1- ر.ک: الخصالف ص 588؛ تفسیر صافی، ج2، ص357.
2- ر.ک: تفسیر نمونه ،ج8، ص39 و ج10، ص195.
3- ر.ک: مسند ابی داود، ص 282؛ کنز العمال، ح39412؛ تفسیر ابن کثیر، ج3، ص32؛ در محضر امام حسن علیه السلام، اثر نگارنده،ص65.

(15) آیا بهشت و جهنم هم اکنون موجود است؟

اکثر دانشمندان اسلامی معتقدند که این دو هم اکنون وجود خارجی دارند و ظواهر آیات قرآن نیز این نظر را تایید می کند، به عنوان نمونه :

1- در آیه133 سوره آل عمران(1) و در آیا فراوان دیگری تعبیر به«اعدت»(مهیا شده) یا تعبیرات دیگری از همین ماده، گاهی در مورد بهشت و گاهی درباره دوزخ آمده است.(2)

از این آیات استفاده می شود که بهشت و دوزخ هم اکنون آماده شده اند(3) اگر چه بر اثر اعمال نیک و بد انسان ها توسعه می یابند.و

1- «وَسَارِعُواْ إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ؛ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان، و بهشتی که وسعت آن، آسمان ها وزمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است».
2- به آیات : توبه89 و100 ، فتح: 6، بقره: 24، آل عمران: 131و133، حدید: 21 مراجعه شود.
3- تعبیر به «اعدت»، (= مهیا شده) ممکن است این سوال را بر انگیزد که آماده ساختن در مورد کسانی شایسته است که قدرتشان محدود باشد و گاه نتواند به هنگام نیاز آنچه را می خواهند فراهم سازند، ولی در برابر قدرت نامحدود پروردگار که هر لحظه چیزی را اراده کند فرمان می دهد«موجود شو»! آن نیز فورا موجود می شود،چنین چیزی احساس نمی گردد، پس تکیه روی «آماده سازی» در آیات قرآن برای چه منظوری است؟! توجه به یک نکته مشکل را حل می کند و آن اینکه: آماده ساختن چیزی همیشه برای محدود بودن قدرت نیست، بلکه گاه برای دلگرمی و اطمینان خاطر بیشتر و گاه برای احترام و اکرام افزونتر می باشد، لذا اگر ما مهمانی را دعوت می کنیم و از مدتی قبل مشغول آماده ساختن وسائل پذیرایی او باشیم احترام و

2- در آیات مربوط به معراج در آیه 13 تا 15 سوره «و النجم» می خوانیم:«رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى عِندَ سِدْرَهِ الْمُنْتَهَى عِندَهَا جَنَّهُ الْمَأْوَ؛ بار دیگر پیامبر جبرئیل را نزد (سدره المنتهی) در آنجا که بهشت جاویدان قرار داشت، مشاهده کرد»(1) این تعبیر گواه دیگری بر وجود فعلی بهشت است.

3- سوره تکاثر آیه 5-7 می فرماید:«كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ؛ اگر علم الیقین داشتید دوزخ را مشاهده می کردید سپس به عین الیقین آن را می دیدند».

4- در سوره عنکبوت آیه 54 می فرماید:« وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَهٌ بِالْكَافِرِينَ ؛ همانا جهنم کافران را از هر سو احاطه کرده است»، ولی حجاب های عالم دنیا مانع رویت آن است، لیکن آن روز که روز ظهور و بروز همه چیز است جهنم از همه آشکار تر ظهور می کند. علاوه بر آیات ذکر شده، در آیات ذکر شده، در روایات مربوط به معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و روایت دیگر نیز نشانه های روشنی بر این مساله دیده می شود.(2) 5.

1- برای شنیدنی های زیبای معراج و وقایع خواندنی آن، به کتاب دیگر نگارنده«معراج پیامبر(ص)»، چاپ سوم، انتشارات موعود اسلام قم، مراجعه شود.
2- ر.ک: تفسیر نمونه، ج3، ص113، ج26، ص105.

(16) بهشت و دوزخ در کجا هستند؟

به دنبال بحث و سوال پیشین این سوال پیش می آید که اگر این دو هم اکنون موجودند در کجا هستند؟

پاسخ این سوال را از دور راه می توان داد:

نخست اینکه: بهشت و دوزخ در کجا هستند؟

به دنبال بحث این سوال پیش می آید که اگر این دو هم اکنون موجودند در کجا هستند؟

پاسخ این سوال را از دو راه می توان داد:

نخست اینکه: بهشت و دوزخ در باطن این جهانند. ما این آسمان وزمین و کرات را با چشم خود می بینیم اما عوالمی که در درون این جهان قرار دارند نمی بینیم، و اگر و دید و درک دیگری داشتیم هم اکنون می توانستیم آن ها را ببینیم، در این عالم موجودات بسیاری هستند که امواج آن ها با چشم ما قابل درک نیستند،آیه «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ »(1) نیز گواه این حقیقت است.

از پاره ای از احادیث نیز استفاده می شود که بعضی از مردان خدا درک و دیدی در این جهان داشتند که، بهشت و دوزخ را نیز با چشم حقیقت بین خود می دیدند.

برای این موضوع می توان مثالی ذکر کرد:

فرض کنید فرستنده نیرومندی در یک نقطه زمین وجود داشته باشد، که به کمک ماهواره های فضایی امواج آن به سراسر زمین پخش می شود و به وسیله آن نغمه دل انگیز تلاوت قرآن با صدای فوق العاده دلنشین و روح پرور در همه جا پخش گردد، و در نقطه دیگری از زمین فرستنده دیگری با همان قدرت وجود داشته باشد که صدایی فوق العاده گوش خراش و ناراحت کننده روی امواج دیگری در همه پراکنده شود..»

1- سوره تکاثر، آیه 5-6:«اگر علم الیقین داشتید دوزخ را مشاهده می کردید.»

هنگامی که ما دریک مجلس عادی نشسته ایم صدای گفتگوی اطرافیان خود را می شنویم، اما از آن دو دسته امواج«روح پرور» و آزار دهنده» که در درون محیط ما است و همه جا را پر کرده است. هیچ خبری نداریم ، ولی اگر دستگاه گیرنده ای می داشتیم که موج آن با یکی از این دو فرستنده تطبیق می کرد فورا در برابر ما آشکار می شدند اما دستگاه شنوایی ما در حال عادی از درک آن ها عاجز است.

این مثال گرچه از جهاتی رسا نیست ولی برای مجسم ساختن چگونگی وجود بهشت و دوزخ در باطن این جهان موثر به نظر می رسد.

دیگر نکته: عالم آخرت و بهشت و دوزخ، محیط بر این عالم است، و به اصطلاح، این جهان در شکم و درون آن جهان قرار گرفته، درست همانند عالم جنین که در درون عالم دنیا است، زیرا می دانیم عالم جنین برای خود عالم مستقلی است، عالم دنیا نیز نسبت به عالم آخرت، همین حال را دارد، یعنی در درون آن قرار گرفته است.

و اگر می بینیم قرآن می گوید: وسعت بهشت به اندازه وسعت آسمانها و زمین است به خاطر آن است که انسان چیزی وسیع تر از آسمان و زمین نمی شناسد تا مقیاس سنجش قرار داده شود. لذا قرآن برای اینکه وسعت و عظمت بهشت را ترسیم کند آن را به پهنه آسمان و زمین تشبیه کرده است، و چاره ای غیر از این نبوده، همانطور که اگر در کودکی که در شکم مادر قرار دارد عقل داشت ، و می خواستیم با او سخن بگوئیم باید با منطقی صحبن کنیم که برای او در آن محیط قابل درک باشد.(1)3.

1- ر.ک: تفسیر نمونه، ج3، ص113.

(17) اگر وسعت بهشت به اندازه زمین وآسمان ها است، پس دوزخ کجاست؟

از آنچه در جواب سوال پیشین گفتیم این سوال نیز روشن شد که اگر وسعت بهشت به اندازه زمین و آسمان ها است پس دوزخ کجاست؟

از آنچه در سوال پیشین گفتیم این سوال نیز روشن شد که اگر وسعت بهشت به اندازه زمین و آسمان ها است پس دوزخ کجاست؟

زیرا طبق پاسخ اول، دوزخ نیز در درون همین جهان قرار گرفته و ورود آن در این جهان منافاتی با وجود بهشت در درون آن ندارد (همانطور که در مثال امواج فرستنده صوتی ذکر شد).

و اما طبق پاسخ دوم که بهشت و دوزخ محیط بر این جهان باشند جواب بازهم روشن تر است زیرا دوزخ می تواند محیط بر این جهان باشد و بهشت محیط بر آن، و از آن هم وسیع تر.(1)سوره اعراف، آیه 44: «وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّهِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُواْ نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَهُ اللّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»

(18) چگونگی ارتباط بهشتیان با دوزخیان؟

از آیات قرآن کریم بر می آید که گاهی نوعی ارتباط میان بهشتین و دوزخیان برقرار می شود، گویی بهشتیان که در بالاتر قرار دارند به دوزخیان که در پائین هستند می نگرند و وضع آن ها را می بینند. البته این دلیل بر آن نیست که فاصله بهشت و دوزخ کم است، بلکه در آن شرائط قدرت دید فوق العاده ای به آن ها داده می شود که مساله فاصله و مکان در برابر آن مطرح نیست. در سوره صافات می خوانیم:«

1- همان، ص115. فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءلُونَ (50) قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّى كَانَ لِى قَرِينٌ (51) يَقُولُ أَئِنَّكَ لَمِنْ الْمُصَدِّقِينَ (52) أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَدِينُونَ (53) قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ (54) فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِى سَوَاء الْجَحِيمِ (55) قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدتَّ لَتُرْدِينِ (56) وَلَوْلَا نِعْمَهُ رَبِّى لَكُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ «(در حالی که بهشتیان غرق گفتگو هستند) بعضی رو به بعض دیگر سوال می کنند، یکی از آنها می گوید: من همنشینی داشتم که

پیوسته می گفت: آیا (به راستی) تو این سخن را باور کرده ای که وقتی ما مردیم و خاک و استخوان شدیم(باردیگر) زنده می شویم، و جز داده خواهیم شد؟!(سپس) می گوید: آیا شما می توانید از او خبری بگیرید؟ اینجاست که به جستجو بر می خیزد و نگاهی می کند ناگهان او رادر وسط جهنم می بیند! می گوید: به خدا سوگند چیزی نمانده بود که مرا نیز به هلاکت بکشانی، و اگر نعمت پروردگارم نبود من نیز از احضار شدگان در دوزخ بودم». در بعضی از کلمات مفسرین آمده است که در بهشت روزنه ای وجود دارد که از آن می توان جهنم را دید. از آیات سوره اعراف نیز به خوبی این ارتباط روشن می شود، آنجا که می گویند: «بهشتیان دوزخیان را بانگ می زنند و می گویند ما آنچه را پروردگار مان وعده داده بو دحقّاً یافتیم، آیا شما هم آنچه را پروردگارتان وعده داده بود به حق یافتید؟ می گویند آری، و در این هنگام کسی درمیان آن ها بانگ بر می آورد که لعنت خدا بر ستمگران باد»

از آیه 46 همان سوره اعراف نیز استفاده می شود که «در میان اهل بهشت و دوزخ حجابهایی بر قرار است»«و بینهما حجاب».

تعبیر به «نادی»(در آیه) که معمولا در موارد سخن گفتن از دور به کار می رود نشانه بعد مکانی یا مقامی این دو گروه است، اما به هر حال شرائط و احوال روز قیامت با وضع این جهان بسیار متفاوت است و ما نمی توانیم با معیارهای این جهان آن ها را ارزیابی کنیم.(1)

(19) نخستین کسی که داخل بهشت می شود ،کیست؟

در اینکه نخستین کسی که داخل بهشت می شود، چند دسته روایات وجود دارد که البته قابل جمع نیز می باشد:

1- در روایات فراوانی، حضرت علی علیه السلام به عنوان اولین نفر داخل شونده در بهشت ، حتی قبل از رسول خداصلی اله علیه و آله معرفی شده اند. در روایتی حضرت می فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای علی! تو نخستین کسی هستی که وارد بهشت می شود. عرض کردم:ای رسول خدا! آیا پیش از شما وارد بهشت می شوم؟! فرمود: آری، (زیرا) تو پرچمدار من در آخرتی؛ همچنان در دنیا پرچمدار من هستی و پرچمدار پیشرو است»(2)

2- در روایتی از امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند که :«نخستین کسی که داخل بهشت می شود شهید است و بنده ای که نیکو عبادت پروردگارش را کرده باشد».(3)5.

1- ر.ک: تفسیر نمونه، ج19، ص64.
2- ر.ک: علل الشرایع، ج1، ص172؛ امالی شیخ صدوق ، ص354، ح432.
3- ر.ک: بحار، ج66، ص393؛ ترجمه میزان الحکمه، ج2، ص818، ح2635.

3- در روایتی دیگر امام علی علیه السلام فرمودند«اولین کسی که داخل بهشت می شود، نیکو کاران و اهل آن می باشند»(1)

4- در روایتی دیگر رسول خدا صلی اله علیه و آله تهیدستان را نخستین داخل شوندگان در بهشت معرفی می نمایند.(2)

5- در روایتی از امام علی علیه السلام می فرمایند:«مردمانی به سوی بهشت های جاویدان پیشی گرفته اند که از دیگران نه بیشتر روزه می گرفتند، و نه بیشتر نماز می خواندند و نه بیشتر حج و عمره می کردند بلکه چون پند و اندارز های خدا دریافتند و پذیرفتند».(3)

6- در روایتی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:«سه گروه پیش از همه وارد بهشت می شوند : شهید در راه خداف برده ای که بردگیش او را از طاعت خداوند گارش باز نداشته است و تهیدست عیالوار پاکدامن».(4)

باتوجه به مقام حضرت امیر المومنین علیه السلام که هم نیکو کار و اهل آن، و هم شهید در راه خدا بودند و نیز کثرت روایاتی که حضرت را نخستین نفر ورود به بهشت معرفی می نماید، می توان به صراحت بیان کرد که حضرت نخستین کسی هستند که به بهشت راه می یابند.

1- ر.ک: الکافی، ج4، ص28، ح11؛ من لا یحضره الفقیه، ج2، ص54، ح1680؛ الرساله السعدیه، ص166.
2- ر.ک: المغنی عبد الله بن قدامه، ج8، ص389؛
3- ر.ک: شرح نهج البلاغه ابن بی الحدید، ج20، ص270؛ کنز العمال، ح5916.
4- ر.ک: تنبیه الخواطر، ج2، ص121؛ ترجمه میزان الحکمه، ج2، ص818، ح2636.

(20) منظور از «اصحاب اعراف » در بهشت چیست؟

«اعراف» در لغت جمع«عرف» به معنی محل مرتفع و بلند است.(1)

آنچه در اینجا باید قبل از بحث درباره چگونگی اعراف یاد آور شویم این است که تعبیراتی که در باره قیامت و زندگی جهان دیگر می شود، هیچگاه نمی تواند از تمام آن خصوصیات زندگی پرده برداری کند، و گاهی این تعبیرات جنبه تشبیه و مثال دارد و گاهی تنها شبحی را نشان می دهد، زیرا زندگی آن جهان در افقی بالاتر و به مراتب از زندگی وسیع تر است.

در سوره اعراف، آیات 46-49 می خوانیم:

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلاًّ بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْاْ أَصْحَابَ الْجَنَّهِ أَن سَلاَمٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ () وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاء أَصْحَابِ النَّارِ قَالُواْ رَبَّنَا لاَ تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ () وَنَادَى أَصْحَابُ الأَعْرَافِ رِجَالاً يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُواْ مَا أَغْنَى عَنكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ () أَهَـؤُلاء الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لاَ يَنَالُهُمُ اللّهُ بِرَحْمَهٍ ادْخُلُواْ الْجَنَّهَ لاَ خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلاَ أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ؛

«و در میان آن دو[= بهشتیان و دوزخیان]، حجابی است؛ و بر«اعراف» مردانی هستند که هریک از آن دو را از چهره شان می شناسند؛ و به بهشتیان صدا می زنند که: درود بر شما باد!» اما داخل بهشت نمی شوند، در حالی که امید آن رادارند. و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می افتد می گویند:«پروردگارا! ما را با گروه ستمگران قرار مده!» و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می شناسند، صدا می زنند و می گویند:(دیدیدی که) گرد آوری شما(از مال و ثروت و آن فرزند) و تکبر های شما، به 1.

1- ر.ک: ابن منظور (متوفای711 هق)، لسان العرب، ج9، ص241.

حالتان سودی نداد. آیا اینها [= این واماندگان بر اعراف] همانان نیستند که سوگند یاد کردید رحمت خدا هرگز شامل حالشان نخواهد شد؟! (ولی خداوند بخاطر ایمان و بعضی اعمال خیرشان، آنها را بخشید؛ هم اکنون به آنها گفته میشود:) داخل بهشت شوید، که نه ترسی دارید و نه غمناک می شوید!».

با قرائتی که در آیات فوق و احادیث پیشوایان اسلام آمده، روشن می شود که «اعراف» مکان خاصی است میان دو قطب سعادت و شقاوت یعنی بهشت و دوزخ که همچون حجابی میان این دو کشیده شده ویا همچون زمین مرتفعی درمیان این دو فاصله گردیده است به طوری که آن ها که روی آن قرار دارند، مشرف بر بهشت و دوزخند و هر دو گروه را مشاهده می کنند، و از هر چهره های تاریک و روشن آنها می توانند آنها را بشناسند.

اکنون ببینیم چه کسانی بر اعراف قرار دارند و اصحاب اعراف کیانند؟

بررسی آیات چهارگانه فوق نشان می دهد که دو گونه صفات مختلف و متضاد برای این اشخاص ذکر شده است:

در آیه اول و دوم (آیه 46 و47)، افرادی که بر اعراف قرار دارند چنین معرفی شده اند که آرزو دارند وارد بهشت شوند ولی موانعی آنها را جلوگیری کرده است، به هنگامی که نگاه به بهشتیان می کنند بر آنها درود می فرستند، و می خواهند با آنها باشند، اما هنوز نمی توانند، و به هنگامی که نظر به دوزخیان می افکنند، از سرنوشت آنها وحشت نموده و به خدا پناه می برند.

ولی از آیه سوم و چهارم(آیه 48و49) استفاده می شودکه آنها افرادی با نفوذ و صاحب قدرتند، دوزخیان را مواخذه و سرزنش

می کنند و به واماندگان در اعراف کمک می نمایند که از آن بگذرند و به منزل سعادت برسند.

روایاتیکه در زمینه اعراف و اصحاب اعراف نقل شده نیز ترسیمی از دو گروه متضاد می کند، در بسیاری از روایات که از ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده می خوانیم:«نحن الاعراف؛ مائیم اعراف» یا «آل محمد هم الاعراف؛(1) خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله اعرافند»، و مانند این تعبیرات.

و در بعضی دیگر از روایات می خوانیم:«هم اکرم الحق علی الله تبارک و تعالی؛(2) آن ها گرامی ترین مردم در پیشگاه خدایند»، و یا «هم الشهداء علی الناس و النبیون شهدائهم؛(3) آنها گواهان بر مردمند و پیامبران گواهان آن ها هستند»، و روایات دیگر که حکایت دارد آن ها پیامبران وامامان و صلحاء و بزرگانند.

ولی دسته دیگری از روایات می گوید: آن ها واماندگانی هستند که بدی ها و نیکی هایشان مساوی بوده است یا گنکارانی هستند که اعمال نیکی نیز داشته اند، مانند حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:«هم قوم استوت حسناتهم و سیئاتهم فان ادخلهم النارنوبهم و ادخلهم الجنه قبرحمته؛(4) آن ها گروهی هستند که حسنات و سیئاتشان مساوی است، اگر خداوند آنها را به دوزخ بفرستد بخاطر گناهانشان است و اگر به بهشت بفرستد به برکت رحمت او است».1.

1- ر.ک: بصائر الدرجات، ص517؛ تفسیر عیاشی ج2 ص19؛ ینابع الموده، ج1ص304.
2- ر.ک: بحار، ج24، ص251-257؛ تفسیر نور الثقلین، ج2، ص33-35.
3- همان، ص200.
4- ر.ک: الکافی، ج2، ص381، ح1؛ تفسیر مجمع البیان، ج4، ص261.

روایات متعدد دیگری در تفاسیر اهل تسنن از حذیفه و عبد الله بن عباس وسعید بن جبیر و امثال آنها به همین مضمون نقل شده است.

در همین تفاسیر نیز مدارکی بر اینکه اهل اعراف، صلحاء و فقها و علما و یا فرشتگان هستند دیده می شود.

گرچه ظاهر آیات و ظواهر این روایات در ابتدا متضاد به نظر می رسد، و شاید همین امر سبب شده است که مفسران در این باره اظهار نظر های متفاوت و گوناگون کنند، اما با دقت روشن می شود که نه در میان آیات و نه درمیان روایات تضادی وجود ندارد، بلکه همه یک واقعیت را تعقیب می کنند.

توضیح اینکه: همانطور که گفتیم از مجموع آیات و روایات چنین استفاده می شودکه اعراف گذرگاه سخت و صعب العبوری بر سر راه بهشت سعادت جاویدان است طبیعی است که افراد نیرومند و قوی یعنی صالحان و پاکان با سرعت از این گذرگاه عبور می کنند اما افرادی که خوبی و بد را به هم آمیختند در این مسیر وا می مانند.

همچنین طبیعی است که سرپرستان جمعیت و پیشوایان قوم درگذرگاههای سخت همانند فرماندهانی که در اینگونه موارد در آخر لشگرراه می روند تا همه سپاهیان بگذرند، در آنجا توقف می کنند تا به کمک ضعفای مومنان بشتابند و آن هاکه شایستگی نجات را دارند در پرتو امدادشان رهایی یابند.

بنابراین در اعراف، دو گروه وجود دارند، ضعیفان و آلودگانی که در رحمتند و پیشوایان بزرگی که در همه حال یار و یاور ضعیفانند، بنابراین قسمت اول آیات و روایات اشاره به گروه نخستین یعنی ضعفا است و قسمت دوم اشاره به گروه دوم یعنی بزرگواران و انبیاء و امامان و صلحا.

در بعضی از روایات نیز شاهد این جمع به خوبی دیده می شود مانند روایتی که در تفسیر علی بن ابراهیم (تفسیر قمی) از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند«الاعراف کثبان بین الجنه و النار و الرجال الائمه یقفون علی الاعراف مع شیعتهم و قد سبق المومنون الی الجنه بلاحسنات...»(1) اعراف، تپه ای است میان بهشت و دوزخ، و امامان آن مردانی هستند که بر اعراف در کنار شیعیان(گناهکارشان) قرار می گیرند، در حالی که مومنان(خالص) بدون نیاز به حساب در بهشت جای گرفته اند...».

بعد اضافه می کند:«امامان و پیشوایان در این موقع به پیروان گناهکار خود می گویند خوب نگاه کنید، برادران با ایمان خود را چگونه بدون حساب به بهشت شتافته اند، و این همان است که خداوند می گوید:«سلام علیکم لم یدخلوها و هم یطعمون؛(2) یعنی آنها به بهشتیان درود می فرستند در حالی که خودشان هنوز وارد بهشت نشده اند و آرزو دارند).

سپس به آنها گفته می شود، دشمنان حق را بنگرید که چگونه در آتشند و این همان است که خداوند می فرماید: واذا صرفت ابصارهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمین(3)

... بعد به دوزخیان می گویند اینها(پیروان و شیعیانی که آلوده گناهانی بوده) همانها هستند که می گفتید هرگز مشمول رحمت الهی نخواهند شد، (سپس رحمت الهی شامل آنها شده) و به این دسته از گناهکاران(که بر اثر ایمان و اعمال صالحی شایستگی عفو و7.

1- ر.ک: تفسیر قمی، ج1،ص231؛ التبیان، ج4، ص411؛ تاویل الآیات، ج1، ص175.
2- سوره اعراف، آیه46.
3- سوره اعراف، آیه 47.

آمرزش دارند) از طرف امامان و پیشوایان دستور داده می شودکه به سوی بهشت بروید نه ترسی دارید و نه غمی.

شبیه همین مضمون در تفاسیر اهل تسنن از حذیفه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است.

نکته قابل توجه اینکه زندگی در جهان دیگر بر اساس الگوهایی است که از این جهان گرفته می شود. در مورد «اعراف» نیز همینگونه است، زیرا در این دنیا مردم سه گروهند: مومنان راستین که در پرتو ایمان به آرامش کامل رسیده اند و از هیچگونه مجاهدتی دریغ ندارند، و معاندان و دشمنان لجوسج حق که به هیچ وسیله به راه نمی آیند، و گروه سومی که در گذرگاه صعب العبوری میان این دو قرار گرفته اند و بیشتر توجه رهبران راستین و پیشوایان حق نیز به آن ها است که در کنارشان بمانند و دستشان را بگیرند و از مرحله اعراف مانند، نجاتشان دهند تادر صف مومنان حقیقی قرار گیرند.(1)

(21) چرا در مورد بهشت تعبیر به «ارث» شده است؟

در سوره اعراف، آیه 43 می خوانیم«وَنُودُواْ أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ؛ و ندا داده می شود که این بهشت را در برابر اعمالی که انجام داده اید به ارث بردید».

در اینجا یک سوال پیش می آید که چگونه به اهل بهشت گفته می شود، این نعمت ها را به «ارث» در برابر اعمالتان بردید؟6.

1- نقل مطالب از تفسیر نمونه، ج6، ص186.

پاسخ این سوال را حدیثی که از طریق شیعه و اهل تسنن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است می دهد، آنجا که می فرماید:

« ما من احد الا و له منزل فی الجنّه و منزل فی النار فاما الکافر فیرث المومن منزله من النار و المومن یرث الکافر منزله من الجنه فذلک قوله او ثتموها سبما کنتم تعلمون؛

(1)هرکس بدون استثناء جایگاهی در بهشت و جایگاهی در جهنم دوزخ دارد، کافران جایگاه دوزخی مومنان را به ارث می برند و دمومنان جایگاه بهشتی کافران را، و این است معنی کلام خداوند«اورثتموها باما کنتم تعلمون»».

این حدیث در واقع اشاره به آن است که درهای سعادت و شقاوت به روی همگان باز است. هیچ کس از آغاز، بهشتی آفریننده نشده و نه هیچکس از آغاز، بهشتی آفریده نشده و نه هیچکس دوزخی، بلکه همه کس استعداد رسیدن به هر دو را دارند، و این اراده خود آن ها است که سرنوشتشان را تعیین می کند، بدیهی است هنگایم که مومنان با اعمال خود به بهشت راه یافتند و افراد ناپاک و بی گمان به دوزخ جای خالی هر کدام به طور طبیعی در اختیار دیگری قرار خواهند گرفت.

به هر حال این آیه و آین حدیث یکی از دلائل روشن نفی جبر و طرفداری از اصل آزادی اراده است.(2)

والحمد لله رب العالمین

تمام شد در تاریخ 17/8/1368

قم مقدسه، علیرضا زکی زاده رنانی8.

1- ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج4، ص257؛ تفسیر صافی، ج3، ص395؛ تفسیر نور الثقلین، ج2،ص31، ح121؛ و از منابع اهل سنت ر.ک: سنن ابن ماجه، ج2، ص1453، ح4143؛ فتح الباری، ج11، ص385؛ زاد المسیر، ج3، ص137؛ تفسیر قرطبی، ج12، ص108 و...
2- ر.ک: تفسیر نمونه، ج6، ص178.

کتابنامه

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

- شیخ مفید، الاختصاص، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، منشورات جماعه المدرسین حوزه علمیه قم المقدسه

- ابو منصور احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، دو جلد، نشر مرتضی، مشهد مقدس، 1403 قمری

- حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، دو جلد، انتشارات اسوه، 1417

- سید محمد بکری الدمیاطی، اعانه الطالبین، 4 مجلد، دار الفکر بیروت لبنان، الطبعه الاولی1418 قمری

- شیخ صدوق، الامالی، یک جلد، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362 شمسی

- شیخ طوسی، الامالی ، یک جلد، انتشارات الثقافه قم، 1414 هجری قمری

- سید علی بن موسوی بن طاوس، اقبال الاعمال، یک جلد، دار الکتب الاسلامیه تهران، 1367 هجری شمسی

- علامه مجلسی، بحار الانوار، 110 جلد، موسسه الوفاء بیروت- لبنان، 1404 قمری

- محمد بن حسن فروخ صفار، بصائر الدرجات، یک جلد، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، 1404 قمری

-ابی بکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، تاریخ بعداد او مدینه الاسلام،14 مجلد، نشر دار الکتاب العلمیه بیروت الطبعه الاولی 1417 قمری.

- سید شرف الدین حسینی استرآبادی، تاویل الایات الظاهره، یک جلد، انتشارات جامعه المدرسین قم، 1409 هجری قمری

- شیخ طوسی، التبیان، 10 جلد، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعه الاولی 1409 قمری

- حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1404

- محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات مشرقین، چاپ چهارم، 1379

- علامه حلی، تذکره الفقهاء، تحقیق و نشر: موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث قم، الطبعه الاولی محرم 1414 قمری

- محمد طاهر بن الهندی الفتنی، تذکره الموضوعات، یک مجلد؟

- اسماعیل بن کثر، تفسیر ابن کثیر، 4 مجلد، نشر دار المعرفه بیروت،1412

- ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، مشهد، انتشارات دار المرتضی، چاپ اول

- ---------- ، تفسیر الاصفی، دو جلد مرکز انتشارات دفتر فکری علامه طباطبائی، چاپ پنجم1376 هجری شمسی

- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، 2 جلد، چاپخانه علمیه تهران

- محمد بن احمد الانصارى القرطبى، (الجامع لاحكام القرآن) تفسير القربطى، 20 مجلد، موسسه التاريخ العربى بيروت، 1405 قمرى

- على بن ابراهيم بن هاشم قمى، تفسير قمى، 2 جلد، موسسه دار الكتاب قم، 1404 هجرى قمرى

- فضل بن حسن طبرسى، مجمع البيان فى تفسير القرآن، موسسه اعلمى للمطبوعات بيروت، طبع اول 1415 هجرى قمرى

- الشخی عبد علی بن جمعه العروسی الخویزی، تفسیر نور الثقلین، موسسه اسماعیلیان قم الطبعه الرابعه، 1412 قمری

- آیت الله مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب اسلامیه، چاپ شانزدهم، 1378 شمسی

- حسین بن محمد حلوانی، تنبیه الخواطر، یک جلد، تحقیق مدرسه الامام المهدی علیه السلام قم، الطبعه الاولی1408 هجری قمری

- شخ طوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، 10 مجلد، حققه و علق علیه: السید حسن الموسوی الخراسان، نشر دار الکتب الاسلامیه، الطبعه الثانیه1414 ه- .ق

- ابی جعفر بن جریر الطبری، جامع البیان عن تاویل آی قرآن، دار الفکر للطباعه و النشر1415 قمری

- حاج سید احمد خوانساری، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، علق علیه علی اکبرالغفاریف ناشر مکتبه الصدوق طهران الجزء الاول الطبعه الثانیه 1355 ه- ش

- شیخ صدوق، ثواب الاعمال، یک جلد، انتشارات شریف رضی قم، 1364 شمسی

- الخصال، دو جلد در یک مجلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1403 قمری

- ---------- ، علیرضا زکی زاده رنانی، حکمت ها حضرت مسیح علیه السلام، انتشارات پرتو خورشید، چاپ دوم 1385 شمسی

- شیخ حر عاملی، الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه، منشورات مکتبه المفید قم ایران

- جلال الدین عبد الرحمن ابن ابی بکر السیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، دار المعرفه، الطیبه الاولی 1365 قمری

- المولی ابی الحسین سعید بن هبه الله المشهور بقطب الدین الراوندی، سلوه الحزین المعروف به الدعوات، التحقیق و النشر: مدرسه الامام

المهدی، الطبعه الاولی1407 ه- ق
- سید مهدی حجازی، درر الاخبار گزیده بحار الانوار، دفتر تبلیغات اسلامی
- محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه،یک جلد، دار الذخائر للمطبوعات، قم
- شهید اول، الذکری، یک مجلد، طبعه حجریه خط کرمانی سنه 1272

محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضه الواعظین، انتشارات رضی قم

- حسین بن سعید کوفی، الزهد، 1 مجلد، المطبعه العلمیه قم، 1399 قمری

- محمد بن ادریس الحلی، السرائر، مطبعه موسسه النشر الاسلامی الطبعه الثانیه، 1410 قمری

- نسایی، سنن نسایی، انتشارات دار البشائر الاسلامیه، 1986 میلادی

- ترمذی، سنن ترمذی، انتشارات دار الفکر، 1983 میلادی

- بیهقی السنن الکبری، 10 جلد، نشر دار الفکر بیروت

- سلیمان بن اشعث السجستانی، سنن ابی داود، 2 مجلد، نشر دار الفکر بیروت الطبعه الاولی1410 قمری

- محمد بن یوسف الصالحی الشامی، سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، دار الکتب العلمیه بیروت- لبنان

- الشیخ محمد مهدی الحائری، شجره طوبی، منشورات المکتبه الحیدریه فی النجف، الطبعه الخامسه 1385 ه- ق

- ابن ابی الحدید متعزلی، شرح نهج البلاغه، دار احیاء اکتب العربیه عیسی البابی الحلبی و شرکاه الطبعه الاولی 1378 قمری

- علیرضا زکی زاده رنانی، شنیدنی های شب جمعه، انتشارات حدیث نینوا، چاپ اول، 1384 شمسی

- اسماعیل بن حماد جوهری، الصحال تاج اللغه و صحاح العربیه، 6 مجلد، نشر دار العلم للملایین بیروت، الطبعه الرابعه14.7 قمری

-بخاری، صحیح بخاری، انتشارات دار القلم بیروت 1987 میلادی،

- علی بن بلبان الفارسی، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، 16 مجلد، التحقیق شعیب الارنووط، نشر موسسه الرساله، الطبیعه الثانیه 1414 قمری

- النووی، صحیح مسلم بشرح النووی، مجلد، نشر در الکتب العربی بیروت، الطبعه الثانیه 1407 ه- ق

- علی بن یونس نباطی بیاضی، الصراط المستقیم، 3 جلد در یک مجلد، چاپ کتابخانه حیدریه، نجف، 1384 هجری قمری

- ابن بطریق یحی بن حسن حلی، العمده، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1407 هجری قمری

- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللآلی، 4 جلد، انتشارات سید الشهداء(ع) قم، 1405

- شیخ صدوق، علل الشرایع، یک جلد، انتشارات مکتبه الداوری قم

- ---------- ، عیون اخبار الرضا(ع)، 2 جلد در یک مجلد، انتشارات جهان، 1378 هجری قمری

- خلیل بن احمد فراهیدی، العین، 8 مجلد، تحقیق الدکتور مهدی المخزومی ابراهیم السامرائی، نشر موسسه دار الهجره، الطبعه الثانیه 1409 ه- ق

- ابراهیم بن محمد الثقفی، الغارات، تحقیق السید جلال الدین المحقق، 2 جلد، المطبهع بهمن

- سید هاشم بحرانی، غایه المرام و حجه الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، 7 جلد؟!

- الشیخ عبد الحسین الامینی، الغدیر، 12 مجلد، دار الکتب العربی- بیروت

- عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1366 هجری شمسی

- ابن بابویه القمی، فقه الرضا علیه السلام، تحقیق: موسسه آل البیت(ع)، نشر الموتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام

- الشیخ سید سابق، فقه السنه، 3 جلد، نشر دار الکتب العربی بیروت

- سید بن طاووس حسنی، فلاح السائل؟

- سید علی اکبر قریشی، قاموس قرآن، هفت جلد در سه مجلد، انتشارات دار الکتب اسلامیه، چاپ ششم 1371 شمسی

- شیخ ابو العباس عبد الله الحمیری، قرب الاسناد، موسسه آل البیت لاحیاء التراث قم، الطبعه الاولی1413 قمری

- ثقه الاسلام کلینی، الکافی، 8 جلد، در الکتب الاسلامیه تهران، 1365 هجری شمسی

- عبد الله بن عدی الجرجانی، الکامل فی ضعفاء الرجال،تحقیق الدکتور سهیل زکار، 7 جلد، نشر دار الفکر بیروت، الطبعه الثالثه 1409

- جعفر بن محمد قولویه، کامل الزیارات، 1 مجلد، تحقیق شیخ جواد القیومی، موسسه نشر الفقاهه، الطبعه الاولی 1417 ه- ق

- اسماعیل بن محمد بن عجلونی، کشف الخفاءو مزیل الالباس، 2 مجلد، نشر دار الکتب العلمیه بیروت، الطبعه الثانیه1408 قمری

- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، 2 جلد، چاپ مکتبه بنی هاشمی تبریز، 1381 هجری قمری

- علامه حلی حسن بن یوسف، کشف الیقین، یک جلد، موسسه چاپ و انتشارات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد، 1411 هجری قمری

- علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، یک جلد، انتشارات بیدار قم، 1410 قمری

-ابی الفتح محمد بن علی الکراجکی، کنز الفوائد، مکتبه المصطفی قم، الطبعه الثانیه 1410 قمری

- علی المتقی بن حسام الدین الهندی، کنز العمل فی سنن الاقوال و الافعال، موسسه الرساله بیروت1409

قمری

- ابن منظور، لسان العرب، 15 مجلد، نشر ادب الحوزه، الطبعه الاولی1405

- شیخ محمد بن المشهدی، المزار، تحقیق جواد القیومی، نشر القیوم، الطبعه الاولی1419 هجری قمری

- سید هاشم بن سلیمان بحرانی،مدینه معاجز الائمه الاثنی عشر و دلائلی الحجج علی البشر، موسسه المعارف الاسلامیه، الطبعه الاولی1413 قمری

- حاج شیخ علی نمازی، مستدرک سفینه البحار، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه

- محدث نوری، مستدرک الوسائل، 18 جلد، موسسه آل البیت علیهم السلام قم،1408 قمری

- رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، یک جلد، انتشارات شریف رضی قم، 1412 هجری قمری

- شیخ صدوق، معانی الاخبار، یک جلد، انتشارات جامعه المدرسین قم، 1361 شمسی

- ----------، من لا یحضره الفقیه، 4 جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم،1413 هجری قمری

- شیخ مفید، المقنعه، یک جلد، انتشارات جهانی شیخ مفید قم، 1413 هجری قمری

- ابی محمد عبد الله بن احمد بن محمد بن قدامه، المغنی، الدار الکتاب العربی للنشر و التوزیع

- علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، التحقیق: قسم الفقه فی مجمع البحوث الاسلامیه، نشر مجمع البحوث الاسلامیه، ایران مشهد، الطبعه الاولی1412

- محمد فواد عبد الباقی، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن کریم، موسسه اعلمی للمطبوعات بیروت، طبع اول1420 ه- ق

- سلیمان بن احمد الطبرائی، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، نشر مکتبه ابن تیمیه القاهره، 25 مجلد، الطبعه الثانیه

- علی بن ابی بکر الهیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مکتبه القدسی بالقاهره دار الکتب العلمیه بیروت- لبنان

- محقق الاردبیلی، مجمع الفائده و البرهان،14 مجلد، تحقیق: اشتهاری و عراقی ویزدی، نشر جامعه المدرسین، 1403 قمری

- شیخ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، شش مجلد

- احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، یک جلد، دار الکتب الاسلامیه قم،1371 هجری قمری

- علیرضا زکی زاده رنانی، معراج پیامبر(ص)، یک جلد انتشارات موعود اسلام، چاپ سوم 1386 شمسی

- زید بن علی بن الحسین ابن علی بن ابی طالب علیهم السلام، مسند الامام زید، منشورات دار مکتبه الحیاه بیروت لبنان

- الشهید الثانی، مسکن الفواد، موسسه آل البیت لاحیاءالتراث قم، الطبعه الاولی قمری

- ---------- ، منیه المرید، تحقیق رضا مختاری، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعه الاولی1409

قمری

- ابوالفضل علی بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار، یک جلد، کتابخانه حیدریه نجف اشرف، 1385 هجری قمری

- شیخ طوسی،مصباح المتهجد، یک مجلد، موسسه فقه الشیعه بیروت- لبنان، الطبعه الوالی1411 ه-ق

- رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، یک جلد انتشارات شریف رضی قم، 1412 هجری قمری

- ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب (ع)، 4 جلد، موسسه انتشارات علامه قم، 1379 هجری قمری

- الموفق بن احمد بن محمد الخوارزمی، المناقب، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المقدسه، الطبعه الثانیه 1411 هجری قمری

- احمد سیاح، ترجمه المنجد، انتشارات اسلام، چاپ نوزدهم، 377 شمسی

محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، 15 جلد با ترجمه، انتشارات دار الحدیث، ویرایش سوم1377 شمسی

- ابن الاثیر، النهایه فی غریب الحدیث، 5 مجلد، موسسه اسماعیلیان قم، الطبعه الرابعه 1364 شمسی

- شیخ محمد باقر محمودی، نهج السعاده، 8 جلد، دار التعارف للمطبوعات بیروت، الطبعه الاولی1396 قمری

- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، 29 جلد، موسسه آل البیت علیهم السلام قم،1409

- سید علی بن موسی بن طاوس، الیقین، یک جلد، موسسه دار الکتاب قم،1409 هجری قمری

-شیخ سلیمان ابن شیخ ابراهیم معروف بخواجه کلان، ینابیع الموده، 3 جلد در یک مجلد، منشورات موسسه اعلمی للمطبوعات بیروت، چاپ اول 1418 هجری قمری

گزیده ای از آثار مولف:

1- معراج پیامبر(ص)، انتشارات موعود اسلام

2- شنیدنی های شب جمعه، انتشارات حدیث نینوا

3- معجزات سر مقدس امام حسین علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا

4- 170 پرسش در محضر رسول خدا(ص)، انتشارات حدیث نینوا

5- 110پرسش در محضر امام علی علیه السلام،انتشارات حدیث نینوا

6- 40پرسش در محضر امام حسن علیه السلام،انتشارات حدیث نینوا

7- 100پرسش در محضر امام حسین علیه السلام،انتشارات حدیث نینوا

8- 50پرسش در محضر امام فاطمه زهرا(س)علیه السلام،انتشارات حدیث نینوا

9- 120پرسش در محضر امام زمان علیه السلام،انتشارات حدیث نینوا

10- 205پرسش در محضر امام هادی علیه السلام،انتشارات حدیث نینوا

11- 130پرسش در محضر امام حسن عسگری علیه السلام،انتشارات حدیث نینوا

12- حکمت های حضرت مسیح علیه السلام، انتشارات پرتو خورشید

13- (کلمات قصار) سه کلمه ای های حضرت علی علیه السلام، انتشارات پرتو خورشید

14- (کلمات قصار) دو کلمه ای های حضرت علی علیه السلام، انتشارات پرتو خورشید

15- شمیم رحمت«گلچین اشعار مناجاتی و ماه مبارک رمضان»، انتشارات پرتو خورشید

16- حضرت علی علیه السلام در آیینه معراج،انتشارات پرتو خورشید

17-یکصد موضوع از قرآن کریم، انتشارات پرتو خورشید

18- پژوهش و بررسی روایات سخن گفتن حضرت علی علیه السلام با حیوانات، انتشارات حدیث نینوا

19- جلوه طه گلچین مدایح و مناقب امام زمان علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا

20- آرامش ابدی، مرکز پخش کتاب هفت

21- جهنم کمینگاه بزرگ، مرکز پخش کتاب هفت

22- صراط، مرکز پخش کتاب هفت

ص: 159

1- جامع تفسیر العیاشی(اسانیده، مستدرکاه و شرح غرائبه) «عربی؛ 4 جلد»

2-تصحیح و تعلیقه بصائر الدرجات «عربی؛ 3 جلد»

3-پژوهشی در علوم اهل بیت علیهم السلام «فارسی؛ 2 جلد»

4- مواعظ المسیح علیه السلام «عربی؛ 1 جلد»

5- موسه المعراجیه «فارسی؛ 2 جلد»

6-در محضر امام جواد علیه السلام

7-در محضر امام سجاد علیه السلام

8- سرنوشت اصحاب با وفا

ص: 160

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109